

امور رهنماییه

رشاد

مجموعه‌ی آموزشی، علمی، اطلاع‌رسانی برای معلمان، دانش‌آموزان و کارکنان آموزش و پرورش



● نت‌ها در کلاس
● آموزش شناگری تربیتی
● بیست و دوم بهمن اگر نبود؟

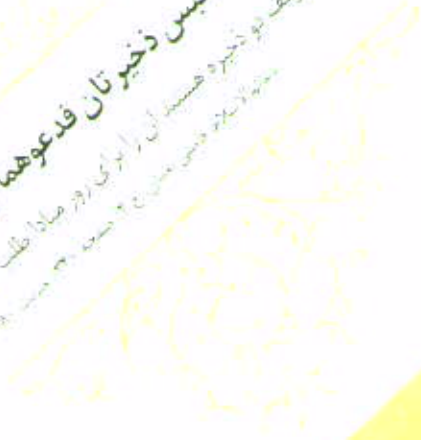


شهادت‌ها هم چو آب چشمه پاک اند...

12 رمضان 1440 هـ

الإمام علي عليه السلام: الصدقة والجس ذخيرتان قد عوهمما ليومهما.

صدقه ووقف ذو ذخيره حسبت ان را ابوي روز صادا طلبت كسد
صدا لا ياتوه فليس عسرا في الصدقة بل في صحتها 128





بسم الله الرحمن الرحيم

مشهد امور و برنامه ریزی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش
«دوره‌ی پانزدهم» بهمن ۱۳۸۸ «شماره‌ی بی‌دری ۲۹»

مدیرمسئول: محمد ناصری

سردبیر: محمدرضا حسینی

شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی: جعفر ربانی، منصور ملک‌عباسی و

علی اصغر جعفریان

مدیر داخلی: فاطمه محمودیان

ویراستار: کبری محمودی

طراح گرافیک: پرینا سندسی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر، شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹

تلفن: ۸۸۴۹۰۲۳۳

فکس: ۸۸۲۰۱۴۸۷

پانگاه اینترنتی: www.roshdmag.ir

رایانامه: rahnamayi@roshdmag.ir

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۸۳۹۲۳۳ و ۸۸۲۰۱۴۸۲

کد مدیرمسئول: ۱۰۲ کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۶۶۵۵

شمارگان: ۲۱۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- مسیر تحول / محمدرضا حسینی / ۲
تنفس مغز / سمیه سیفی / ۳
برنامه‌ی مدرسه‌ی زندگی / نصرالله دادار / ۴
دوره‌ی گذر / پروین داعی‌پور / ۸
آموزش شناگری تربیتی / دکتر علی اکبر شعاری‌نژاد / ۱۰
خروج از قالب‌ها و کلیشه‌ها / سیمین جهانی / ۱۲
برهان محبت / حبیب‌الاسلام عباس یسن‌دیده / ۱۴
بهداشت معلمان: معلم و حرکت / احمد مختاریان / ۱۶
فطرت و محیط / دکتر بدالله سعیدنیا / ۱۸
بسیست و دوم بهمن اگر نبود؟ / دکتر حسین داودی / ۲۰
معرفی مجله‌ی برهان راهنمایی / حسین نامی‌ساعی / ۲۱
به سوی خدانشناسی / فاطمه محمودیان / ۲۱
نت‌ها در کلاس / دکتر لیلا سلیقه‌دار / ۲۲
آموزش و پرورش ناکارآمد / مهدی رضائیان / ۲۴
آموزش دیداری / منصور ملک‌عباسی / ۲۶
اردوی نجات / حسین افضح / ۲۸
اقبال لاهوری / جعفر ربانی / ۳۲
سرما‌ی‌های تربیت / فاطمه خرقانیان / ۳۴
اسماعیل / علی اصغر جعفریان / ۳۷
به‌روز رسانی ویلاک / علیرضا کاردانیور / ۳۸
عرض شود که: «ضمن خدمت» / احمد عربلو / ۴۰
آموزش در سرزمین متنوع / ترجمه‌ی طیبه الدوسی / ۴۲
گردش علمی / نسرتین اربایی / ۴۵
کادربندی / طیبه رحیمی / ۴۶
پرسش مسئولان، پاسخ شما / ۴۷
نگاهی به مجله‌ی رشد نوجوان / ۴۸

فایل توجیه نویسندگان و

مترجمان محترم:

- مقاله‌هایی که برای فرج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشد.
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. حتی‌الاحتمال مقاله را خلاصه می‌کنیم. این موضوع را قید نفرمائید.
- مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD یا فلاپی و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند.
- متن مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
- محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود.
- مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
- کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلید واژه‌ها) از متن استخراج شوند.
- مقاله باید دارای تیتراژ اصلی-تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد.
- معرفی نامی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی بویست شود.
- مجله در رد، قول، ویرایش و ناختم مقاله‌های رسیده محترم است.
- مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود.
- آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبنی بر رای و نظر مسئولان مجله است.

طرح جلد:
از عکس‌های تعدادی از معلمان شهید
آموزش و پرورش طبیب استفاده شده است.

مسیر تحول

محمد رضا حشمتی



از نظر ماکارانکو^۱، علم تعلیم و تربیت، جدلی‌ترین، متغیرترین، پیچیده‌ترین و متنوع‌ترین علوم است. چرا آموزش و پرورش چنین وضع پیچیده‌ای پیدا می‌کند؟ علت آن است که عمل آموزش و پرورش، یعنی کنش‌هایی که در میدان عمل رخ می‌دهند، در حیطه‌ی «شدن» قرار دارد [ادگار، ۱۳۸۳]. موقعیت‌های تربیتی، منام پدیده‌های جدیدی را در بطن خود رشد می‌دهند که پیش‌بینی آن‌ها به صورت دقیق و قطعی ممکن نیست. این همان ویژگی «پدیده‌زایی» نظام‌های آموزشی است، به این سبب تغییرات در موقعیت‌ها و یا نظام‌های آموزشی مانند سایر نظام‌ها قابل «برنامه‌ریزی» نیست. آموزش و پرورش زمانی می‌تواند در مسیر تحول قرار بگیرد که به صورت مستمر با نیروهای اصلی خود - معلمان - در ارتباط باشد. برای تقریب ذهن می‌توان این مطلب را با مقوله‌های «یاددهنده» و «یادگیرنده» مطابقت داد.

همان‌گونه که در فرایند تدریس ممکن است «یاددهی انتقالی» از سوی معلم، مانع «یادگیری اکتشافی» دانش‌آموز شود، به همان میزان می‌توان گفت: «متحول کردن معلمان از موضع اقتدار، مانع متحول کردن آن‌ها به‌طور فعال و ارادی می‌شود».

به عبارت روشن‌تر، اگر ستاد آموزش و پرورش، تغییرات را بدون مداخله، فعالیت و تمایل معلمان به آن‌ها تحمیل یا منتقل کند، احتمال زیادی دارد که این ارتباط یکسویه، مانع تحقق تغییر یا تحول آن‌ها شود. به قول دکتر عبدالعظیم کریمی: «یاددهی، مانع یادگیری است» [کریمی، ۱۳۸۵]. نکته این‌جاست که با روش‌های تجربه‌شده ناموفق نمی‌توانیم آن‌چنان که لازم است، مسیر تحول را به درستی طی کنیم.

نکته‌ی بعدی این است که اگر ما معلمان بخواهیم در تحول بنیادین آموزش و پرورش نقش فعال داشته باشیم، باید از فرصت‌های به‌وجود آمده برای بیان نظرات، پیشنهادها و نقدهای منصفانه بهره بگیریم تا در آینده گرفتار غصه و اندوه نشویم که: «ای کاش، ای کاش!» همان‌گونه که امام علی (ع) می‌فرمایند: «فرصت‌ها را قدر بدانید، آن‌ها مانند ابرها می‌گذرند».

«رشد آموزش راهنمایی تحصیلی» رسالت خود می‌داند که مطالب شما همراهان درد‌آشنای مسائل آموزش و پرورش را به مسئولان محترم انتقال دهد. منتظر مطالب‌تان هستیم.

زیرنویس

I. Makaranko

منابع

۱. ادگار، ملین. هفت دانش ضروری برای آموزش و پرورش آینده. ترجمه‌ی دکتر محمد یعنی دوزی سرخا. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.
۲. کریمی، عبدالعظیم. آسیب‌شناسی تربیت اجتماعی. انتشارات عابد، ۱۳۸۵.

در شماره‌ی قبل، درباره‌ی تأثیر موسیقی بر مغز و یادگیری صحبت کردیم. در این شماره، تأثیرات اکسیژن، رنگ و رایحه را بر مغز و یادگیری بیان می‌کنیم.

تأثیر اکسیژن

مغز بیشتر از هر اندام دیگر بدن اکسیژن مصرف می‌کند. در واقع، ۲۰ درصد اکسیژن بدن را مغز استفاده می‌کند. خون اکسیژن را به مغز منتقل می‌کند و اکسیژن باعث سوختن گلوکز می‌شود که سوخت اصلی سلول‌های عصبی است. در واقع تنفس برای مغز ضروری‌تر از ویتامین‌ها و مواد معدنی به‌شمار می‌رود. استفاده از گیاهان معین در یک محیط، یادگیری و تفکر بهتر را موجب می‌شود، با وجود این که گیاهان بعد از زیاسازی محیط را نیز افزایش می‌دهند. زمانی که دانش‌آموزان از تأثیرات اکسیژن بر مغز و یادگیری آگاهی می‌یابند، آگاهانه نفس می‌کشند و این تأثیرات بسیار مثبتی بر سلامتی و خدانشناسی دارد.

توصیه‌ها

- در صورت امکان، آموزش مباحث جدید در فضاهای طبیعی (اسبیز) صورت پذیرد و در غیر این صورت، تا حد امکان از گلدان‌های طبیعی در فضای کلاس استفاده شود.
- با توجه به این که خنده، میزان ورود اکسیژن سالم به مغز را افزایش می‌دهد، معلمان در تدریس خود بکوشند محیط شاد و آرامی را برای دانش‌آموزان مهیا سازند.

تأثیر رنگ

رنگ در کلاس درس، انگیزه‌ی قدرتمندی را برای یادگیری به‌وجود می‌آورد. هر رنگی طول موج متفاوتی دارد و اثرات متفاوتی بر مغز و یادگیری می‌گذارد. در کل، رنگ‌های زرد، نارنجی روشن و بژ، برای محیط یادگیری بهینه و سازگار با مغز توصیه شده است.

تأثیر رایحه

ارتباط مستقیمی که بین غدد بویایی و سیستم عصبی وجود دارد، نقش حیاتی ارتباط رایحه با یادگیری را بیان می‌دارد. رایحه‌ها در محیط می‌توانند، بر روحیه و خلق هنر، سطوح اضطراب، ترس و گرسنگی تأثیر بگذارند. **الن هایرچ** (۱۹۹۳) نورولوژیست دانشگاه شیکاگو، بیان داشته که رایحه‌ی گل‌های معین، توانایی یادگیری و تفکر را افزایش می‌دهند. نعناع، ریحان، لیمو، دارچین و رزماری، هوشیاری ذهنی را افزایش می‌دهند، در حالی که گیاهان بابونه، پرتقال و رز، آرامش‌دهنده‌ی اعصاب به‌شمار می‌روند. استفاده از این رایحه‌ها، احساسات خوشایند را در مغز فعال می‌سازد و بر یادگیری بهینه تأثیر بسزایی دارد.

سرمیه سیفی

تنفس مغز

راهکارهای محیطی برای اجرای آموزش مغز محور

گفت‌وگو با دکتر علی ذوعلم
مدیر طرح برنامه‌ی درسی ملی

برنامه‌ی مدرسه‌ی زندگی

نصرالله دادار

تهیه‌ی سند برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، براساس چه ضرورت‌هایی انجام شده است؟ معلمان در تهیه‌ی این سند چه نقشی داشته‌اند؟ آیا این سند باعث تمرکزگرایی و مانع مشارکت نخبگان در تدوین و تألیف کتاب‌های درسی نخواهد شد؟ جهان‌بینی دینی و مذهبی چه جایگاهی در این سند دارد؟ آیا در این سند، به مهارت‌های زندگی، ورزش و تربیت‌بدنی و نظام آموزشی شاد به حد کافی توجه شده است؟ این سند در چه زمانی به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش می‌رسد و چه مراحل اجرایی را طی خواهد کرد؟ با این سؤالات، به اتفاق سردبیر مجله‌ی رشد آموزش و راهنمایی تحصیلی، خدمت دکتر علی ذوعلم، مشاور وزیر آموزش و پرورش و مدیر طرح «برنامه‌ی درسی ملی» رسیدیم و با وی به گفت‌وگو نشستیم. توجه شما را به این گفت‌وگو جلب می‌کنیم.



رشد آموزش
راهنمایی
تحصیلی

تدوین و تبیین سند برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران براساس چه ضرورت‌ها و نیازهایی انجام شده است؟

۷۰ ساله‌ی حال حاضر، برنامه‌ی درسی که در آموزش و پرورش در سطح دوره‌های گوناگون داریم، برنامه‌ی است که حکم و اساس آن از دهه‌ی ۳۰ سال قبل طراحی شده است. اگر چه در دهه‌های گذشته، بعد از اصلاحاتی روی آن‌ها انجام گرفته، اما اساس و ساختار آن همان است. تکیه‌ی دیگر این که بعد از انقلاب اسلامی، مبنای نظری ما در عرصه‌ی تعلیم و تربیت بازخوانی شد و مسئولان در شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش انجام شد که ما را مکلف می‌کند در برنامه‌ی درسی ما هم متناسب با تغییر و ارتقای اهداف، تحولی ایجاد کنیم. همچنین نیازهای مخاطبان و مربیان، تحول و جدید شده و تجربه‌های نو و عوفتی در سطح جهان به دست آمده که ما باید از همه‌ی آن‌ها استفاده و برنامه‌های درسی ما را نوسازی کنیم.

این ضرورت‌ها اقتضا می‌کرد که در برنامه‌ی درسی کشور، اصلاح اساسی و جامعی صورت گیرد. در حقیقت، طراحی محتوایی ما در آموزش و پرورش، بر طراحی برنامه‌ی درسی ما منبسط است و هر مقدار که برنامه‌ی درسی ما زورمندتر، کارآمدتر و موفق‌تر باشد، خودبه‌خود نظام تعلیم و تربیت ما در جهت تحقق کیفیت مطلوب، موفق‌تر خواهد بود. ما به حال نقیسه‌های جامع، متنوع و متنوع که یک‌باره برنامه‌ی درسی ما را در اختیار نداشته‌ایم، بنابراین، این کاستی هم اقتضا می‌کرد که به تولید سند برنامه‌ی درسی ملی بپردازیم، تا این که آن بتواند فراموش شود. در چند سال اخیر هم ما مطرح شدیم بویکرد تحول بنیادین در آموزش و پرورش، تکلیف برای ما به گونه‌ای مصاعف روح نبود که این سند تولید شود. اگر در یک حمله بخواهیم عرض کنیم، فقدان یشتونه‌ی مستند و متن فلسفی، علمی و اجتماعی برای برنامه‌های درسی ما، ضرورت تولید برنامه‌ی درسی ملی را آشکار می‌کند.

کار تدوین سند برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران چگونه آغاز شد؟

۷۰ ساله‌ی حال حاضر، برنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، این کاستی مورد توجه قرار گرفته بود و برنامه‌ریزی‌هایی شده بود تا این سند تولید شود، ولی به هر دلیل کار به تعویق افتاد. تا این که در اسفند سال ۱۳۸۴ تصمیم جدی سازمان برای تولید برنامه‌ی درسی ملی در قالب تشکیل کمیته مجری این طرح، تحقیق پیدا کرد و با ابلاغ رئیس سازمان، مدیر طرح تعیین شد. برنامه‌ی علمی تولید برنامه‌ی درسی ملی بنویس و پیش‌بینی شد که ما بتوانیم این کار را در طول دوران انجام

تعریفی که از معلم در این سند ارائه شده این است که معلم راهبر آموزشی، برنامه‌ریز درسی و مهندس فرهنگی است

آن به اجرا دربیاید و توفیقش به همراهی و همکاری همکاران فرهنگی وابسته است. از آغاز سعی کرده‌ایم از همفکری آن‌ها هم حداکثر استفاده را ببریم.

○ فکر می‌کنید سند تا کی نهایی و برای اجرا آماده می‌شود؟

✓ براساس مصوبه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش، ما دو سال فرصت داشتیم سند را تولید کنیم. فرصت دوساله‌ی ما اردیبهشت سال ۸۸ تمام شده است و در حال حاضر سند در کمیسیون راهبری طرح مورد بحث است. کمیسیون راهبری طرح در واقع، مرجع عالی علمی و کارشناسی این سند است که باید قبل از شورای عالی آن را تصویب کند. رئیس این کمیسیون، شخص وزیر آموزش و پرورش است. معاونان اصلی وزارتخانه و جمعی از متخصصان موضوعی، عضو این کمیسیون هستند در آن کمیسیون روی بنیاد و صفحه‌فصلی سند بحث می‌شود.

بعد از این که کمیسیون بررسی خودش را پایان داد، سند به شورای عالی ارائه می‌شود. پیش‌بینی ما این است که ان‌شاءالله تا آخر تابستان، شورای عالی، بررسی کار را شروع کند و در سریع‌ترین زمان آن را تصویب و برای اجرا به آموزش و پرورش ابلاغ کند.

برنامه‌ی زمان‌بندی ما این‌طور پیش‌بینی شده که ان‌شاءالله بتوانیم از نیم‌سال دوم سال ۸۸، با تصویب شورای عالی، اجرای سند را آغاز کنیم. برای اجرای مرحله‌ی اول برنامه‌ی درسی ملی هم، سه سال را پیش‌بینی کرده‌ایم. مرحله‌ی اول اجرای طرح، اجرای ستادی است. یعنی باید کارهایی در سطح ستاد وزارت آموزش و پرورش، معاونت‌ها و به‌خصوص سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی اتفاق بیفتد که شامل اصلاح ساختار، شکل‌گیری گروه‌های جدید، شکل‌گیری گروه‌هایی در سطح استان‌ها و تولید مواد و رسانه‌های آموزشی مناسب با برنامه‌ی درسی ملی است. حدس ما این است که در سال ۱۳۹۱-۹۲ تحصیلی، ان‌شاءالله بتوانیم به‌صورت محدود، در پایه‌ی اول کار را اجرا کنیم و به تدریج، به‌صورت پلکانی آن را ادامه دهیم.

○ یکی از مسائلی که در این زمینه نگرانی به وجود آورده این است که این سند به تمرکزگرایی تألیف کتاب‌های درسی منتهی می‌شود و نوآوری و خلاقیت‌هایی را که الان در جهان به آن‌ها توجه جدی می‌شود، از بین خواهد برد. در صورتی که قرار بر این بود که تألیف کتاب‌های درسی، مشارکت‌های جدی تری از سوی مردم و در حقیقت نخبگان جامعه صورت گیرد. چه برنامه‌ای دارید که این سند مانع نوآوری و خلاقیت و مشارکت نخبگان در تدوین کتاب‌های درسی نشود؟

✓ خوش بختانه یکی از رویکردهای ما در طول برنامه‌ی درسی ملی همین است که ما در تولید برنامه‌های درسی، کاهش

دهیم. تقریباً یک سال از زمان ما صرف فراهم کردن مقدمات شد؛ مقدمات مطالعاتی کار، جمع‌آوری پژوهش‌های تطبیقی در این زمینه و دست‌یابی به الگویی مفهومی تا بتوانیم متناسب با اهداف و فلسفه‌ی تعلیم و تربیتمان سند را تولید کنیم. به گونه‌ای که این سند، ضمن بهره‌برداری از همه‌ی تجربه‌های موفق، اقتباس محض از کار دیگران نباشد، بلکه بتواند الگویی پیشرفته و بومی را در عرصه‌ی درسی ارائه دهد.

○ میزان درگیری معلم‌ها در این طرح چهقدر بوده است؟

✓ یکی از اصول حاکم بر فرایند تولید این سند، استفاده از مشارکت فرهنگیان و کارشناسان آموزش و پرورش بود. ساختار و سازوکاری که برای این کار پیش‌بینی کردیم، تشکیل کمیته‌های برنامه‌ی درسی ملی در سراسر کشور و در سطح استان‌ها بود. از سال ۸۶ کمیته‌ها فعال شدند و قدم به قدم با ما پیش آمدند. هر مرحله از کار را که تولید می‌شد، برای آن‌ها می‌فرستادیم. روی آن بحث و گفتگو می‌کردند و نظر می‌دادند. بعضی از استان‌ها، نشست‌هایی سراسری با حضور فرهنگیان و صاحب‌نظران استان خود تشکیل دادند. بعضی از استان‌ها با ابتکار عمل خودشان، در سطح شهرستان‌ها و مناطق هم کار گروه‌هایی تشکیل دادند. مثلاً در سازمان شهر تهران، در مناطق گوناگون، کارگروه‌هایی شکل گرفت. بعضی از مناطق خودشان مستقل نشست‌های بکروژه‌ای را برگزار کردند و به همکاران فرهنگی اطلاع‌رسانی کردند و در کمیسیون‌های کارشناسی از آن‌ها نظر گرفتند. جمع این نظرها را، سال گذشته، در کارگاه‌های سه‌روزه‌ی هم‌اندیشی که به‌صورت قطعی در سراسر کشور برگزار شد، به بحث و نقد و بررسی گذاشتیم و بسیاری را فراهم کردیم تا تک‌تک فرهنگیان، معلمان و مربیان بتوانند، روی مواد گوناگون آن نظر بدهند. به خصوص به دنبال این بودیم که بتوانیم از دیدگاه‌های نو و قالب‌های جدید موجود، استفاده و آن‌ها را جمع‌بندی کنیم. خوش بختانه استان‌ها مشارکت خوبی در این مورد داشتند. آخرین باری که ما از نظر استان‌ها به‌صورت سازمان‌یافته استفاده کردیم، در هم‌اندیشی تدوین نگاشت دوم بود. دوستان روی نگاشت اول نظر دادند. البته در حال حاضر هم هنوز ما نظرات استان‌ها را دریافت می‌کنیم. یعنی تا آخرین لحظه‌ای که متن سند بخواهد در شورای عالی تصویب شود، مجال استفاده از دیدگاه‌های همکاران فرهنگی ما وجود دارد. تلقی ما این است که برنامه‌ی درسی ملی سنتی است که از دل آموزش و پرورش تولید شده است؛ ضمن این که از همه‌ی بنیهای علمی کشور، دانشگاهیان، حوزویان و پژوهشگران حتی الامکان استفاده کرده‌ایم. در عین حال، چون این برنامه باید در متن آموزش و پرورش و در بنده‌ی



برنامه‌ی درسی ما، هر اندازه روزآمدتر، کارآمدتر و موفق‌تر باشد، نظام تعلیم و تربیت ما را در جهت تحقق کیفیت، مطلوب‌تر و موفق‌تر خواهد کرد

تمرکز و انعطاف‌پذیری را مورد توجه قرار دهیم و با همفکری استان‌ها، به این میزان دست پیدا کرده‌ایم. البته استان‌ها این‌که بخواهیم به‌طور کامل کار را به خودشان واگذار کنیم، به هیچ وجه به مصلحت نظام آموزشی نمی‌بینند، برای ما مهم‌ترین مسئله کیفیت است. بخشی از این کیفیت در گرو تولید متمرکز بخشی از برنامه‌ی درسی و مواد و رسانه‌هاست و بخشی هم در گرو این است که خود مدرسه، منطقه، استان و حتی کلاس، در تولید آن مشارکت داشته باشند. این مطلب در برنامه‌ی درسی ملی پیش‌بینی شد تا دانش‌آموزان، اولیای آن‌ها و معلمان بتوانند در تشخیص نیازهای خاص هر دانش‌آموز، نظر خودشان را در برنامه، مواد و رسانه‌ها اعمال کنند.

یکی از نقاط نوآورانه‌ی برنامه‌ی درسی ملی همین رویکرد کاهش تمرکز است که مورد استقبال هم قرار گرفته است. البته در عمل موضوع بسیار خطیر و حساس است و در خود برنامه‌ی درسی ملی هم، مراقبت‌های کافی پیش‌بینی شده است. به این معنا که ما در حدی که هر استانی بتواند این مشارکت را داشته باشد، بتوانیم با هدایت یک مرکز کارشناسی و علمی صاحب صلاحیت، آن میزان از مشارکت را تأمین کنیم و واگذاری را انجام دهیم و بعد هم مراقبت و ارزش‌یابی کنیم که اگر آن میزان اختیاری که واگذار شده است، نتوانست در عمل به ارتقای کیفیت منتهی شود، اختیار کاهش یابد و تعدیل شود. یعنی به هیچ وجه نباید به‌صورت یک خط یکطرفه عمل کرد، بلکه در مدیریت کار باید کاملاً انعطاف و چابکی لازم وجود داشته باشد تا بتوان به موقع تصمیمات لازم را اتخاذ کرد. خوش بختانه ما می‌توانیم این نوبت را به همکاران عزیزمان در سطح مدارس بنهیم که در جایی که یک همکار فرهنگی، دیدگاه‌های نویسی دارد و توانمندی‌هایی دارد که می‌تواند در تولید برنامه، حتی نه فقط تولید مواد، مشارکت‌هایی داشته باشد، از این مشارکت‌ها استفاده شود.



در تدوین این سند چه قدر جهان‌بینی مذهبی نقش داشته است؟ به هر حال، رویکرد جامعه‌ی ما نوعی رویکرد مذهبی است، چه قدر به این موضوع توجه شده است؟

✓ اساساً هر نظام تعلیم‌وتربیتی بر یک نظام فلسفی متکی است. فلسفه‌ی تعلیم‌وتربیت، اولی‌سنگ بنایی است که ما در تصمیم‌گیری‌ها، فعالیت‌ها، اولویت‌ها و هدف‌گذاری‌هایمان باید لحاظ کنیم. در جامعه‌ی ما به دلیل این که دیدگاه اسلامی به عنوان نوعی دیدگاه جامع و کارآمد برای زندگی بشر پذیرفته شده است، مطالبه‌ی جامعه از ما در آموزش و پرورش این است که فلسفه‌ی اسلامی تعلیم‌وتربیت را مبنای

تعلیم‌وتربیت قرار دهیم. فلسفه‌ی اسلامی تعلیم‌وتربیت، یک سنتر، ریزش و نقطه‌ی عزیمت است، ولی معنایش این نیست که ما نیازهای اجتماعی، تجربه‌های تشریحی و دستاوردهای علمی را نادیده بگیریم. به کارگیری درست همه‌ی این دستاوردها زمانی اتفاق می‌افتد که ما در چارچوب فلسفه‌ی شفاف و روشن از آن‌ها استفاده کنیم.

در حقیقت اولین سؤال در تعلیم‌وتربیت این است که شما می‌خواهید از چه انسانی، چه انسانی را بسازید؟ یعنی وضع موجود انسانی که می‌خواهید تربیت کنید، چیست؟ توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و نیازهایش چیست و آن انسان مطلوبی که شما ترسیم کرده‌اید، چه کسی است؟ تربیت تغییرات پایداری است که در ابعاد گوناگون وجودی انسان ایجاد می‌شود و او را در یک جهت سوق می‌دهد. این جهت‌گیری بسیار مهم است. در نظام جمهوری اسلامی هم این جهت‌گیری برای ما جهت‌گیری مهمی است که بتوانیم با توجه به انسان‌شناسی اسلامی و نگاهی که اسلام به تعلیم‌وتربیت دارد، اهدافمان را مشخص کنیم. قطعاً اگر این اهداف برای ما شفاف و روشن نباشد، ما در لایه‌های تصمیم‌گیری‌مان دچار تزلزل و تردید و با دچار نوعی تشتت خواهیم شد.

در حال حاضر، یکی از آسیب‌های تعلیم‌وتربیت ما همین تشتت در جهت‌گیری‌هایی است که در خود آموزش و پرورش داریم. یعنی مربی تربیتی، معلم فزیک، مدیر مدرسه، خانواده و کتاب درسی دینی، هر کدام یک جهت‌گیری را برای بچه‌ها ترسیم می‌کنند. برنامه‌ی درسی ملی باید بتواند این جهت‌گیری‌ها را براساس یک فلسفه‌ی واحد و شفاف و روشن، همسو کند. یکی از مهم‌ترین کارکردهای برنامه‌ی درسی ملی، همسوسازی عوامل گوناگون در جهت تربیت دانش‌آموزان است.

رویکردی که در برنامه‌های درسی کنونی وجود دارد، حتی به یک نگرش علمی هم منتهی نمی‌شود، چه رسد به این که بخواهد به نگرشی فراعلمی و جامع منتهی شود. اگر بخواهیم خیلی راحت‌تر و صریح‌تر عرض کنیم، باید بگوییم، انتظار خداکنری که ما در حال حاضر از آموزش و پرورش‌مان و از برنامه‌ی درسی‌مان داریم، این است که فرزندان ما چیزهایی را یاد بگیرند که بتوانند آن‌ها را در دانشگاه بهتر بخوانند و ادامه دهند. اما این که در متن دانشی که فرا می‌گیرند، عمق و نگرش ایمانی آن‌ها چه قدر تقویت می‌شود، اندیشه‌ورزی آن‌ها چه قدر تقویت می‌شود، چه قدر اهل کار، عمل و کارآفرینی و چه قدر اهل اخلاق تربیت می‌شوند، کاملاً معقول مانده است؛ زیرا ما آن مبنای را در اختیار ندانستیم.

خوش‌یختانه با دستاوردهایی که در برنامه‌ی درسی ملی در زمینه‌ی الگوی هدف‌گذاری داشته‌ایم، توانسته‌ایم این تقصیر را تا حد زیادی برطرف کنیم.

○ انتقادی که در حال حاضر به وضع آموزش و پرورش وارد می‌شود این است که در آموزش و پرورش، هیچ توجهی به توانمندسازی مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان نشده است و همان‌طور که اشاره کردید، به دنبال تربیت کسانی هستند که بتوان در دانشگاه از آن‌ها استفاده کرد. نکته‌ی دیگر این است که نظام آموزشی ما نوعی نظام شاد نیست که دانش‌آموز را جذب کند، به همین دلیل هم وقتی زنگ پایان مدرسه زده می‌شود، بچه‌ها با هجوم از مدرسه خارج می‌شوند؛ طوری که انگار در زندان بوده‌اند. در برنامه‌ی درسی ملی به این مسائل چه توجهی شده است؟

✓ نشان برنامه‌ی درسی ملی «گامی به سوی مدرسه‌ی زندگی» است. این شعار را هم کاملاً از عین فلسفه‌ی تربیت اسلامی گرفته‌ایم. مدرسه باید محیطی باشد که بخشی از زندگی واقعی، حدی و اثرگذار و دانش‌آموز تلقی شود. تا آن‌جا که، یوایی و تحرکی که مورد نیاز دانش‌آموز است، در مدرسه وجود داشته باشد. تا آن‌جا که دانش‌آموز را برای ورود به عرصه‌ی زندگی، در لایه‌ها و سطوح گوناگونش آماده کند، نه فقط برای ورود به دانشگاه، در حقیقت ورود به دانشگاه برای هر دانش‌آموزی، در یک توره‌ی سی، باز هم بخشی از زندگی اش تلقی می‌شود، نه همه‌ی زندگی. بنابراین، با توجه به نشان و شعاری که دانشیم و با توجه به الگوی هدف‌گذاری، حوزه‌های یادگیری ما دچار تغییر اساسی شده‌اند.

در حال حاضر، حوزه‌های یادگیری ما بیشتر حوزه‌های یادگیری ساختنی و دانشی هستند و در حوزه‌های یادگیری جدیدی که در برنامه‌ی درسی ملی تعریف و پیش‌بینی شده‌اند، حوزه‌ی یادگیری تفکر و حکمت را در بحث اندیشه‌ورزی و تعقل داریم. همچنین، حوزه‌ی یادگیری بهداشت و سلامت و حوزه‌ی یادگیری آداب و مهارت‌های زندگی را داریم. یعنی آداب و مهارت‌های زندگی را باید در متن همه‌ی برنامه‌هایمان داشته باشیم. علاوه بر آن، باید فرست‌ها و ظرفیت‌های خاصی را هم برای غنی‌سازی مهارت‌های دانش‌آموزان و توانمندسازی آن‌ها داشته باشیم. ما عنصر کار و عمل را عنصری حدی در نظر گرفته‌ایم. یعنی این‌گونه نیست که فقط هنرجویان ما در هنرستان‌ها یا در کار بیرون‌دند فرصت ما بر این است که دانش‌آموز رشته‌ی نظری ما هم باید اهل کار باشد، باید در حد قابل قبولی از یک مهارت برخوردار باشد و بتواند کاری انجام دهد و کار آفرین باشد. بنابراین، یک حوزه‌ی یادگیری تحت عنوان حوزه‌ی یادگیری کار و فناوری هم پیش‌بینی کرده‌ایم.

فقدان پشتوانه‌ی مستند و متقن فلسفی، علمی و اجتماعی برای برنامه‌های درسی ما، ضرورت تولید برنامه‌ی درسی ملی را آشکار می‌کند.

ساختار جدید حوزه‌های یادگیری ما نشان می‌دهد که توجه به کاستی‌های فعلی، به‌طور جدی در برنامه‌ی درسی ملی لحاظ شده است. البته در مرحله‌ی عمل و اجرا، شدیداً به پشتیبان‌های بسیار قوی و اقدامات جدی که زمینه‌ی اجرای برنامه‌ی درسی ملی را فراهم کند، نیاز داریم. در حقیقت داریم خط ریلی را که در آموزش و پرورش وجود داشته است، تغییر می‌دهیم و تصورمان این است که واگن‌های قوی و خوبی داریم و لوکوموتیوهای بسیار خوبی، ولی ریل‌ها خوب نبودند. امیدواریم برنامه‌ی درسی ملی بتواند ریل‌های کارآمد و جدید و پاسخگو به نیازهای جامعه را برای محتوای آموزش و پرورش فراهم کند.

○ این سند چه فایده‌ای برای معلمان دارد و خبرهای خوش آن برای معلمان چیست؟

✓ به اعتقاد من، مهم‌ترین دغدغه‌ی هر معلم، مربی و هر فرد فرهنگی این است که بتواند رسالت تربیتی خود را به‌خوبی ایفا کند. برخلاف تصور جامعه که فکر می‌کنند، دغدغه‌ی معلمان در بعضی از سطوح و لایه‌ها، فقط دغدغه‌های شخصی است. واقعاً اینطور نیست. بنده خودم از این نظر گاهی احساس تأسف می‌کنم که چرا در جامعه‌ی ما به غلط تصور می‌کنند معلمان فقط به دنبال مسائل معیشتی، تغذیه‌ی و صافی خودشان هستند، در حالی که واقعاً این‌طور نیست. بنده، شما و هر همکار دیگری که به مدرسه‌ای مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که مهم‌ترین دغدغه‌ی معلم این است که چگونه دانش‌آموزش را به نقطه‌ی مطلوب برساند. هنگامی که معلمان ما چارچوبی بسیار روشن و شفاف و راهبردهایی بسیار قابل عمل و کارساز، برای این رسالت خودشان در اختیار داشته باشند احساس می‌کنند که به مهم‌ترین دستاوردها دست پیدا کرده‌اند؛ به‌خصوص با توجه به نقشی که برنامه‌ی درسی ملی در این سند به معلمان ارائه می‌دهد و جایگاهی که برایشان قائل است.

ما معتقدیم که معلم فقط انتقال‌دهنده‌ی یک سلسله مفاهیم به دانش‌آموز نیست. در بخش راهبردهای یاددهی و یادگیری در برنامه‌ی درسی ملی، تعریفی که از معلم ارائه شده این است که معلم راهبر آموزشی، برنامه‌ریز درسی و مهندس فرهنگی است. به نظر من، این جایگاه و منزلت در فرایند یاددهی و یادگیری در برنامه‌ی درسی ملی، مهم‌ترین دستاورد برای همکاران ارجمند ما در عرصه‌ی کلاس و مدرسه خواهد بود.

○ فکر می‌کنید این طرح ساختار تربیت معلم را هم به هم بریزد؟

✓ قطعاً این طرح بار زیادی بر دوش تربیت معلم و دفتر ارتقا قرار می‌دهد که خوش‌یختانه آن دوستان هم همراه‌اند و کاملاً آماده هستند که آن قسمت از بار را به دوش بگیرند.



طبق تعریف روان‌شناسان، دوره‌ی نوجوانی از دوازده تا نوزده سالگی است. در واقع، آغاز بیست سالگی، شروع جوانی است. این دوره را به سه زیر دوره تقسیم و برای هر دوره خصوصیات و تعریف کرده‌اند. در نظام آموزشی کشور ما، آغاز دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، با آغاز زیر دوره‌ی اول نوجوانی همزمان است.

شناخت خصوصیات این دوره به برپایی و اولین کمک می‌کند تا دانش‌آموز نوجوان چه کند. بعضی از اولیای تربیتی، دوره‌ی نوجوانی را سخت می‌دانند و نسبت به آن نگران و جهش‌ناامید هستند. آن‌ها معتقدند، نوجوانان کوچک‌دماغی، با باغ، لجاجت، نكندگی، مرموز، پنهان کار، خاله‌کار، ارزش‌گریزی، فاقد‌شناسی، انانالی و تخصصی‌مراجه‌اند. رویه‌شناسی با آن‌ها معمولی. بعد از سال‌ها داشتن کودکی تریب و تابع می‌تواند رویا و ارزش تعدادی از والدین و حتی معلمان را برهم بزند.

تغافل و لغت آن است که تربیت در این دوره تقویت بیشتری می‌جوید و از جهانی شکل‌نشد. در واقع صفات بسیار زیبایی در این دوره شکل می‌گیرد که اگر مورد سوءبفاهم قرار نگیرد و درست جهت داده شود، به فرد کمک خواهد کرد تا به جوانی بالغ و رشید تبدیل شود. برخورد های نابجا و پر از تعارض برسان و انحراف‌بران آن‌ها را در بافتن هویت سردرگم می‌کند. به‌طوریکه که جهش‌ناامید در قالب جوان، همچنان با مسائل نوجوانی دست‌به‌گریبان می‌تواند.

آشنایی از صفات منفی و منفی‌اندک در واقع روی دیگری از وجود صفات مثبت نوجوانی است. آن‌چه که در ابتدا اولیا به نكندگی و لجاجت پنهان‌گری و مخالفت‌جویی تعبیر می‌شود، روی دیگری از صفات استقلال‌جویی است که تحت ساختار سبب و مورد احترام قرار نگیرد. سخت‌فاهم‌شناسی، مرموزی، جناب و گشاجی، مثال از صفات پنهان‌ان‌خواهی است که تربیت‌دهنده بی‌سند است.

تغییرات نوجوانی

می‌گویند، بزرگ‌ترین اتفاقی که در این دوره در بدن جویباری است این که فرد رشد جسمی و چه می‌جوید. یعنی که اگر غفلت‌ناامید نمی‌کند، سحر می‌جوید. یعنی فرد نمی‌داند که چه می‌جوید و به کجا می‌جوید. با رشد مغزی بسیار بهم و پایداری است. حتی که به مغز حتی سلامت دوره‌های دیگر را تضمین می‌کند. اگر به جوان با مسئولی برمی‌خورید که هنوز بی‌سند لازم را از رفتارها و اعمالش نمی‌بیند. علامت سوالی کنار آن که سبب هنوز در دوره‌ی نوجوانی مانده و هنوز خود را خفته است!!!
تعمیم‌آلودگی نوجوانی را بوردی تعارضات جسمانی و سبب‌شناسی احساسات و گرایش‌های جسمی می‌شود که به‌طور معمول در سبب‌جویی پنهان آن صحیح خواهد بود. با تکیه بر این موضوع، گاهی موجب غفلت از خصوصیات مثبت این دوره می‌شود. جهت ترک و دست‌نجاتی هرچون استقلال‌خواهی، از من‌جوسی، بوج

نویسنده‌ی ایرانی درس و سبب‌شناسی، اعتقاد و بعضی‌کس به تحقیق‌اندک درستی، کج‌دستی و پرسشگری در مورد صفات و بافتن پاسخ‌ها، متکرر سبب‌شناسی من به دانش‌آموز، که می‌تواند مطلوبی در وجود فردانه راه‌نشانند و موجب ساخت سبب‌های مغزی و شخصیتی آن‌ها شود. چنین می‌توانی است که از سال همدی این خصوصیات، خصوصیات که او را در گذر از دوره‌ی کودکی به نوجوانی به‌همون می‌سازند فقط به خصوصیات جسمی توجه شود!

نابدها و بایدها

- هر معلمی و اولیای تربیتی، ساخت و هدایت آن صفات ریاست به راه‌کارهایی در این باره توجه کنید. امید که موجب بی‌گیری و مطالعات بیشتر شود.
- مدار به خود یادآور شوید که دیگر با کودک طرف نیستید، یعنی باید انتظار تعجب بر جوان و حرارت‌دانشه باشد. نکته با قدرتی رویه‌روند که می‌خواهد تحت جزئی‌ها را سبب و اندیشش را تعیین می‌کند. پس تصور نماند و به او فرصت بافتن پاسخ‌ها را بدهند.
- به سبب‌شناسی بزرگسالان تصمیم‌گیری است. فرد در کنار کس مسائل خود مدام بازمدت تصمیم‌گیری است. تصمیم‌گیری مهارت‌های است. کس که در آن فرد به در نظر گرفتن همه‌ی جوانب و سود و زیان‌ها، راه درست را برمی‌گزیند و از کوچک‌ترین فرصت‌ها برای این مهارت بهره‌مندی می‌جوید. منته دانش‌آموزانش

دوره‌ی گ

**بر خوردهای ناپخته و
پر از تعارض معلمان و
اطرافیان، نوجوانان را
در یافتن هویت
سردرگم می‌کند**

**نوجوانان نیازمند
آموختن رفتار قاطع هستند**

که فرد یاد می‌گیرد چگونه «نه» بگوید. گاهی انحرافات و گرفتاری‌های نوجوانان از همین جاست. یعنی در مقابل فشار گروه هم‌سال نمی‌توانند «نه» بگویند مانند هنگامی که پسری در گروه دوستان خود مورد تقاضای کشیدن سیگار قرار می‌گیرد یا دختری توسط دوستانش، دعوت به گشت خیابانی بدون اطلاع اولیا می‌شود. در بسیاری از این موارد، بچه‌ها به خوبی می‌دانند، کاری که به آن دعوت شده‌اند، خطاست و میل به انجام آن ندارند، اما به علت وابستگی به دوستان، نمی‌توانند به‌طور قاطع آن را رد کنند. رفتار قاطع رفتاری است که فرد محترمانه و بدون توسل به پرخاشگری یا انفعال، می‌تواند خواسته‌ی دیگری را رد کند و از رفتارهای پایه‌ای است که سلامت فرد را در بسیاری از موارد زندگی حفظ می‌کند. چه‌قدر خوب می‌شد که در میان این همه دغدغه‌ی آموزشی، می‌توانستید فرصت‌هایی را به آموزش و تمرین این رفتار در میان دانش‌آموزان بپردازید!

و کلام آخر، دوره‌ی نوجوانی دوره‌ی «شنیدن» است. هیچ صفت و رفتاری به‌طور کامل تثبیت نمی‌شود. مرحله‌ی تردید و نودلی‌ها، دوباره یافتن، تمرین و تجربه است. پس، به با خطایشان تومید، نه به چند رفتار درستشان دل خوش شوید. همه‌ی عوامل می‌تواند آن‌ها را متأثر کند. نحوه‌ی رفتار، ادب، کلام، نشست و برخاست و حتی ظاهر شما، می‌تواند در جهت‌دهی آن‌ها مؤثر باشد. بنابراین، او را در گذر از کودکی به بزرگسالی، یعنی گذر از یک وابسته‌ی درمانده به مسئولی مستقل، یار و همراه باشید.

می‌تواند در جرابی جدا هم شک کند. پس، از تردیدهایش بترسد، بلکه با ارائه‌ی خوراک‌های مناسب فکری، کمکش کند تا در مرور داشته‌های فکری‌اش، به هنجارها و ارزش‌ها برسد البته انتقال ارزش‌ها خود سختی جدا می‌طلبند و روش‌های ظریفی دارد.

● در دیگر تعاریف، بزرگسالی مسئولیت‌پذیری است؛ صفتی بزرگ که بنیادش در نوجوانی است. برای رسیدن به آن، می‌تواند آموزشی را به او واگذار کنید توجه داشته باشید که در خواسته‌ها در حد قدرت و توان او باشد. با کارهای آسان شروع کنید مطمئن شوید کار درخواستی را بلد است. در مورد کار واگذار شده، به او صحت‌کند معلوم کنید چه کارهایی باید انجام شوند. پیشنهادت او را نگیرید که چگونه این امور را انجام خواهند داد. اگر به کمک نیاز داشت، بدون انتقاد کردن، او را یاری دهید. به هنگام موفقیت، تشویق و تحسین را فراموش نکنید.

ایراز وجود

● تمایل به گروه هم‌سالان و تکیه‌ی بیش از حد بر دوستان، از دیگر صفات این دوره است. بزرگسالان به‌طور کلی کمتر مورد اعتمادند و شبیه شدن به گروه هم‌سال و میل به گذراندن وقت بیشتر با هم، از خصوصیات این دوره است که طبعاً خیلی مورد موافقت اولیا نیست. در واقع، فرصتی برای تجربه‌های اجتماعی است. از مهم‌ترین رفتارهایی که در این دوره نوجوانان نیازمند آموختن آن هستند، رفتار قاطع یا جرئت‌مند و به‌طور کلی، رفتاری است

تصمیم‌گیری را یاد بدهید. کمکشان کنید تا بدانند مسئول تصمیم خود نیز هستند و اگر این تصمیم عواقبی دارد، باید آن را بپذیرند.

اوقاتی پیش می‌آید که دانش‌آموزان برای تصمیم‌گیری در مورد موضوعی، به معلم خود مراجعه می‌کنند. سه عنوان معلم، این فرصت را غنیمت بشمارد و به او کمک کند تا خودش تصمیم بگیرد. به جای او تصمیم نگیرید. ولو این که راه‌حل شما از کیفیت بالاتری برخوردار باشد مهم این است که او یاد بگیرد چگونه و با چه مکانیزمی به بهترین و درست‌ترین تصمیم برسد.

● برای حفظ و تقویت صفت بیرومند نوع دوستی، برنامه‌ریزی کنید. این خصلت خوب را در فرد رسیده نگه دارید و تقویت کنید. حسن هم‌بازی و کمک و دستگیری از حال دیگران، توجه به نیاز دیگران، خود را قدری کنار رفتن و ملاحظه‌ی دیگران، از صفات بزرگ و شریف انسانی است که پایه‌اش در این دوران گذارده می‌شود. با برنامه‌های انکاری و با واگذاری یافتن راه آن توسط خود دانش‌آموز، این صفت زیبا را هدایت کنید.

● ارزش‌گریزی را به ارزش‌نابی مثل کنید. از اشتباهات رایج تربیتی آن است که انتظار می‌رود، فرزندان بدون چون و چرا ارزش‌های خانواده‌ی و اجتماعی را بپذیرند. دوره‌ی نوجوانی اوج علامت سوال در مقابل هنجارها و اصول ارزشی است. در واقع، فرصتی طلایی است که فرد با مرور و یافتن ادله، نظام ارزشی خود را می‌سازد، او در این دوره، حتی



پروین داعی پور

آموزش شناگری تربیتی

دکتر علی اکبر شعاری نژاد

کلندوازه‌ها: یادگیری، معلم، مدیر،

مدیر و معلمان ناگزیرند، محضاً مدرسه را برای آموزش مهارت‌ها و معارف زیر فراهم و مساعد گردانند:

۱. یادگیری چگونه یاد گرفتن:

چمچیز را؟

از کجا؟

و چگونه یاد بگیرند.

۲. یادگیری چگونه به کار بردن آموخته‌ها:

در کجا؟

چه وقت؟

و چگونه؟

۳. یادگیری چگونه زیستن: در مراحل و شرایط متغیر.

چگونه زیستن، مهارتی است آموزشی و مدرسه، تقریباً مناسب‌ترین مکان تجربه و تمرین مهارت‌های سالم و ساز زیستی است.

۴. یادگیری چگونه با هم زیستن: با موافقان و مخالفان

۵. یادگیری چگونه تحصیلات خود را ادامه دادن

۶. یادگیری چگونه شغل مناسب خود را انتخاب کردن

۷. یادگیری چگونه مستقل زیستن: استقلال فکری،

استقلال عاطفی، و استقلال عملی

۸. یادگیری چگونه خود را از عادت‌ها و اعتیادهای

زیانمند، مصون دانش

۹. یادگیری چگونه شهروندی سالم و موفق و سازنده شدن

دنیای امروز ما دنیای خالتش یا میدان خالتش‌های فکری، علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است و کسانی در این میدان برنده‌اند که دارای سه ویژگی زیر باشند:

۱. معزهای پر (مجهز به علوم و معارف و مهارت مورد نیاز امروز)

۲. دست‌های توانمند یا کاربرد درست و به‌موقع آموخته‌ها

۳. دل‌های نرم یا عواطف انسانی سالم

شاید اشاره به چند نکته‌ی زیر سودمند باشد:

- تا افکار عوض نشوند، اعمال عوض نخواهد شد.

- آن چه در مدرسه یا کلاس یا حتی در جامعه عمده‌ا باید

عوض شود، سر (مغز) است.

- مدارس هر کشور، نمودار آینده‌ی آن کشور در مقیاس کوچک‌برند

- کودکان و بوجوانان آن چه را می‌آموزند که در آن و با آن زندگی می‌کنند.

- دانش‌آموزان امروز، صرفاً مأموران به تحصیل رسمی نیستند

- معلمان امروز صرفاً مأموران آموزشی نیستند.

- مدیر یا رئیس امروز، صرفاً مأمور رقی و همی امور اداری نیست.

بلکه:

دانش‌آموزان ناگزیرند، معلومات و مهارت‌های چگونه

زیستن: زیستن سالم و شاد در جامعه و جهان امروز را به

کمک مدیر و معلمان در مدرسه، تجربه و تمرین کنند.

شرایط موفقیت معلمان دوردی راهنمایی

۱. برخورداری از سلامت شخصیت: راحت خندیدن،

راحت نگاه کردن به مخاطبان، عشق، حرارت، ایمان، امید،

اعتماد، اعتدال، خودشناسی واقعی، و خودآشنایی مثبت.



رشد آموزش
راهنمایی
تحصیلی



۲. برخورداری از مغز پر و دست توانمند و دل ترم، فرزند زمان بودن، تفکر انتقادی دانش، به علوم و معارف مورد نیاز مجهز بودن، اطلاعات و مهارت‌های لازم را داشتن، و آشنا بودن با فناوری آموزشی روز.

۳. برخورداری از حساسیت نسبت به مسائل روز جامعه و جهان

۴. برخورداری از اشتیاق به فعالیت‌های اجتماعی و خلاقیت یا تفکر خلاق

۵. شناخت ویژگی‌های ناموخته و آموخته دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی؛

– چگونه هستند؟

– می‌خواهند چگونه باشند؟

– چگونه می‌توانند باشند؟

– والدینشان چه انتظارهایی از ایشان دارند؟

– مدرسه (مدیر و معلمان) چه انتظارهایی از ایشان دارد؟

– جامعه و جهان چه انتظارهایی از ایشان دارند؟

۶. باور کردن این که «محور» همه‌ی برنامه‌ها و

فعالیت‌های آموزشی، «برخورداری کودکان و نوجوانان از

زندگی سالم و شاد» است. البته زندگی سالم و شاد والدین

و معلمان، اولویت دارد. زندگی سالم، یعنی برخورداری از

احترام و محبت متقابل، مقبولیت بین اطرافیان، و موفقیت.

۷. معلم امروز «شناگری» است که زندگی همه‌ی

شهروندان و یا جهانیان برایش مطرح است؛ و دغدغه‌ی

خاطر همگان را دارد. مدرسه‌ی بویا و امروزین، مرکز

یادگیری «شناگری» است نه شناوری.

۸. همه‌ی درس‌ها با مسئله آغاز می‌شوند و با مسئله

پایان می‌پذیرند.

۹. معلم در همه‌ی دوره‌ها، خصوصاً دوره‌ی راهنمایی، خلال مسئله نیست، بلکه طراح مسئله است؛ چون می‌داند و باور دارد که تنها «مسئله» است که ادمی را به اندیشیدن وامی‌دارد.

بدیهی است که مدیر و معلمان مدرسه‌ی راهنمایی بویا و سایسته:

• با چند و چون رشته‌های تحصیلی پس از دوره‌ی راهنمایی آشنا هستند و می‌دانند که برای ادامه‌ی تحصیل در هر رشته، داشتن چه شرایطی لازم است.

• با حشاشغل گوناگون در جامعه‌ی خود آشنا هستند و می‌دانند برای اشتغال در هر یک از آن‌ها، داشتن چه شرایط و صلاحیت‌هایی ضروری است.

• از آینده‌نگری قوی برخوردارند.

• هرگز از تقویت علمی و حرفه‌ای خویش غفلت نمی‌کنند.

• همگی بر این باورند که مدرسه، در واقع میدان چالش‌های فکری و علمی و هم‌چون کارگاهی آموزشی است.

و این نیز مسلم است که سلامت عمل، مستلزم سلامت وجود و نظر است.

بنابراین، مدیران و معلمان باید مانند سایر شهروندان، مورد عنایت باشند، از امنیت‌خاطر لازم برخوردار باشند، پیوسته تقویت علمی و حرفه‌ای شوند، فعالیت‌های آموزشی ایشان مرتباً مورد ارزش‌یابی علمی قرار گیرد، و مدرسه برای ایشان نیز مانند دانش‌آموزان، محیطی گرم و سرورانگیز باشد.



خلاقیت موهبتی الهی و همگانی است، اما پرورش، تحقق و ظهور آن، مستلزم بستری مناسب است. گسترش این توانایی که به منزله‌ی بقا برای جامعه است، از طریق برنامه‌ریزی مناسب و صحیح آموزشی امکان‌پذیر است و موفقیت در این زمینه، مستلزم آن است که موفقیت‌گویی خویش را کاملاً بنسازیم و سپس با توجه به شرایط، برای ارتقای نظام آموزشی برنامه‌ریزی مناسبی کنیم. بسیاری از محققان، شیوه‌های سنتی حاکم بر آموزش و پرورش را از مهم‌ترین موانع رشد خلاقیت در هر جامعه‌ای ذکر می‌کنند. آن‌ها معتقدند، برای داشتن هر نظام آموزشی غنی و سازنده، لازم است نظام سنتی متحول و به سمت برنامه‌ی آموزش خلاق هدایت شود. عزیزان شناخت معلمان از خلاقیت، نوع نگرش و نحوه‌ی تدریس آن‌ها، بر غنی‌سازی محیط کلاسی برای رشد خلاقیت دانش‌آموزان تأثیر مستقیمی دارد. معلمان خلاق، بهترین الگوی مناسب برای خلاقیت دانش‌آموزان هستند. معلمانی که در عین حال که خود خلاق اند، شرایط مناسب را برای خلاقیت دانش‌آموزان فراهم می‌آورند. لذا لازم است، معلمان را باری داد تا نگرش و مهارت‌های لازم برای رشد و توسعه‌ی توانایی خلاق در خود و دانش‌آموزان را کسب کنند. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان با آموزش مناسب، نگرش مثبت و شناخت لازم را در معلمان فراهم کرد؟



خروج از

هدف اصلی این تحقیق، بررسی و ارزیابی برنامه‌ی آموزش خلاقیت معلمان است تا مشخص شود، تأثیر این برنامه در افزایش آگاهی و مهارت‌های تدریس و ایجاد نگرش مثبت چه میزان است. لذا سه هدف اساسی پژوهش عبارت‌اند از: تعیین تأثیر برنامه‌ی آموزش خلاقیت در افزایش دانش و آگاهی معلمان از خلاقیت، تعیین تأثیر برنامه‌ی آموزش خلاقیت در ایجاد نگرش مثبت به خلاقیت، تعیین تأثیر برنامه‌ی آموزش خلاقیت در ایجاد مهارت‌های تدریس خلاق.

برنامه‌ی آموزش خلاقیت، برنامه‌ای است که به معرفی مفهوم خلاقیت، اجزا و عناصر آن، روش‌های آموزش خلاقیت و شیوه‌های تدریس خلاق می‌پردازد.

بسیار دیده شده است، افرادی در یک رشته و موضوع خاص، اطلاعات و مهارت بسیار خوبی داشته‌اند، اما هرگز کار خلاقانه نداشته‌اند علت این امر در بسیاری از موارد، نبود عنصر دیگر، یعنی مهارت‌های مربوط به خلاقیت است. مهارت‌های مربوط به خلاقیت، با این زمینه‌های فکری و عملی توأم‌اند: شکستن عادت و کنار گذاشتن شیوه‌های قبلی فکری و عملی و استفاده از روش‌های جدید؛ تعویض قضاوت یا تأخیر در ارزیابی در مورد ایده‌ها، تا ایده‌هایی که در نگاه اول مفید نیستند، ضایع نشوند؛ دیدن چیزها به‌طور متفاوت و مشاهده‌ی امور آن گونه که تاکنون به آن توجه

نشده باشد؛ تفکر وسیع یا ارتباط برقرار کردن میان ایده‌های جدید؛ درگیری با مسائل پیچیده و مبهم و تلاش برای یافتن راه‌حل‌های تازه برای آن‌ها. از مهم‌ترین موانع که معلمان را از توجه به خلاقیت بازداشته است، عبارت‌اند از: نداشتن شناخت از فرایند خلاقیت، انگیزه نداشتن در کار، نداشتن اعتماد به نفس، نشناختن و به‌کار نبردن روش‌های تدریس فعال و خلاق، تسلط نداشتن بر کار و موضوع درسی و محدودیت‌ها.

در رابطه با تدریس خلاق، تحقیقات و بررسی‌های زیادی شده است. از میان این مطالب، الگوی ویلیامز از جامعیت خاصی برخوردار است. الگوی ویلیامز شامل سه بعد است: موضوعات درسی، روش‌های تدریس، و مهارت‌های تفکر واگرا و مولد که هر بعد، زیرمجموعه و تقسیمات خاص خود را دارد. روش‌های تدریس شامل ۲۳ راهبرد است که معلمان می‌توانند در موضوع‌های گوناگون درسی، برای ایجاد توانایی فرایندهای فکری خلاق در دانش‌آموزان، از آن‌ها بهره‌برند. برای مثال، یکی از روش‌ها این است که از سؤال‌های محرک استفاده کنید. به تفاوت سؤال‌های پرسشی مانند چه، چه‌قدر، چه کسی، یا سؤالاتی که به درک عمیق نیاز دارند، مانند چگونه، آیا شما؟ در چه راه‌های دیگر، چه‌طور، اگر، چگونه دیگری، توجه کنید و از سؤالاتی که به ترجمه، تفسیر، تعریف،

اکتشاف، تجربه و تحلیل نیاز دارد، استفاده کنید. معلمانی که در دوره‌ی روش‌های خلاق تدریس شرکت کردند، اعتقاد داشتند که این دوره نه تنها بر دانش، نگرش و مهارت آن‌ها تأثیر گذاشته، بلکه دید آن‌ها را به زندگی عوض کرده و باعث تحولاتی اساسی در زندگی و کار آن‌ها شده است. تأثیرات عمیق این دوره بر معلمان، روی دانش‌آموزان آن‌ها نیز کاملاً مشهود بود. دانش‌آموزان با انگیزه‌ی بسیار بالایی در کلاس و فعالیت‌های کلاسی شرکت کرده‌اند، چنان‌که حتی ساعات تفریح نیز ترجیح می‌دادند در کلاس باشند و به فعالیت خود ادامه دهند.

در جمع‌بندی تأثیر دوره از دیدگاه معلمان، می‌توان به این موارد اشاره کرد: خروج از قالب‌ها و کلیشه‌ها؛ خروج از معلم‌محوری؛ شادی بخش شدن امر تدریس؛ تغییر نگرش نسبت به تدریس و کلاس‌داری؛ استفاده از روش‌های ارزش‌یابی کیفی؛ افزایش قدرت تفکر و نوآوری؛ بهره‌گیری از روش‌های اکتشافی و متنوع؛ ایجاد امنیت روانی در کلاس؛ احساس احترام و برقراری روابط عاطفی عمیق با شاگردان؛ حذف رقابت و مقایسه نکردن شاگردان با هم؛ لذت و شادی دانش‌آموزان از ساعات درس؛ ارائه‌ی پاسخ‌های متعدد از طرف دانش‌آموزان؛ افزایش اعتماد به نفس در دانش‌آموزان؛ ایجاد همکاری دوستانه بین دانش‌آموزان؛ یادگیری عمیق‌تر و بیشتر دروس؛ پرورش قدرت تجسم، تخیل و خلق کردن.

قالب‌ها و کلیشه‌ها

سیمین جهانی



منبع

۱. این چکیده پژوهش از منبع زیر اقتباس شده است: حبیبی، افضل‌السادات. تأثیر آموزشی خلاقیت در دانش، نگرش و مهارت‌های تدریس معلمان. ناظر: دکتر پروین کدیور. مؤسسه‌ی پژوهشی وزارت آموزش و پرورش.

برهان محبت و فرمان برداری از خدا

مسئله‌ی توحید در فرمان‌روایی و فرمان‌برداری، بحث مطلق دارد که از حوصله‌ی این نوشتار خارج است. آن‌جا بیان می‌پردازیم، نقش محبت در فرمان‌برداری از خدا و - تعالی - است. این‌که چرا باید از فالان منبع فرمان‌برداری، به برهان نیاز دارد. هیچ‌کس بی‌دلیل از کسی فرمان‌برداری نخواهد کرد. لذا اطاعت و فرمان‌برداری - همانند معرفت و شناخت - نیازمند بیان و تشریح است. محکم است عشق و پاداشی فرمان‌برداری سنده به کسی برهان و مستی آن است. هرچه این بینا مستحکم‌تر و قوی‌تر است، طاعت بر حدی بر و تاثیرگذارتر خواهد بود. در این‌جا، ما چند سنا وجود دارد که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم:

۱ برهان امنیت

برهان امنیت یعنی این‌که انسان به خاطر گرسنگی است وجود اقدام کند. بر اساس این برهان، انسان به این دلیل فرمان‌برداری می‌کند که زبانی را از خود دور سازد (دفع ضرر)، و الا هیچ‌دلیلی ندارد که انسان از کسی دیگری فرمان‌برداری در این‌جا، بپذیرد. بی‌شک سبب منبع قدرت وجود دارد که فراری از آن نیست و موجب برانگیخته شدن خوف و ترس می‌شود. لذا انسان برای تامین امنیت

وجود و دفع ضرر، آن به اطاعت می‌دهد. در این‌جا، تا هنگامی فرمان‌برداری ادامه دارد که بپذیرد و ترس وجود داشته باشد.

۲ برهان منفعت

برهان منفعت یعنی این‌که انسان به خاطر جلب منفعت برای خود، اقدام کند. بر اساس این برهان، انسان به این دلیل فرمان‌برداری می‌کند که سود و منفعتی را برای خود بداند. آوردن غیر این‌گونه، دلیلی برای فرمان‌برداری وجود ندارد. در این‌جا، منافع‌هایی از سوی تک منبع ترویج و تکلیف وجود دارد که وسوسه‌برانگیز است و موجب برانگیخته شدن حرص و شمع می‌شود. از این‌رو، انسان برای جلب این منافع، به اطاعت آن می‌دهد. تفریحی است در این‌جا، تا هنگامی اطاعت وجود خواهد داشت که ترویج نیز وجود داشته باشد.

۳ برهان محبت

در برهان محبت، انسان به خاطر علاقه‌ای که به کسی دارد، نسبت به اقدام می‌زند. بر اساس این برهان، انسان به این دلیل اطاعت می‌کند که به منبع فرمان‌مندی عشق می‌ورزد. در غیر این‌گونه، دلیلی برای فرمان‌برداری وجود نخواهد داشت. در این‌جا، فرمان‌روا تا سستی محبت و دوستی است. از این‌رو، انسان به دلیل علاقه‌ای

برهان محبت

حجت‌الاسلام عباس پسندیده

محقق و کارشناس پژوهش‌های علوم حدیث

کلیدواژه‌ها: محبت، توحید، خدا، برهان

در سوره‌ی قیامت، کلمه‌ی «الله» کلیدی است. بر این‌جمله، محور اساسی روایت خداوند است. به حقیقت او برای رویت، بر برهان‌های متعددی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها برهان محبت است. در این‌جا، برهان محبت می‌تواند دور به خدا، به‌عنوان کائنات‌ساز، از کائنات‌گشا و رحمت‌گشا، در برای نفس‌آوردن، کلماتی که در این‌جا، محبوب است و محبوبیت گمشده است. آن‌ها در جوارش بی‌شک است. توحید یعنی به‌عنوان به‌عنوان معرفت و شناخت، توحید یعنی دیگر از آن‌ها، «توحید از فرمان‌روایی» است. به‌عنوان توحید و توحید، توحید و تا این‌جا، توحید به‌عنوان توحید.



رشد آموزش
راهنمای
مصلحتی

که به وی دارد، از او فرمان می‌برد، فرمان‌برداری در این معنا، خالصانه و صادقانه است و از ویژگی پایداری سیر برخوردار.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ: قَوْمٌ عِبَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ حَقًّا فَلِكِ عِبَادَةِ الْعَبِيدِ، وَ قَوْمٌ عِبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فَتَبِكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ، وَ قَوْمٌ عِبَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ حَيْثُ لَهُ فِتْلِكِ عِبَادَةُ الْأَخْرَاءِ، وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ [محمدری شهری، ۱۳۸۲: ۲۹۲].

بنندگان سه‌گونه‌اند: مردمی که از سر ترس خدایا می‌پرستند که این پرستش بنندگان است. مردمی خداوند عزوجل را برای به دست آوردن پاداش می‌پرستند که این پرستش مردبگیران است. مردمی که خداوند عزوجل را برای آن که دوستش دارند، می‌پرستند، پس این پرستش آزادگان است و برترین نوع پرستش.

مبنی‌ی این‌گونه پرستش، انبیای الهی هستند. رسول خدا (ص) درباره‌ی حضرت شعیب می‌فرماید:

شعیب (ع) از دوستی خدای عزوجل چندان گریست که نابینا شد پس خداوند بیبایی اش را به او بازگرداند. باز چندان گریست تا آن‌که نابینا شد. پس خداوند بسبب بیبایی اش را به او بازگرداند. باز چندان گریست که نابینا شد. پس خداوند بسبب بیبایی اش را به او بازگرداند. در مرتبه‌ی چهارم، خداوند به او وحی کرد: «ای شعیب! این کار را تا کی می‌خواهی هم‌چنان تکرار کنی؟ اگر این کار از ترس تو زح است، آن را از نو باز دانستم و اگر از اشتیاق به بهشت است، آن را بر تو روا ساختم.»

شعیب گفت: «هزارها و سرور! تو خود می‌دانی که از ترس تو زحمت و یا از سر اشتیاق به بهشت گریه نمی‌کنم، لیکن دوستی تو با فلیم میبوند خورده است از این رو، تاب صبوری ندارم تا تو را ببینم.»

پس خداوند عزوجل به او وحی کرد: «هان! حال که کارت به این سبب است، به زودی موسی بن عمران، هم‌سخن خود را به خدمت تو درخواهم آورد.» [یشین، ۲۹۲].

امام صادق (ع) نیز با بیان تقسیم‌های سه‌گانه، محبت را مسای خود در عبادت معرفی می‌کند و می‌فرماید:

مردم، خداوند عزوجل را سه‌گونه می‌پرستند: طمّقه‌ای خدا را به امید پاداشش می‌پرستند که این، پرستش ارضان است و [انگیزه‌ی] آن، آزمندی است. دیگرانی، خدا را از ترس تو زح می‌پرستند که این، پرستش بندگان است و [انگیزه‌ی] آن، ترس است. لیکن من، خدای عزوجل را از سر دوستی اش می‌پرستم که این، پرستش بزرگواران است [یشین].

در «محجة البیضا» آمده است که روزی حضرت عیسی (ع) بر سه تن گذشت که رنگ چهره‌هایشان دگرگون شده و تن‌هایشان نزار شده بود. پس به ایشان گفت: «چه چیز شما را به این حالی که می‌بینم، دچار کرده است؟» گفتند: «ترس از تو زح.» فرمود: «بر خداوند حق است که شخص ترسان را ایمنی بخشد.»

سپس از آنان گذشت و به سه تن دیگر رسید که از آنان لاغرتر و رنگ‌پریده‌تر بودند. پرسید: «چه چیز شما را به این حالی که می‌بینم، دچار کرده است؟» گفتند: «اشتیاق به بهشت.» فرمود: «بر خداوند حق است که آن چه را امید دارید، به شما می‌بخشد.»

سپس از آنان گذشت و به سه تن دیگر رسید که از آنان لاغرتر و رنگ‌پریده‌تر بودند و گویی بر چهره‌هایشان آینه‌هایی از نور بود. پرسید: «چه چیز شما را به این حالی که می‌بینم، دچار کرده است؟» گفتند: «دوستی خدای عزوجل.» فرمود: «شما می‌دانید مقربان، شما می‌دانید مقربان!» [یشین].

در روایت زیبایی از امام زین العابدین (ع)، علاوه بر این سه برهان، به میزان پایداری آن‌ها نیز اشاره شده است. حضرت می‌فرماید:

«من خوش ندارم که خدا را عبادت کنم و از آن هدفی جز رسیدن به پاداش به او نداشته باشم؛ زیرا در این صورت مانند برده‌ی طمعکارم که اگر به چیزی چشم داشته باشد، کار می‌کند و گرنه کار نمی‌کند. هم‌چنین، خوش ندارم خدا را فقط به سبب ترس از کیفر او عبادت کنم؛ چه در این حال، هم‌چون بنده‌ی ناپکاری خواهم بود که اگر نترسد، کار نمی‌کند. پرسیدند: پس برای چه خدا را عبادت می‌کنی؟»

حضرت در پاسخ فرمود: زیرا او به سبب الطاف و نعمت‌هایش به من، سزاوار عبادت است. [مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰: ۲۱۰].

طبقه‌بندی سه‌گانه‌ی انسان

از مسائل مهم در علوم، به‌ویژه علوم تربیتی، طبقه‌بندی انسان‌هاست. جالب این‌که براساس این سه برهان، انسان‌ها نیز به سه گروه تقسیم می‌شوند. در روایات، از اهل برهان اصنیت به‌عنوان «برندگان ناپکار» و از اهل برهان منفعت به‌عنوان «تاجران طمعکار» یاد شده، اما از اهل برهان محبت به‌عنوان «آزادگان بزرگوار» یاد شده است. بدیهی است، بهترین افراد کسانی هستند که در گروه سوم قرار می‌گیرند. از این‌رو باید تربیت دینی را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد تا انسان‌هایی آزاده تربیت شوند و این در گرو برهان محبت است.

از آن‌چه گذشت روشن شد، بهترین برهان برای توحید در اطاعت، برهان محبت است؛ زیرا هم پایداری بیشتری دارد و هم از ارزش بیشتری نسبت به دو برهان دیگر برخوردار است. لذا باید برای این بعد از توحید نیز محبت را راهبرد قرار داد.

منابع

۱. محمدی‌ری شهری، محمد با همکاری: محمد تقی‌بری دوستی در قرآن و حدیث ترجمه‌ی سید حسن اسلامی قم دارالحدیث، ۱۳۸۲. چاپ دوم
۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، بیروت: الوفا، ۱۴۰۲. ق. چاپ دوم



یکی از مهم‌ترین دستگاه‌های بدن، دستگاه اسکلتی و عضلات است. این دستگاه از تو بخش اسکلت (سجوان‌ها) و عضلات (ماهیچه‌ها) تشکیل شده است. برای آن که بدنی به اهمیت این دستگاه کمتر از دستگاه گردش خون، سیستم ایمنی یا دستگاه گوارش، بخش اسکلت عهده‌دار عوارضی نیست:

۱. حفاظت از مغز، نخاع، قلب و شش‌ها
 ۲. تأمین نقاط اتصال ماهیچه‌ها و در نتیجه حرکات بدن
 ۳. تأمین کلسیم، یکی از عناصر حیاتی بدن
 ۴. ایجاد زیبایی
- بخش عضلات عهده‌دار امور زیر است:
۱. تأمین انرژی و قدرت لازم برای حرکات بدن
 ۲. حفاظت از کتله‌ها و دستگاه گوارش
 ۳. ایجاد زیبایی

معلم و حرکت

احمد مختاریان
پژشک عمومی و دبیر منطقه‌ی ۲ تهران

بیش از برداشتن به حرکات مربوط به سلامت این دستگاه، اصول کلی دگر بر بهداشت اسجوان‌ها و عضلات، می‌وریم. این اصول عبارت‌اند از:

۱. انجام ورزش‌های تقویت‌کننده‌ی عضلات
 ۲. انجام ورزش‌های تسهیل‌کننده‌ی حرکات متعادل
 ۳. تغذیه‌ی مناسب و کافی به‌ویژه تأمین کلسیم و آهن
 ۴. مهم‌ترین اصولی که باید همیشه مورد توجه قرار گیرد، عبارت‌اند از: استفاده‌ی صحیح از متعادل و جلوگیری از سست‌دین آن‌ها
 ۵. کنترل میزان بار و فشاری که به اسجوان‌ها و متعادل و ماهیچه وارد می‌شود
- برای سهولت فهم مطلب، از بهداشت عضلات آغار می‌کنیم:

بهداشت ماهیچه‌ها

ماهیچه‌ها و عضلات ما زمانی خواهند توانست وظایف خود را به خوبی و برای مدت یک عمر انجام دهند که به موارد زیر توجه کافی داشته باشیم:

۱. ورزش‌ها و ورزش‌های تقویت‌کننده‌ی عضلات را انجام دهیم.
۲. انجام این ورزش‌ها، به نکات زیر دقت کنیم
۳. حرکات تندی می‌باید از کم به زیاد انجام شوند. شروع حرکات تندی با تعداد زیاد، باعث بی‌اثر شدن آن‌ها و سست‌دین عضلات می‌شود.

- حرکات نرمشی باید از قدرت کم به قدرت زیاد صورت گیرند. شروع این حرکات با قدرت زیاد باعث صدمه دیدن ماهیچه‌ها می‌شود.

- حرکات نرمشی باید به‌طور مستمر انجام شوند. عدم استمرار (قطع کردن حرکات) موجب بی‌اثر شدن آن‌ها خواهد شد.

- همیشه مراقب باشید تا تعداد حرکات و قدرت حرکات به مقدار زیاد افزایش نیابد بلکه در نهایت به تعدادی خاص ثابت شود و قدرت حرکات از یک حد معین فراتر نرود. زیرا انجام نرمش و ورزش موجب حجم شدن ماهیچه‌ها می‌شود. اگر این حجم شدن بیش از نیاز متعارف بدن باشد، در بررگ‌حالی باعث شل شدن عضلات و ناموزون و زشت شدن بدن و عدم کارایی عضلات می‌شود. مهم‌ترین توصیه در این بخش، پرهیز جدی از پرداختن به نرمش‌های مربوط به «زیبایی اندام» و «پاور لیفتینگ» است. هیچ معلم عاقل و فرهیخته‌ای چنین رفتار غیر عاقلانه و غیر علمی را در پیش نمی‌گیرد. ملت‌های متمدن و پیشرفته - چه در قدیم و چه در دنیای امروز - چنین رفتاری را نشان ندادند. ورزش‌های پهلوانی در ایران، رزمی در خاور دور، فوتبال و شنا و ژیمناستیک و... در دنیای امروز، هیچ‌یک به تربیت بدن‌هایی درشت نپرداخته‌اند، بلکه همواره تربیت عضلاتی قوی - چالاک، ظریف و ماندگار مورد توجه بوده است.

- این حرکات باید شامل تمام عضلات بدن، حتی عضلات صورت و چشم نیز باشد.

- این حرکات باید به‌طور صحیحی انجام شوند.

۲. مراقب باشیم تا فشار زیاد، کشیدگی بیش از حد و ضربه‌های محکم به ماهیچه وارد نشود. زیرا ممکن است باعث پارگی و یا له شدگی عضلات شود. ماهیچه بافتی است که برای ترمیم شدن به زمان طولانی نیاز دارد.

۳. ماساژ دادن عضلات، چه به کمک ابزار و چه به‌وسیله دست، بسیار مفید خواهد بود.

۴. چنان‌چه به استحمام با آب سرد عادت دارید، پس از خشک شدن بدن، حتماً عضلات را ماساژ دهید تا جریان خون در آن‌ها تسهیل شود. چنان‌چه به استحمام با آب گرم با عادت دارید - هر چند این عادت را باید کنار بگذارید - پس از استحمام، در معرض هوای سرد قرار نگیرید.

دو مشکل رایج

یکی از مشکلات رایج در ماهیچه‌ها، گرفتگی آن‌ها (اسپاسم) است. مشکلی که هر یک از ما آن را بارها تجربه کرده‌ایم. علل گرفتگی عضلات عبارت‌اند از:

- استفاده بیش از اندازه از عضله و انقباضات طولانی مدت عضله

- استفاده‌ی ناگهانی و بدون مقدمه از ماهیچه (به‌ویژه گرفتگی عضلات کمر)

- سرما

- برهم خوردن تعادل کلسیم - منیزیم

- نرسیدن اکسیژن کافی به عضله

طبیعی است که برطرف کردن علل گفته شده، باعث برطرف شدن گرفتگی می‌شود.

تذکره ۱. برطرف شدن گرفتگی عضلات کمر به صبر و تحمل نیاز دارد. زیرا ممکن است چند روز به طول انجامد.

تذکره ۲. اگر عضله‌ی پشت ساق پایتان هنگام بازی، کوه‌پیمایی و یا شنا دچار گرفتگی شد، تنها راه مؤثر این است که مچ پا را در خلاف جهت گرفتگی حرکت دهید و عضله را گرم کنید. (کندن موی پا هیچ تأثیری در بهبودی آن ندارد)

یکی دیگر از مشکلات رایج، خستگی و کوفتگی عضلات است. علل این مشکل عبارت‌اند از:

۱. برخی بیماری‌های عفونی مانند آنفلوآنزا و سرماخوردگی و...

۲. ضعف بودن عضلات به دلیل نداشتن حرکات نرمشی

۳. کمبود آهن و کلسیم

۴. کار زیاد عضله

رفع علت‌های بالا، باعث از بین رفتن مشکل می‌شود.

امید است با رعایت موارد گفته شده، همیشه عضلاتی نیرومند، زیبا و چالاک داشته باشید.

یکی از مهم‌ترین نکاتی که درباره‌ی ماهیچه‌ها باید به آن توجه داشت، این است که پس از کارهای مداوم و یا سنگین، عضلات را باید به آرامی خنک کرد. هنگام کار مداوم و یا سنگین، به دلایل مصرف قند (گلیکوژن)، عضلات گرم می‌شوند. این گرم شدن، به دلایل سوختن قند و تولید انرژی برای حرکات عضلات است که بخشی از آن به گرما تبدیل می‌شود. در نتیجه، دمای داخلی ماهیچه افزایش می‌یابد. معمولاً گرم شدن به حدی نیست که به خنک شدن به‌وسیله‌ی آب یا اشیای دیگر احتیاج باشد. اما در مواردی مانند ورزش سنگین (فوتبال، بسکتبال، دویدن و...) حرارت عضله افزایش زیادی می‌یابد. در این صورت، فرد طی فرایندی طبیعی و خودکار، به سمت عاملی حرکت می‌کند که بتواند دمای عضله را کاهش دهد. این عامل می‌تواند آب سرد، باد کولر، باد پنکه، دراز کشیدن روی زمین خنک و... باشد. برای پرهیز از عواقب خنک کردن سریع عضلات، باید آن‌ها را به آرامی خنک کرد. پس خود را در معرض آب سرد، باد خنک و یا سرمای زمین قرار ندهید. زیرا سرد کردن سریع عضله باعث ایجاد اختلال در سیستم گردش خون عضله می‌شود و همچنین، ساختار طبیعی داخلی عضله را تهدید می‌کند. معمولاً با خنک کردن سریع عضله، مشکلاتی مانند احساس کوفتگی که مردم به آن سرما خوردن عضلات می‌گویند و یا اسپاسم عضلانی ایجاد می‌شود. لذا پس از پایان ورزش‌های سنگین و یا مداوم، لباس ورزشی خود را کم نکنید، بلکه اقدامات زیر را انجام دهید:

۱. به مدت دو تا سه دقیقه به آرامی راه بروید.

۲. از لباس نسبتاً گرم (مانند لباس ورزشی یا حوله یا...) استفاده کنید. همان کاری که کشتی‌گیرها و وزنه‌بردارها پس از پایان مسابقه انجام می‌دهند.

اگر کار مداوم یا ماهیچه انجام می‌دهید، قبل از شروع به کار، از لباس مناسبی استفاده کنید که بتواند عضلات مربوط را گرم نگه دارد (یکی از مهم‌ترین علل استفاده از لباس کار ضخیم و سرتاسری، همین است). همچنین حداقل تا ۱۰ دقیقه پس از پایان کار، آن لباس را به تن داشته باشید.

فطرت و محیط

که با همه‌ی وجود و ارگانیسم وی مطابق دارد، اکتفا می‌کند. تفاوت موجود این است که چون این تمایل از همان وجود و ارگانیسم برخاسته است، به فرد اطمینان می‌دهد که راه کمال وی همان است.

اما فطرت برای آن که احبار ایجاد نکند و برای انتخاب راه پیشهادی خود، فشار مستقیم و غیرمستقیم نیابد و این ترس بزرگی است که نیروهای محیطی باید بگیرند که چگونه عمل کند تا ضمن انجام مأموریت خود، آزادی انتخاب را سلب نکند یا آزادی صاحب خود و یا حتی تا آن چه غیر آزادی توسط صاحب خود پذیرفته می‌شود، خود را از میدان کنار می‌کند تا صاحبش بتواند واقعاً اراده انتخاب کند تنها در این صورت است که می‌توان مسئولیت انتخاب وی را به خودش سپرد.

نقشی که محیط می‌تواند در سازنده بودن فطرت اعا کند، این است که همانند ادیان که نقش خود را با انگشت دانه فرد و نادآوری به وی در مورد فطرت می‌دانستند، بگویند آن چه را مانع رجوع فرد به فطرت خود است، به طرف سازد.

نوعه به این نکته مهم است که محیط مانند خود را جای فطرت نگذارد و تمایلات فردی خود او را درین «مطمئن» سازد.

در این نوشتار، به بحث نقش محیط در نیروی سوم، یعنی فطرت، پرداخته می‌شود. فطرت تمایلی درونی به سمت کمال فرد است. این کمال برای هر فرد سبکی متفاوت دارد. اما آن قدر قوی و نیرو دهنده نیست که شخص را الزاماً به جهت کمال وی برساند. اساساً اگر نیروی فطرت تا این اندازه قوی بود تا وجود قدرت انتخاب، ناقض بنا می‌کرد. فطرت نیروی ضمنی است که اگر از آن مراقبت نشود، به راحتی تحت تأثیر محیط قرار می‌گیرد، به راحتی نادیده گرفته می‌شود، اشتباه گرفته می‌شود و یا تغییر جهت می‌دهد.

این حاصلات‌ها برای فطرت طبیعی هستند و اگر چه ممکن است به نظر برسد تأثیر آن را کم می‌کند و کارایی آن را برای هدایت فرد به سمت کمال ندارد، ولی در واقع، اگر فطرت چنین نبود، فرایند کمال آن گونه که باید باشد، حتی به دلیل انتخاب خود شخص ارزشمند نباشد، بود.

فطرت همانند یک ناصح و خیرخواه بیرونی است که بدون آن که مخاطب خود را وادار کند که به خیر خواهی او گوش دهد و با گرو گرفتن برخی از نیازهای مخاطب، به طور غیرمستقیم او را به اطاعت از خود مجبور کند، تنها به نشان دادن مسیری

اشاره

در نوشتار پیشین، بحث استیثناسی عملکرد مدرسه در نیروی آزادی انتخاب، به عنوان یکی از سه نیروی به‌ودیعہ گداشته شده در انسان برای رسیدن به کمال، مورد بحث واقع شد. به گونه‌ی چکیده می‌توان گفت، انسان موجودی است که اعتبارش در قدرت انتخاب اوست. برای آن که این قدرت انتخاب امتیاز باشد نه عیب، لازم بوده است که قدرت تشخیص راه کمال هم به او داده شود. نیروی تفکر و تحلیل یک روی سکه‌ی این قدرت تشخیص است. روی دیگر سکه که کامل کننده‌ی این قدرت است، ملاکی درونی و فطرتی در انسان است که به قدرت تفکر این امکان را می‌دهد تا راه‌های متفاوت را با خواست ذاتی خود مقایسه کند و راه صحیح را بیابد.

محیط (هر چه بیرون فرد است) می‌تواند نقشی بسیار سازنده و یا مخرب در این فرایند کمال داشته باشد. نقش سازنده‌ی محیط در نیروی تفکر و آزادی انتخاب، عبارت است از فراهم کردن اطلاعات صحیح و بی‌جهت، و دادن آزادی واقعی انتخاب به فرد. نقش مخرب محیط می‌تواند دادن اطلاعات غلط، جهت‌دار و فیلتر کردن اطلاعات در جهتی خاص و گرفتن آزادی انتخاب به اشکال متفاوت باشد.



برای حرکت انسان به سمت کمال خود، باید نیازهای اساسی تأمین شوند

محیط نباید جای فطرت را بگیرد

گاهی آن را هدایت می‌مانند تا مفهوم اجبار کردن را کمی لطیف‌تر کنند. در این جا مشخصاً به مواردی پرداخته می‌شود که در مدرسه درباره‌ی فطرت رخ می‌دهد؛ مثال‌های روشنی از آسیب‌ها و سازندگی‌ها در زمینه‌ی فطرت.

بر اساس برخی نظریات، مهم‌ترین نیازهای انسان عبارتند از:
۱. نیازهای فیزیولوژیک مانند غذا، آب، هوا، لباس، خواب، تفریح و سرگرمی.

۲. نیاز به احساس ایمنی از طرف محیط، مانند احساس امنیت جانی، مالی، اجتماعی.

۳. نیاز به احساس تعلق داشتن به گروه مانند خانواده، دوستان، قایل و... و نیاز به احساس مورد محبت بودن توسط خانواده، دوستان و معلم، و همچنین نیاز به دوست داشتن کسی یا چیزی مانند دوست داشتن والدین، خواهر و برادر، دوست، معلم، و یا دوچرخه و برنده و...

۴. نیاز به احساس ارزشمند بودن، هویت داشتن، مؤثر بودن و غیره.

این نیازها باید توسط محیط و از جمله مدرسه رفع شوند. تأمین این نیازها نباید با پیش شرط باشد. زیرا این نیازها برای انسان اساسی هستند و بدون تأمین آن‌ها انسان در فشار است و نمی‌تواند به کمال خود فکر کند. آسیبی که عمدتاً از طرف مدرس در این زمینه وارد می‌شود، این است که گاهی برخی از این نیازها اساساً سلب می‌شوند؛ مانند احساس ایمنی. این موضوع در مدارس رایج است که بچه‌ها از مدرسه می‌ترسند، از ناظم واهمه دارند و در ترس از اخراج شدن به سر می‌برند. فضای بین معلم و شاگرد گاهی به گونه‌ای است که شاگرد نگران طرد شدن و توهین از طرف معلم است. این فضای ناامنی در بین خود شاگردان هم وجود دارد. برخی شاگردان در نگرانی از طرد شدن توسط دوستان و مسخره شدن توسط آن‌ها به سر می‌برند. همه‌ی این آسیب‌ها که از تأمین نشدن احساس ایمنی ناشی می‌شوند خطرناک‌اند و مانعی برای کمال محسوب می‌شوند.

گاهی هم تأمین نیازها مشروط است. مثلاً شرط احترام و توجه و محبت به شاگرد، تبعیت از دستورات معلم و تأمین خواسته‌های اوست (که البته در ظاهر، همه‌ی این خواسته‌ها برای تأمین سعادت کودک هستند) مشروط کردن احترام به کودک و محبت کردن به او به ازای کسب نمره‌ی خوب، انجام به موقع تکلیف، ساکت بودن در کلاس و غیره، همه فشارهایی را به فرد وارد می‌کنند که مانع حرکت آزادانه به سمت کمال وی می‌شوند.

جزئیات بسیاری در این زمینه وجود دارد که آن‌ها را به نوشتار بعدی می‌سپاریم.

مصلحان، مبلغان و... را در نقش فطرت شخص نه او القا کند، بلکه محیط بدون آن که بکوشد به فرد بگوید فطرتش از او چه می‌خواهد - که این امر همواره آسیب‌زا است - باید عمدتاً مانع وارد آمدن فشار از طرف بیرون به فرد شود.

توضیح آن که، همه فطرت دارند. همه‌ی فطرت‌ها هم راه کمال فرد را به وی نشان می‌دهند، اما مشخصات این راه و مقصد آن برای هر فردی متفاوت است. بنابراین، آسیبی که محیط (مثلاً مدرسه) می‌تواند ایجاد کند، آن است که تصور کند، از مشخصات این راه و مقصدی که فطرت فرد به وی نشان می‌دهد، باخبر است که در واقع چنین نیست. بنابراین، محیط نباید بکوشد جای فطرت بنشیند، زیرا اولاً از مشخصات راه و مقصد کمال هر فرد مطلع نیست و ثانیاً اگر هم چنین بود و می‌دانست، احتمالاً محیط نمی‌تواند و نمی‌خواهد که مانند فطرت، تنها خبرخواهی باشد که رسالتش ابلاغ است و بس. بلکه به گونه‌ای عمل می‌کند که آزادی انتخاب فرد را - ولو به دلیل دلسوزی و مصلحت‌اندیشی برای فرد - از وی می‌گیرد. بنابراین، اساساً محیط باید رسالت خود را پاس‌داری از فطرت فرد بداند و بس.

مدرسه نیز به عنوان بخشی از محیط می‌تواند در این مورد سازنده عمل کند یا آسیب برساند. مراقبت از فطرت این گونه امکان‌پذیر است که آن چه در محیط باعث ایجاد فشار بر وی است، برداشته شود تا نیروهای خارجی نتوانند مانع نشینند. فطرت توسط فرد شوند. هم‌چنین، برداشتن فشار، مانع کشیده شدن فرد به سمتی می‌شود که مخالف خواست فطرت است، ولی فرد به دلیل ناآجاری، به سمت آن سمت می‌رود.

نظریات جدید روان‌شناسی بر این اعتقادند که برای حرکت انسان به سمت کمال خود، باید نیازهای اساسی‌اش تأمین شوند. در غیر این صورت، فرد برای تأمین آن‌ها، به خواسته‌های محیط تن درمی‌دهد. این خواسته‌ها الراماً در جهت کمال وی نیستند. بنابراین، از آنجا نشدن این نیازهای اساسی انسان می‌تواند، مانع عملکرد فطرت شود و هم‌چنین آزادی انتخاب فرد را سلب کند.

مخمساً و از جمله مدارس، می‌توانند با تلاش برای درک نیازهای کودکان و تأمین آن‌ها، زمینه را برای انتخاب آزادانه و فطری برای فرد فراهم کنند. در قسمت قبلی ذکر شد، دادن اطلاعات صحیح و بدون جهت به فرد، و ایجاد فضای تفکر و تحلیل می‌تواند، به پرورش این نیرو کمک کند. در مورد فطرت نیز می‌توان گفت که تأمین نیازهای اساسی فرد بدون ایجاد پیش شرط برای او، می‌تواند امکان عملکرد فطرت را ایجاد کند. در واقع، محیط نقش خدمات‌رسانی و تأمین نیازهای کمال را دارد، نه نقش تعیین هدف و بردن فرد به سمت هدف (که

نمازهای واجب و مستحب خود «یا کتب» فقط خدا، «اسلامت» را بدون «عهد و نسمین» جمهوری» ادا نمی‌کند و ناچار ندارد. با این توضیح که «اسلامت» اعتبار بخش «جمهوریت» است و «جمهوریت» تحلی بخش «اسلامت» نه من و تو و او.

نماز گزار، حتی اگر در تنهایی و خلوت به ادای این فریضه بپردازد نمی‌تواند و نباید بگوید: «ایک اعبد و ایک استعین». بر این دیگر سخن وحی و ذکر نماز بخواهد بود و بدعت است و مبطل عمود دین، باید در «عبادت» و «استعانت» هر مسلمان، «ما» جریان داشته باشد، نه «من». ضمناً جاری شدن «ما» در غیر ایک (شُرک و کفر) گم کردن راه و افتادن در ضلالت است.

۴. قدرت‌های حاکم بر جهان ظهور چنین حکومتی را در سال ۱۳۵۷ یک امر عاقل‌گیر کننده و عجیب و در عین حال نامطلوب - که نباید تحقق می‌یافتند ارزیابی کردند. نه همین دلیل، از همان آغاز در حدود براندازی یا متحرف کردن آن برآمدند و به موازات، در رسانه‌های استکباری خود در جهان تبلیغ کردند که ایران با پذیرفتن چنین نظامی، برای همیشه از علم، صنعت و فناوری محروم و ساقط شد و نابودی آن به زودی فرا می‌رسد. این در حالی است که پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ی ملت ایران اعلی، پزشکی، نظامی، هسته‌ای و... هم‌اکنون جهانیان را به شگفتی انداخته‌اند. به طوری که بهمان و آشکار، اعتراف کرده‌اند، که همه‌ی ما با یک قدرت منطقه‌ای مواجهیم و بدون حضور و نقش آفرینی جمهوری اسلامی ایران، هر اقدامی در جهت توسعه، پیشرفت و صلح پایدار در منطقه به نتیجه نخواهد رسید.

اری، نهال بیست و دوم بهمن نشسته است.

بیست و دوم بهمن اگر نبود؟

دکتر حسین داودی

هر چه آوازه‌ی دموکراسی وطن‌نتر شود - چنان که در غرب مطرح است - رفاه و سپس رفاه‌زدگی و ابتلال منادیان آن از یک سو، و فقر و مرگ تدریجی مرعوب و مجذوب شدگان انسان در جهان از سوی دیگر، بیشتر می‌شود.

۲. نظام‌هایی نیز که با عناوین متفاوت خود را به «اسلامت» مربوط و متناسب می‌کنند و داعیه‌ی حکومت دینی دارند، اما مردم در تحقق و مدیریت جامعه نقش جدی نداشته و ندارند - هم‌چون حکومت‌های گذشته‌ی ایران و مشابه آن‌ها در کشورهای امروز جهان - به استناد، انحراف و وابستگی گرفتار می‌شوند و زوال خود را خواهند دید.

۳. «جمهوریت» و «اسلامت» از هم تفکیک‌ناپذیرند و هرگونه تلاش - و در واقع سیاسی کاری - برای جدا کردن این دو، به معنی جدا شدن از اصل اسلام و پشت کردن به بیست و دوم بهمن است. این تفکیک‌ناپذیری و به اصطلاح «مردم‌سالاری دینی» را می‌توانیم از رسمی‌ترین عبادت در اسلام، یعنی نماز، نیز دریافت کنیم. مسلمان در تمام

روز «ها» و «سب»ها، هر چند تسبیح بخواند - هم‌چون انسان‌ها - اما یکسان نیستند. «شب قدر» از هزار ماه با فضیلت‌تر است و «روز بیست و دوم بهمن» ماه ۱۳۵۷ از قرن‌ها روز مرگی ملت‌ها یا ارزش‌تر.

در این روز، «ملت ایران» با «اسلام محمدی - ص» بیعت کرد و پس از رکود و غفلتی بیش از هزار سال، نظامی بر انگارده‌ی حکومت نبوی و علوی، با رهبری امام خمینی (ره) به نام «جمهوری اسلامی» پایه‌گذاری شد. اینک، پس از گذشت سه دهه از این اتفاق مبارک و انتخاب بزرگ، درس‌هایی از آن را برای خود و جهانیان به یاد می‌آوریم:

۱. تجربه‌ی دیروز و امروز دنیای متمدن نشان داده است که دموکراسی، مردم‌سالاری و حکومت صرفاً برخاسته از جمهوریت، ماهیتی خودکامه و مستکبر می‌یابد و به اقتضای صفت ذاتی‌اش به استضعاف دیگران می‌انجامد. در این صورت، فرهنگ، تمدن و فناوری ابزار استعمار و استثمار می‌شود. بنابراین



به سوی خداشناسی

به کوشش: فاطمه محمودیان

اشاره

«رشد آموزش راهنمایی تحصیلی» تصمیم دارد، در هر شماره کتاب‌های مناسب را براساس موضوعات درسی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی به شما همکاران محترم معرفی کند.

○ عنوان: دنیای شگفت‌انگیز اطراف ما؛

راهی به سوی خداشناسی

○ نویسنده: هارون یحیی

○ مترجم: علیرضا عیاری

○ ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

تلفن: ۹-۸۸۷۱۵۵۴۵ و ۸۸۹۶۲۹۷۲-۲۱

○ چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷، ۱۴۴ ص، ۲۱۵۰ تومان.

جهان، کیهانشان راه شیری که منظومه‌ی شمسی در آن قرار دارد، و سیاره‌ی زمین، همگی توسط عوامل بی‌شماری کنترل می‌شوند. تمامی این قوانین و توازن موجودات، در شرایط خاصی طراحی و به صورت معجزه‌آسایی مرتب شده‌اند تا محیط مناسبی برای زندگی انسان به وجود آورند. تمامی داده‌های علمی که تاکنون به دست آمده‌اند، نشان می‌دهند که در هیچ‌جا یا هیچ مکانی در دنیا، جایی برای شانسی یا تصادف وجود ندارد. از اولین لحظه‌ی شروع دنیا تا آخرین لحظه‌ای که شما این کتاب را می‌خوانید، جهان با نهایت جزئیات، توسط خداوند حکیم و متعال که انسان‌ها را آفریده، طراحی شده است تا شاهد آن باشند، تأمل کنند و قدرت و هنر او را ببینند.

این کتاب شامل نمونه‌هایی از معجزاتی است که از لحظه‌ی اول خلقت جهان رخ داده‌اند و امروزه نیز هم‌چنان رخ می‌دهند. ما این معجزات را به صورت سه موضوع اصلی دسته‌بندی کرده‌ایم: جهان؛ منظومه‌ی شمسی ما و دنیا؛ موجودات زنده.

کتاب حاضر می‌کوشد، با نشان دادن چند معجزه‌ی خلقت در جهان، تصویری از قدرت و هنر بی‌کران خداوند متعال، به خواننده بدهد. به علاوه، امید است به این آگاهی منجر شود که هر چیزی در اطراف ما، در صورتی که با چشم خرد به آن نگرسته شود، معجزه‌ی خداوند است.

معرفی مجله‌ی برهان راهنمایی

حسین نامی ساعی



پنجاه و دومین شماره از فصل‌نامه‌ی ریاضی برهان راهنمایی تحصیلی (زمستان ۱۳۸۸) ویژه‌ی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی منتشر شد. در این شماره می‌خوانید:

○ بنویسید تا ریاضی را به بند بکشید! حمیدرضا امیری

○ رابطه‌ی (ب.م.م) و (ک.م.م) با نمودار درختی؛ سبیده چمن‌آرا

○ شرط بندی در سفیدی بیگل؛ حسن یاورتبار

○ سرگذشت نمره‌ی دوست نداشتنی؛ سید محمدرضا هاشمی موسوی

○ روش دو ستونی؛ صبا مهنوی

○ واژه‌نامه‌ی ریاضی؛ نادی بهاری

○ مهارت‌های مخفی در محاسبات ریاضی؛ محمود داورزنی

○ هندسه و مرمت بناهای تاریخی؛ احمد و امیرحسین شریفان

○ معادله‌ی خط و رسم خط؛ حمیدرضا امیری

○ مربع جادویی چیست؟؛ رقیه شهمازی

○ بازی و ریاضی؛ زهره پندی

○ پیمان‌های احمدآقا؛ حسن احمدی

○ تفریح فکر؛ مجتبی احمدی

○ کمی منطقی فکر کنید؛ حسن نصیرنیا

○ سوال‌های مسابقه‌ی ریاضی استراليا؛ سبیده چمن‌آرا

○ معرفی کتاب: جدول اعداد متقاطع؛ جعفر ربانی

کلید واژه‌ها: هوش، موسیقی، کلاس درس

اشاره

توجه به هوش های چندگانه‌ی یادگیری، کلاس درس را با هر تعداد جمعیت، به تعداد محدودی از دانش آموزان تبدیل می‌کند. در واقع این مقوله، راهی برای غلبه بر مشکل کلاس های گروهی و بیامد ان، پادیده گرفتن تفاوت های فردی در آن است. بر این اساس، گویت، پژوهشگر این موضوع می‌گوید، با دیگران طوری رفتار کنید که گویی آنان آن چه باید باشند، هستند. در این صورت، به آنان کمک کرده‌اید تا به آن چه که می‌توانند باشند، تبدیل شوند. این گفته‌ی گویت تنها با تکیه بر هوش های چندگانه‌ی یادگیری امکان پذیر است. نوشته‌ی پیش رو، در ادامه‌ی مقالات قبلی، به معرفی یکی دیگر از هوش های چندگانه اختصاص دارد.

عمر قابل تصور است که در طول روزهای کاری‌تان با دانش آموزی روبه‌رو شده باشید که گاهی در کلاس روی میز ضرباتی می‌زند یا می‌کند که ریتمیک هستند و با صداهای اطراف بسیار حساس هستند و به راحتی به صداها واکنش نشان می‌دهند. یکی از معلمان، تجربه‌ی جالبی در این زمینه دارد:

موسیقی متن کلاسی

«دانش آموزان یکی از کلاس هایم، بسیار درس حوال و مرتبه بودند و من از بودن با آن ها لذت می‌بردم، اما مشکلی مرا از آن می‌داد هنگام تدریس و با زبانی که تکلیفی را به چهره می‌دادم، در کلاس زنده‌های نامفهومی را می‌شنیدم که گاهی حواسم را پرت می‌کرد. نیم می‌خواست، بدون این که اعتراض آشکاری داشته باشم و موجب وزدگی بچه‌ها در کلاس شوم، موضوع را شناسایی و رفع کنم. تا این که یکبار وقتی تکلیفی به بچه‌ها دادم، متوجه شدم صدای زمزمه به صدای سوت تبدیل شده و یکی از بچه‌ها آهنگی را با صدای سوت ولی بسیار آرام می‌نوازد همسایه‌ی من که بین بچه‌ها حرکت می‌کرده، به زهر رسیده. او دانش آموز بسیار آزرعی است که کمتر هم حرف می‌زند، اما در کمال بیعت دادم، او همچنان که معمول بیس است، سوت می‌زند و به شدت بر کارش متفکر شده است، بچه‌ها که متوجه ما شده بودند، چندشان گرفته بود، من با ساره از آن ها حواسم واکنشی نشان ندهند و معمول کردنش نبود، بعد از چند بگشتم، از زهر حواسم نتخه‌ی کارش را در کلاس توضیح دادم و هم به خوبی از عهده‌ی این کار برآمدم این اتفاق، بهانه‌ی خوبی بود که با کلاسی شده،

هوش های چندگانه را برای بچه‌ها توضیح دهم و آن ها را با خودشان نسیر آشنا کنم. حالا دیگر ره‌ای دانش که احتمالاً هوش موسیقایی او قوی است و با تکیه بر آن بهتر می‌تواند درس هایم را یاد بگیرد.»

علاوه بر نشانه‌هایی که بر تجربه‌ی یاد شده مطالعه کرده‌ام، دانش آموزان دارای هوش موسیقایی، ویژگی‌های خاصی دارند: از جمله این که ملودی‌ها را به خوبی به خاطر می‌سپارند. معمولاً حواس حساسند و از خواندن و نواختن موسیقی لذت می‌برند. همچنین، در سنجش گسترش و حرکت کردن مورس عمل می‌کنند و گاهی به تصور ناخودآگاه با خود ریمه می‌کنند. دانش آموزانی که حساسات ریتمیک روی میز وارد می‌کنند نیز در این دسته قرار دارند. آن ها به صداهای اطراف حساس هستند و صدا می‌تواند به راحتی تپیر کرسیان را بهم بریزد. همچنین که موسیقی های مورس و صدای ساز کوچک برای آن ها قابل توجه و لذت بخش است. از جمله‌های ناموزون و سارهای خارج از ریمه و کوچک خویشان نمی‌آید و به راحتی آن را تشخیص می‌دهند. دقیقاً همین گروه، دانش آموزان هستند که برای یادگیری مطالبی که به شکل ریتمیک هستند مانند جدول ضرب، راحت کمتری می‌کنند و به راحتی آن را به ذهن خود می‌سپارند.

بزرگسالانی که هوش موسیقایی آن ها از قدرت بسیاری برخوردار است نیز، علاوه بر نشانه‌های بالا، معمولاً یکی از آلات موسیقی را می‌نوازند. آسانی و یا یک یا دو بار تندن یک مجموعه موسیقی، آن را به خاطر می‌سپارند و غالباً ذهنس از موسیقی و کلام ریتمیک آنگاه است، این قبیل افراد، وقتی در جایگاه مورس قرار می‌گیرند، استعداد آن ریمه برای آموزش بیشتر برجیح می‌دهند.

بر اساس این هوش بهتر است در آموزش، فرصت‌های مناسبی برای این گروه از دانش آموزان در نظر گرفته شود. برای مثال، هنگام طراحی برای یک نمایشگاه از کارهای دانش آموزان، قسمی را به فعالیت‌های مربوط به موسیقی اختصاص دهند و با تر آموزش، ساخت ملودی و استفاده از آن برای دانش آموزان را پیشنهاد کنند. همچنین، در از برای تکلیف اختیاری، بخشی از تکالیف را به ساختن و یا کاربرد ملودی برای یک موضوع آموزشی اختصاص دهند. در این باره، معرفی موسیقی دانش و زندگی نامه‌ی آن ها در مناسب‌ها، از جمله در برنامه‌های معرفی مشاغل کودکان، می‌تواند برای دانش آموزان بسیار آموز و تاثیر گذار باشد.

نت‌ها در کلاس

لیلا سلیقه‌دار

دکترای برنامه‌ریزی آموزشی



آنچه در این زمینه باید مورد توجه قرار بگیرد، آن است که هنگامی که معلم از شعر یا ملودی خاصی برای یک مفهوم استفاده می‌کند، نباید همه‌ی دانش‌آموزان را به حفظ آن وادارد. این نکته به نوعی، به توجه معلم به هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری در دانش‌آموزان اشاره دارد. برای مثال، معلمی برای آموزش مفاهیم مربوط به بدن انسان در فصل اسنان و حرکت (کتاب علوم تجربی پایه‌ی سوم راهنمایی تحصیلی)، با استفاده از کلمات کلیدی این فصل مانند استخوان‌های قسمت‌های گوناگون بدن، غضروف، مفصل و رباط، ماهیچه و نیر، نفس‌ان‌ها در بدن انسان، منی را می‌سازد و آن را به صورت ریتمیک به فراگیرندگان می‌آموزد. این حالت می‌تواند فضای کلاس را به فضایی شاد تبدیل کند و محیط جذابی را فراهم بیاورد. اما اصرار معلم به حفظ شعر توسط همه‌ی دانش‌آموزان، می‌تواند به صورت عکس، موجب کاهش یادگیری بعضی‌ها شود.

به این ترتیب، به نظر می‌رسد که هوش موسیقایی در تمامی دروس و در بخش‌های گوناگون فرایند یاددهی - یادگیری، اعم از ورود به کلاس و آغاز درس، ناآرانه‌ی تکلیف، قابل استفاده است. برای مثال، معلمی تصمیم می‌گیرد برای ایجاد انگیزه و جلب توجه دانش‌آموزان به درس تاریخ که به حماسه‌های تاریخی اشاره دارد، یک موسیقی حماسی را در ابتدای درس خود پخش کند. دبیر درس ریاضی برای ماندگاری رابطه‌ی فیثاغورث در ذهن دانش‌آموزان، درس را با آهنگ خاصی مطرح کند و از دانش‌آموزان می‌خواهد آن را در کلاس با هم بخوانند. دبیر درس اجتماعی نیز می‌کوشد، مثنوی مربوط به مفاهیم اجتماعی را با آواها و ریتمی خاص برای بچه‌ها بخواند که احساس همراه با آن، مفهوم مورد نظر را به صورت روشن‌تری به ذهن متبادر کند.

نویای یادگیری

از دیگر کاربردهای موسیقی در کلاس درس، موسیقی فرادهنی است. سال‌ها پیش، پژوهشگران امور آموزشی دریافتند که اگر در حین تدریس معلم، نوعی موزیک نیز پخش شود، دانش‌آموزان سریع‌تر مطالب را به حافظه می‌سپارند. در این مطالعه نشان داده شده است، موسیقی‌های مورد نظر بهتر است از آثار منتخبی از موسیقی سنتی باشند و دانش‌آموزان در حالت آرامش قرار داشته باشند. البته در این زمینه هیچ مطالعه‌ای در ایران صورت نگرفته است، اما آن‌چه مسلم است، آن‌که استفاده از موسیقی‌های مرتبط با

متن، می‌تواند تأثیر بسزایی در یادگیری دانش‌آموزان داشته باشد. برای مثال، شنیدن صدای امواج دریا هنگامی که معلم قصد تدریس مفهوم اهرم با استفاده از پارو را دارد، می‌تواند در یادگیری آن‌ها تأثیر مثبتی داشته باشد. پرداختن به هوش‌های چندگانه، به‌ویژه زمان آرائه‌ی تکالیف متنوع اختیاری به دانش‌آموزان، چالشی را پیش روی معلمان ایجاد می‌کند. این چالش بی‌اطلاعی دانش‌آموزان از هوش‌های چندگانه مربوط می‌شود. آگاهی داشتن دانش‌آموزان از هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری و تلاش در جهت شناخت بیشتر خود، موجب می‌شود آنان برای حل مسائل خود، شیوه‌های مناسبی را برگزینند. این توانایی هم‌چنین موجب می‌شود که آنان با قرار گرفتن در محیط‌های یادگیری جدید خود را مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهند.

از این رو لازم است این تئوری به دانش‌آموزان معرفی شود. به این ترتیب، به آنان یادآور می‌شویم که همه‌ی افراد باهوش هستند، اما نوع و سطح آنان با یکدیگر متفاوت است. برای این کار کافی است که دانش‌آموزان با انواع هوش و نیز ویژگی‌های مربوط به هر یک آشنا شوند. هم‌چنین، باید این نکته به آنان تأکید شود که ممکن است شناخت ما در مورد میزان هوشمان دقیق و درست نباشد و این کار به دقت و مطالعه‌ی بیشتر در رفتارمان نیاز دارد. این نکته به این جهت قابل تأمل است که ممکن است دانش‌آموز تصویری از خود ایجاد کند که با واقعیت وجودی او تناسب درستی ندارد و این مسئله برای او مشکلاتی را فراهم کند. هم‌چنین، قابلیت پرورش و رشد هوش، از جمله مسائلی است که باید برای دانش‌آموزان مطرح و بر آن تأکید شود. به این ترتیب، محیط کلاس به فضایی ترغیب‌کننده، زاینده و فعال تبدیل می‌شود که هرچه بیشتر دانش‌آموزان را به فراشناخت رهنمون می‌کند.

منابع

۱. ایلوش، ریچارد. سفر هوش عمومی. ترجمه‌ی پرویز شریفی. ترجمه‌ی و دیگران. تهران: انتشارات جیحون، ۱۳۸۶.
۲. باکوس، آن و رومان، کریستیان. ۱۵۰ روش برای افزایش هوش کودک. ترجمه‌ی رینا کاظمی. قزوین: سنوگ، ۱۳۸۶.
۳. باغی‌زاده، سوسن. مفاهیمی تأثیر آموزش بر اساس دیدگاه گاردنر و شیوه‌ی سنتی بر عملکرد ریاضی دانش‌آموزان سال دوم راهنمایی شهرستان شهرداری، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۸۰.
۴. پیاز، زلی. روان‌شناسی هوش. ترجمه‌ی ایرج باقریپور. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۲.
۵. نیلی، سوسن. رنگین‌کمان هوش. ترجمه‌ی حسن استازاده و حسن عمادی. قم: رشد، فرهنگ، ۱۳۸۷.



آموزش و پرورش کارآمد



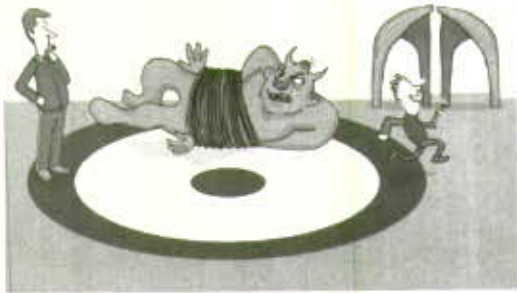
مشکلات آموزش و پرورش کارآمد از قبل از ثبت نام در دبستان آغاز می شود.



مهدی رضاییان

رشد آموزش
و انسانی
تحصیلی

بالاخره با دوپینگ توانستم از سد کتکور عبور کنم.



کم کم تلاش ما
برای گرفتن ۲۰ کمتر شد
و معلم‌ها ما را برای کتکور آماده کردند.



فارغ‌التحصیلی از دانشگاه هم مثل جشن الفبا
برایم شیرین بود.



اما نمی‌دانم چرا چیزهایی که یاد گرفتیم، کاربرد ندارند.

اشاره
 هنوز در برخی از مدارس ما، کج و تختی کلاس و صدای معلم، تنها رساندهای هستند که دانش آموزان با آن‌ها آشنایند. صدای معلم در فضای کلاس مطمئن می‌اندازد و خط سفیدش روی تخته‌ی سیاه کلاس، در ذهن آنان نقش می‌بندد. مجموعه‌ی این دیده‌ها و شنیده‌ها به همراه تمرینات و تکلیفات شبانه، کم‌کم اندوخته‌ی علمی و تجربی هر دانش‌آموز را شکل می‌دهد. اما هم‌بای افزایش به‌کارگیری وسایل و ابزار کمک‌آموزشی و فناوری اطلاعات، سبک و سیاق آموزش و فرایند یاددهی-یادگیری، در بسیاری از مدارس ایران و جهان تغییر یافته است. کتاب درسی فقط یکی از وسایل و ابزار آموزشی است. امروزه با هدایت و نظارت معلم در فضای آموزشی، دانش‌آموزان از طریق انواع فیلم‌های آموزشی، نرم‌افزارها و ورود به سایت‌های گوناگون، با دریایی از آموزش‌ها و تجربیات روبه‌رو می‌شوند و پژوهش و تحقیقات هدفمند در این فرایند، روش دست‌رسی به اطلاعات، گزینش و انتخاب داده‌های مورد نظر، تجزیه و تحلیل اطلاعات، جمع‌آوری و تدوین را تجربه می‌کنند. در این مقاله سعی بر این است که رسانه‌های تصویری را به‌عنوان بخشی از مواد آموزشی بشناسیم و با روش‌های به‌کارگیری این ابزار در فضای کلاس و یا مدرسه آشنا شویم.

کلیدواژه‌ها: آموزش بصری، منابع تصویری، تصویرسازی ذهنی.

حسن بینایی و یادگیری

حوش‌بخش اهمیت این نکته که بسیاری از آموزش‌های غیررسمی ما امروزه در قالب فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی قابل محقق است، جای انکار نیست. دانش‌آموزان ما از میان سریال‌های پخش‌شده در سیما

ما را به انواع دیگر یادگیری که از طریق تپس، فرانت و خواندن متون می‌تواند صورت گیرد، کاهش دهد. اما چگونه می‌توان این مهم را در نظام آموزشی مدرسه عملیاتی و مدیریت کرد؟ در این مورد تمهیداتی لازم است تا بهره‌گیری از رسانه‌های تصویری در مدرسه اجرایی شود. نخستین نکته، توجه ذهنی مدیر و مسئولان مدرسه و علاقه‌مندی آنان به این امر است که

علاوه بر نمایش فیلم‌های عمومی هفتگی، مدرسه می‌تواند با تهیه امکانات اولیه، در ساعات به‌خصوصی، با هماهنگی دبیر مربوطه، سر کلاس، زمانی را به فیلم‌های علمی (موضوعی) اختصاص دهد. فیلم‌های کوتاه علمی در زمینه‌ی دروس علوم دوره‌ی راهنمایی، ریاضی، جغرافیا و غیره وجود دارند که می‌توان به‌عنوان بحث تکمیلی در کلاس، از آن‌ها بهره برد. در برخی از مدارس،



جمهوری اسلامی ما، خواسته و ناخواسته آموزش‌های زیادی را می‌بند که به آموزش‌های بی‌بهره (از معلمان بی‌بهره) تغییر می‌شود و این نتیجه‌ی تأثیر فراوان آموزش‌های بصری است. محققان علوم یادگیری معتقدند، بیش از ۸۵ درصد ترس یادگیری، اندوخته‌های ذهنی و تجربی ما انسان‌ها، از طریق حسن بصره و دیدن اتفاق می‌افتد. حتی آموزش از طریق بیان داستان‌ها و تجلیات نیز از همین قاعده تبعیت می‌کند. چرا که ذهن تصویرسازی می‌کند و در سایه‌ی این تصویر و تصورات و فضاسازی‌ها، یادگیری مثبت می‌شود و بهتر صورت می‌گیرد. با این مقدمه به نظر می‌رسد که اهمیت یادگیری از طریق حسن بینایی و تأثیر و ماندگاری آن می‌تواند، تکنه‌ی

در سیستم آموزشی سنتی مدرسه تغییر ایجاد کند. بدین منظور، توجه و توجه دانش‌معلمان به استفاده از این امکانات لازم است. به موارد این فضاسازی، مدرسه سازماندهی فیلم‌های آموزشی و فیلم‌های عمومی است. شاید اندکی تغییر در برنامه‌های مدرسه، ضروری باشد. نمایش فیلم‌های مستند، داستانی و تفریحی می‌تواند، یک روز در هفته، خارج از وقت رسمی مدرسه و یا ظهر هنگام، بین دو شیفت صبح و ظهر انجام گیرد. در این زمان، دانش‌آموزان کل مدرسه آزادند که از برنامه‌ی نمایش فیلم‌های عمومی هدفمند در مدرسه استفاده کنند. نقد فیلم و توضیح و تبیین نکات فیلم نمایش داده شده، می‌تواند بخشی از برنامه‌ی نمایش فیلم باشد.

کلاس و فضای به‌خصوصی وجود دارد که محل نمایش فیلم‌های آموزشی است و با هماهنگی و برنامه‌ریزی قبلی، کلاس مورد نظر در اتاق نمایش (اتاق سمعی و بصری) تشکیل می‌شود. در این فضا، تلویزیون، دستگاه ویدئو، رایانه، صفحه‌ی نمایش، سی‌دی‌های گوناگون و فیلم‌های متنوع، جمع‌آوری و نگهداری می‌شوند. بدیهی است مدرسه می‌تواند فردی را مسئول این کار قرار دهد. ولی همان‌گونه که اشاره شد، حواست مسئولان مدرسه در این مورد بسیار مهم است. بسیاری از مدارس از همزاهای و همفکری اولیای دانش‌آموزان نیز بهره می‌گیرند تا آنان با توجه به خواست و آوای مدرسه، در تدوین و تأمین ملزومات، مدرسه را تری دهند. خلاصه آن‌که برنامه‌ریزی، تأمین امکانات و ملزومات، معنی فضاهای

محققان علوم
یادگیری معتقدند،
بیش از ۸۵ درصد
درس یادگیری،
اندوخته‌های
ذهنی و تجربی
ما انسان‌ها، از
طریق حس باصره
و دیدن اتفاق
می‌افتد

فیلم‌های علمی این شبکه از طریق مجله‌ی هفتگی سروش، فیلم‌های مورد نظر را ضبط و نگهداری می‌کنند. بعد از آن که این فیلم‌ها برای مدرسه ضبط شد، می‌توان آن‌ها را به همکاران داد. آن‌ها با دیدن فیلم‌ها، نوشتن توضیحی مختصر از محتوای علمی آن‌ها و تعیین سطح پایه در دوره‌ی راهنمایی، ما را در تهیه‌ی جنول آرشیو فیلم‌های طبقه‌بندی شده‌ی مدرسه یاری می‌دهند که می‌تواند چندین سال کارایی داشته باشد.

این معاونت (واحد نرم‌افزار) با در اختیار گذاردن «کتاب‌نما»، کلیه‌ی تولیدات آموزشی این مرکز را به شما نشان خواهد داد. تلفن این واحد نیز ۰۲۱-۷۷۶۰۲۵۵۷ است.

در سایت عمومی رشد و با ورود به قابل «آموزش الکترونیکی» نیز می‌توان راهنمایی‌های لازم را دریافت کرد. البته شما با آدرس سایت رشد آشنا هستید:

www.roshd.ir

از دیگر منابع و مراکزی که دسترسی ما را به فیلم‌ها و سی‌دی‌های

نمایش فیلم و سی‌دی‌های آموزشی و ترغیب همکاران به استفاده از این امکانات، لازم است. شایسته است معاونت آموزشی مدرسه در جهت تأمین فیلم‌های آموزشی و عمومی، تلاش‌هایی صورت دهد.

کار را نباید مشکل گرفت. با بی‌گیری و پشتکار، کارهای سخت آسان می‌شوند. به راهمایی برای تهیه‌ی فیلم و سی‌دی‌های آموزشی وجود دارد ساده‌ترین راه در تهران این است که با «معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی» (واسته به سازمان



آموزشی آسان می‌کند، ارتباط با شبکه‌ی چهارم سیمای جمهوری اسلامی است. برای غنی‌سازی منابع تصویری و استفاده از آن‌ها در کلاس‌های درس و یا نمایش آزاد و عمومی، می‌توان به سایت این شبکه مراجعه کرد: سایت www.1۷4.ir ما را با جدول پخش برنامه‌ی فیلم‌های علمی-آموزشی در ساعات و روزهای گوناگون آشنا خواهد کرد. ما آگاهی از این برنامه، می‌توان در رأس ساعت اعلام شده، فیلم مورد نظر را به‌طور مستقیم از تلویزیون ضبط کرد. بسیاری از مدارس به کمک این سایت و یا اطلاع از برنامه‌ی پخش

پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی) تماس حاصل کرد و در شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها، به ادارات آموزش و پرورش، بخش «کارشناسی تکنولوژی» مراجعه کرد. این کارشناسی می‌تواند، فهرستی از تولیدات نرم‌افزاری آموزشی معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی را در اختیار قرار دهد و سفارش بگیرد. این معاونت در تهران در خیابان شریعتی، کوچه‌ی سمنان، پلاک ۸ قرار دارد. فهرست تولیدات خود را برایتان ارسال می‌کند و با به شماره‌ی فاکس آموزشگاه شما می‌فرستد. تلفن آن هم این است: ۰۲۱-۷۷۶۰۶۷۵۳ و ۰۲۱-۷۷۵۰۲۹۶۶

و بالاخره، واحد سفارش و ضبط و تکثیر مؤسسه‌ی سروش سیمای، واقع در تهران، خیابان دکتر شریعتی، خیابان زمره، با قبول سفارش می‌تواند، هر فیلم و برنامه‌ی پخش شده از کلیه‌ی شبکه‌های تلویزیون را در یک نسخه ضبط و به‌صورت نوار ویدیویی، سی‌دی و یا دی‌وی‌دی در اختیار شما قرار دهد. تلفن این مرکز برای انجام سفارش فیلم عبارت است از: ۰۲۱-۲۲۸۸۱۸۶۰-۹. آیا شما راه‌های دیگری را می‌شناسید که به سادگی بتوان به منابع فیلم‌های علمی، مستند و آموزشی دست‌یافت؟ برای ما بنویسید و ارسال کنید.

آن موقع خود من دانش آموری بودم مورد توجه همه: هم بچه‌ها و هم معلمان. هم درسم خوب بود و هم اهل فوق برنامه بودم. ورزشکار خوبی هم بودم. به قول رفقا، حساسی بچه مثبت مدرسه بودم. در آن سن و سال طبیعی بود که دانش آموزان به دنبال معلمانی باشند که موفق و یا به قول بچه‌ها از نقه «سبز» هستند. حالاً می‌خواست در ورزش باشد تا در تدریس و امثالاً در کارهای هنری و حالاً هر چه دیگری که نوعی امتیاز حساب شود.

از این جور معلمان هم الحق و الانصاف زیاد دانسته‌ام. نمونه‌اش آقای تنایی که معلم ورزشمان بود و در هر ورزشی حرفی برای گفتن داشت. مثلاً موقع بازی والیبال، ایستار که می‌زد، خاک از زمین بلند می‌شد، همه جا خالی می‌دادند که

بعضی آدم‌ها هستند که هیچ‌وجه متخصصی ندارند. منظورم بعضی از معلمان هستند: معلمانی که خیلی معمولی به نظر می‌رسند. بهتر است بگویم به شدت معمولی. نه مست هستند، نه صفا. به پشت هستند، نه زینا. نه خیلی باسواد هستند و نه خیلی بی‌سواد. نه ساکت هستند و سرزوی، و نه شلوغ و پر تحرک. خلاصه در وجود این افراد هیچ چیزی نیست که شما را جذب یا دفع کند. از آن‌ها بدش نمی‌آید، دوستشان هم ندارند.

دانشگاهی که می‌خواهم برای شما معرفی کنم، مربوطاً می‌تواند به حدود ۱۸ سال پیش که من دانش آموز سال سوم راهنمایی بوده و در یکی از مدارس دولتی پایین شهر تهران درس می‌خواندم.

حسین افصح

اردوی نجات



یک وقت ناکار نشوند. یا مثلاً آقای ملک حسینی که بچه‌ها به شوخی به او می‌گفتند: «برادر تالس». از بس در هندسه کولاک بود. مسئله را تمام نکرده، روی هوا جوش را می‌گفت. بچه‌ها می‌رفتند از هر جایی از کتاب‌های دیگر مسئله‌ی هندسه برایش می‌آوردند تا شاید در حلش دربرماند که در نمی‌ماند و بالاخره حلش می‌کرد. یا آقای خوشنویس که خوش لباس بود و خوش تیپ و من هنوز بعد از این همه سال، آدمی به آن خوش لباسی ندیده‌ام. شما فکرتش را بکنید، در آن مدرسه‌ای که در جنوب شهر هم بود، این خوش‌لباسی و دقتی که آقا خوشنویس در پوشاک داشت، چه قدر به چشم می‌آمد. فقط ما مانده بودیم که بول این لباس‌ها را از کجا می‌آورد. از خودش که می‌پرسیدیم، به شوخی احم می‌کرد و می‌گفت: فضولی موقوف! یا مثلاً آقای نیایش که جانباز بود و اهل دل بود و بچه‌ها خیلی دوستش داشتند. پدر یکی از بچه‌ها که قبلاً در حمله با او هم‌رزم بود، برای پدرش تعریف کرده بود که آقای نیایش یک شب با چهار نفر دیگر، بالای یک تپه جلوی یک گردان عراقی ایستاده بودند. این بود که آقای نیایش در نظر ما نمونه‌ی محسم یک قهرمان بود.

حلی اوقات هم بود که یک معلم به خاطر چیزی معروف می‌شد که موفقیت یا امتیاز نبود، اما یک عادت ویژه بود. این نوع عادت‌ها خیلی توی چشم بچه‌ها می‌زد و خیلی بیش از آن که خود معلم بداند، برای ما مهم می‌شد.

مثل آقای رضوانی که عادت داشت میان کلامش از عبارت «چیزه، اینه» استفاده کند. یادم می‌آید که رفقا این «چیزه، اینه»‌ها را می‌شمردند و با هم مسابقه می‌گذاشتند و کلی کُری می‌خواندند تا ببینند در کدام کلاس این عبارت بیشتر به کار رفته است.

- کاظم روت کم شد؟ آقا امروز تو کلاس ما سی و دو بار گفت چیزه.

- این که رکورد شد که شلوغش می‌کنی، مگر تو کلاس ما چهل و یک بار نگفت؟

- بخشیدها، اون تلت پیش بود. حالا نبود که ...

با آقای جان محمد که خیلی جاق بود و بین بچه‌ها معروف بود به نوبولف و ماجراها داشت که بماند و بگذریم. اما آقای توکلی، راستش را بخواهید، آقای توکلی هیچ‌وجه مشخصه‌ای نداشت. هیچ چیز، آقای توکلی یک معلم کاملاً معمولی بود. با ما ورزش می‌کرد، اما در هیچ ورزشی نه ضعیف بود که حرصمان را دریاورد و نه سرآمد بود که حظ ببریم. وقتی هم در مسابقات بین دانش‌آموزان و معلمان بچه‌ها می‌خواستند تشویقش کنند، نمی‌دانستند به چه صفتی باید تشویقش کنند.

آقای توکلی ادبیات فارسی درس می‌داد. راستش را بگویم، خوب درس می‌داد، بد نبود. ولی خوب بچه‌ها سر کلاسش حال نمی‌کردند. یعنی بگو و بخندش کم بود. بچه‌ها سر کلاسش نه خواب بودند و نه سرحال. شاید باورش برای شما سخت باشد، اما نکته‌ی جالب توجه این بود که نمرات بچه‌ها هم در درس ایشان کاملاً متوسط بود! نه خیلی بالا و نه خیلی پایین.

چهره‌ی او هم عادی بود. نه زشت بود و نه زیبا. نه اندام ورزشی داشت و نه هیکل به هم ریخته. آن موقع بچه‌ها به این چیزها خیلی دقت می‌کردند. نه خوش‌لباس بود و نه بدلباس. تکیه کلامی هم نداشت که دست بگیریم و برایش ماجرای بسازیم. رزمنده هم که نبود که برای خودمان قهرمانش کنیم. نه چیزی تعریف می‌کرد، نه کسی دیده بودنش و نه کسی به عنوان رزمنده می‌شناختش.

راستش را بگویم و خلاصه بگویم: از او نه زمان می‌آمد و نه برایش غش و ضعف می‌رفتیم. معمولی بود؛ به شدت معمولی. یادم می‌آید، یکی از جمعه‌های اردیبهشت ماه بود که می‌خواستیم دسته‌جمعی برویم اردوی یک روزه‌ی جاجرود. آن موقع‌ها جاجرود خیلی از الان برابتر بود و صفای بیشتری هم داشت. اردوی دانش‌آموزی هم که خودتان بهتر می‌دانید، در بیابان هم که برگزار شود، برای بچه‌ها باصفاست؛ مخصوصاً که یک عده‌ای از ما پای ثابت اردوها بودیم و یک اردوی بیرون مدرسه، برایمان معادل با هزار روز مدرسه.

ایام، ایام هفته‌ی معلم بود و قرار بود که مدرسه سنگ‌تمام بگذارد. شایعه شده بود همه‌ی معلمان می‌آیند بساط پذیرایی هم به نحو احسن برقرار بود. طبیعی بود که در این شرایط، دانش‌آموزان هم به وجد بیایند و قرار بگذارند که آن روز همگی درس و کار و خانواده را کنار بگذارند و بیایند. حتی برای آن‌جا برنامه داشتیم که جشن بگیریم و به معلمان هدیه بدهیم و بساط مسابقه راه بیندازیم. قلب‌ها همه می‌تپید.

جمعیتی بودیم برای خودمان! از چند روز قبل چندین جلسه گذاشته بودیم برای هماهنگی؛ هم بین خودمان و هم با معلمان که چه بیاوریم و چه بکنیم و کی برویم و ...

صبح زود با چهار تا اتوبوس راه افتادیم و حدود ساعت ۱۰ رسیدیم به انتهای مسیر ماشین‌رو و همگی با کلی بار و بندیل پیاده شدیم تا بقیه‌ی راه را پیاده برویم. قرار شد در یک ستون حرکت کنیم و معلمان هم بین بچه‌ها باشند. آقای حسینی، مدیر مدرسه، برایمان توضیح داد که تعدادمان زیاد است و مسیر هم در بعضی نقاط بسیار باریک. از همه





با جریان آب به دنبال دانش‌آموزی رفت که در آب افتاده بود. حدود سی متر جلوتر از ما، رودخانه و راه به سمت چپ می‌پیچیدند و طبیعی بود که بعد از لحظاتی، ما دیگر به پسرک را بینیم و نه آقای توکلی را. ناگهان آقای حسینی را دیدم که فریاد زد: «کسی از خاش تکان نخورد!» و خود از مسیر جاده و کناره‌ی جاده، به دنبال آن‌ها که در آب افتاده بودند، شروع کرد به تویس و پشت سر او هم چند نفر از معلمان دیگر دویدند.

دقایق در وحشت و ناامیدی و بی‌اطلاعی می‌گذشت و معلمانی که با ما بودند، اجازه‌ی حرکت به ما نمی‌دادند. شاید بیست دقیقه طول کشید تا یکی از معلمان برگشت و گفت: «ت رسید بچه‌ها، چیزی نیست. باقری را از آب گرفتم (باقری اسم دانش‌آموزی بود که در آب افتاده بود). چیزی نیست. سالمه، فقط یک کم برسیده. خدا رحم کرد.»

و هرچه ما سوال کردیم، چیز بیشتری دستگیرمان ندادند تا این‌که دوسه نفر معلم دیگری هم که رفته بودند، نادری آمدند. پسرک برسیده بود و رنگ به چهره نداشت، فکر می‌کنم احتمالاً یکی دو لیتر آب هم نوش جان کرده بود. جسمانی سرخ بود، یا از فشار آب یا از شدت گریه. هنوز نفس نفس می‌زد و آرام نداشت. یکی از معلمان می‌گفت که پسرک به یک کنده‌ی شکسته و در آب افتاده گیر کرده و همین بخاش داده است تا آقای حسینی برسد و با زحمت او را از آب بگیرد.

حال پسرک کم‌کم جا آمد و نطقش باز شد. اما از آقای حسینی و آقای توکلی خبری نبود.

- آقا دانشم حقه می‌شدیم، آقا سحشید ما جواسمون نبود، کوله‌بشتی رفت، توش غذای بچه‌ها بود ...

- خوب حالا فدای سرت، تو این کترو بگیر بوفکر غذای بچه‌هایی؟

- آقا ما داشتیم می‌مردیم، آقای توکلی به ما رسید، من رو کشوند به طرف اون چوب بررگه، هلم داد.

- خود آقای توکلی کجاست؟

- رقت آقا ... به خدا نمی‌تونیم کجاش. عنو هل داد، آب خودشو برد.

بعد از مدتی، آقای حسینی از بیخ راه بدیش شد. چند نفر از معلمان به طرفش رفتند و مدتی با هم صحبت کردند. آقای حسینی آمد به طرف ما و گفت: بچه‌ها نگران نمانید الان باید برگردیم، همه باید برگردن، من و دوسه نفر از قانون می‌موسم بریم دنبال آقای توکلی، چیزی نیست، ان سالانه شده برمی‌گردن مدرسه و بعد می‌بین جانه‌تان. آقای ثانی، می‌رحمت شما باقری را برسانید بیمارستان، معاینه بشود، بد نیست ...

خواست یا احتیاط کامل عمل کنند و معلمان را هم بین بچه‌ها قرار داد. آقای توکلی شد سرستون و معلم ورزشمان را گذاشتند انتهای ستون و خود آقای حسینی هم میانه‌ی ستون ایستاد و به راه افتادیم. من هم به عنوان بچه مثبت کلاس سوم، نفر دوم ستون و پشت سر آقای توکلی بودم. شاید شما هم تا به حال در فصل بهار و در اردیبهشت‌ماه به آن منطقه رفته باشید. واقعاً زیباست، دور و برمان همه‌جا سبز بود و بالای سرمان آسمان صاف و یکدست و رودخانه‌ای که در پایین باغمان برآب و پرسرعت جاری بود و دانه‌هایی که عرض مسیر کم می‌شد، می‌خروشید و کف‌آلود می‌شد. آقای حسینی راست می‌گفت: در بعضی قسمت‌ها راه باریک می‌شد و سبب کناره‌ی راه تا لب رودخانه هم نند بود و اگر احتیاط نمی‌کردیم، دیگر خدا باید به دادمان می‌رسید.

شاید نیم ساعتی در همین حال و احوال رفتیم تا ...

من سرستون بودم و خیلی متوجه آن‌چه که اتفاق افتاد، نشدم. بادم می‌آید وقتی سروصدای بچه‌ها بلند شد، برگشتم و دیدم که یکی از بچه‌های کلاس نومی با یک کوله‌بشتی بزرگ در سر تیزی کناره‌ی راه در حال غلت خوردن است. در چشم به هم‌زدنی، پسرک افتاد توی آب رودخانه و شروع کرد به دست و پا زدن. آن‌طور که بچه‌ها بعداً گفتند طاهر! کوله‌بشتی بنده خدا به ساحه‌ی درختی گیر کرده بود و او برای رهاش از ساحه‌ی درخت، فشار زیادی در جهت مخالف آورده بود و همین باعث شده بود با رها شدن کوله‌بشتی، کنترالش را از دست بدهد و بغرد.

برای من که دانش‌آموز سال سوم راهنمایی بودم و برای همه‌ی بچه‌ها، اتفاقی که افتاده بود، وحشتناک بود. نفس همه را در سینه حبس کرده بود. الان که به آن موقع فکر می‌کنم، احساس می‌کنم در آن لحظات شوکه شده بودم و مغرم کار نمی‌کرد. شاید این حالت به همه دست داده بود، چون تا لحظاتی، هیچ یک از معلمان و دانش‌آموزان هیچ کاری نکرد. برای یک لحظه، به سمت آقای توکلی که سرستون بود، چرخیدم و نگاهمان برای کسری از ثانیه درهم گره خورد.

هرگز تا آخرین لحظه‌ی عمر آن لحظه و آن نگاه را فراموش نخواهم کرد.

آقای توکلی کوله‌اش را باز کرد و بدون کلاسی، از کناره‌ی راه سرازیر شد و خود را در آب انداخت و همراه

رشد آموزش
راهنمایی
حاصل

- آقا چی شده؟ آقای توکلی کجان آقا؟

- آقا ما می‌مونیم کمک. شنای ما خوبه.

- آقا همه برگردیم؟ همه چیز که به خیر گذشت.

خلاصه با دردرس همه‌ی ما را برگرداندند. توی راه همه ساکت بودند و به آقای توکلی فکر می‌کردند. البته هیچ‌کدام از ما فکر بدی در مورد آقای توکلی نمی‌کردیم. حداکثر شاید دستش زخم شده یا پایش صرب دیده یا مثلاً چند قلب آب خورده باشد. بیشتر از این را نه می‌توانستیم و نه می‌خواستیم فکر کنیم. از دید ما و در آن سن و سال راهنمایی، معلم موجودی بود قوی و خاص که در برابر حوادث بسیار مقاوم است و گزندی از آسیب حوادث نمی‌بیند. اگرچه آقای توکلی برای ما یک معلم ساده و کاملاً معمولی بود و اگرچه هیچ‌کدام از ما فدایی‌اش نبودیم، ولی به هر حال معلم بود و البته کاری کرده بود که هیچ‌کس دیگر جرئتش را نداشت و نکرده بود.

آن روز به خانه که برگشتیم، دمع بودیم از اردویی که به هم ریخت و نقشه‌هایی که نقش بر آب شد. به هر حال، کاری بود که شده بود و حداقل خوش حال بودیم که تلفاتی نداشتیم. خانواده‌ها دلداریمان می‌دادند و می‌گفتند «الحمدلله که به خیر گذشت. فردا که رفتید مدرسه، همه‌چیز از یادتان می‌رود.» بعداً شنیدیم بعضی خانواده‌ها هم ناراحت شده بودند و خیال داشتند بیایند مدرسه و به خاطر اتفاقی که افتاده بود، مسئولان مدرسه را مواخذه کنند. تهدید هم کرده بودند که دیگر فرزندشان را برای هیچ اردویی نمی‌فرستند.

فردا صبح که راهی مدرسه شدیم، نرسیده به در مدرسه، خشکمان زد. صدای قرآن از بلندگوی مدرسه بلند بود و سر در مدرسه را سیاهپوش کرده بودند. عکس آقای توکلی در میان پارچه‌های سیاه به ما لبخند می‌زد؛ لبخندی کاملاً معمولی. از آن روزها و حال و هوای آن ایام، چیز زیادی یادم نیست. گاهی آدم می‌خواهد چیزهایی را فراموش کند. خاطراتی هست که آدمیزاد در گنج‌های فراموشی می‌گذارد و در آن را قفل می‌کند تا برای همیشه از یاد برود. از یاد نمی‌رود، اما حبس می‌شود و من این قسمت از خاطرات خود را حبس کرده‌ام؛ برای همیشه ...

در شب سوم آن مرحوم و پس از پایان مجلس ختم، آقای حسینی همراه با چند تن از معلمان، به دینس خانواده‌ی آقای توکلی رفتند. همراه ایشان من و چند نفری از بچه‌ها هم بودند. یک خانه‌ی ساده و اجاره‌ای بود در محله‌ی نازی آباد خودمان. همسر آقای توکلی و تعدادی از بستگانش، به پیشوا زمان آمدند. بچه‌ی کوچک آقای توکلی در اغوش مادرش به خواب رفته بود. حرف زدن در آن شرایط خیلی

سخت بود، ولی آقای حسینی شروع به صحبت کرد و از ویژگی‌های آقای توکلی گفت تا رسید به شرح ماجرای آن روز. به این‌جا که رسید، همه ساکت شدند و جلو آمدند تا گوش کنند. آقای حسینی از اول تا آخر ماجرا را گفت و توضیح داد که چه‌طور وقتی آقای توکلی به دانش‌آموز می‌رسد، او را هل می‌دهد به طرف تنه‌ی به آب افتاده‌ی درخت تا در آن گیر کند، اما خودش را آب می‌برد. ساعت‌ها با آدم‌های محلی گشته بودند تا کیلومترها آن طرف‌تر، جنازه‌اش را پیدا کرده بودند که سرش صربه دیده بود ...

در تمام مدتی که آقای حسینی شرح ماوقع را می‌گفت، من گهگاه به چهره‌ی خانم توکلی نگاه می‌کردم تا واکنش او را ببینم. مغموم و بغض کرده نگاه می‌کرد و گوش می‌داد تا این‌که از جایی به بعد، آثار حیرت بر چهره‌اش آشکار شد. شاید آقای حسینی هم متوجه این موضوع شده بود، اما به صحبتش ادامه داد. وقتی رسید به آن‌جا که جنازه را چگونه پیدا کردند، خانم توکلی دیگر طاقت نیاورد و گفت: ببخشید آقای حسینی، فرمودید عباس دنبال دانش‌آموزش برید تو آب؟

- بله، ایشان در یک لحظه و قبل از همه دوید به دنبال

دانش‌آموزی که پرت شده بود و خودش را به آب زد.

- خودش زد به آب؟

- بله چه‌طور؟

- عباس من شنا بلد نبود. هیچ وقت بلد نبود. بعد از اون صدمه‌ای هم که توی جبهه دیده بود، اصلاً نمی‌توانست شنا بکند. نمی‌توانست برود استخر، ولی من می‌دانم که قبل از اون هم شنا بلد نبود.

همه بهتر زده خانم توکلی را نگاه می‌کردند.

- آقای توکلی ... بلد نبود؟ ... پس چرا؟ ... سابقه‌ی حضور

در جبهه هم داشته‌اند؟ صدمه دیده بودند؟

- بله، قبل از ازدواج ما، ظاهراً چهار سالی جبهه بوده.

شیمیایی هم شده بود. قبل از این‌که ازدواج کنیم، به من گفته بود ...





جعفریانی

اقبال لاهوری



در کتاب فارسی دوم شعری با عنوان «شه‌مردان» از محمد اقبال لاهوری آمده است که در آن اقبال به بیانی زیبا حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) را ستوده است. هم بدین مناسبت، هم به سبب فرا رسیدن ۲۲ بهمن، که سالروز انقلاب اسلامی است در این شماره اقبال را به شما همکاران محترم معرفی می‌کنیم.

همان‌طور که می‌دانید محمد اقبال پاکستانی است و با این‌که هرگز ایران را ندید، اشعار بسیاری به فارسی سرود و دیوانی بزرگ پدید آورد. اقبال عشق بسیاری به ایران داشت و همواره در شعرهایش از این سرزمین به نیکی و به گونه‌ای عاشقانه یاد کرده است.

این شاعر و مفکر بزرگ در سال ۱۸۷۷ میلادی (۱۳۲۱ سال پیش) در سیالکوٹ، شهری در پنجاب پاکستان امروز، که در آن زمان قسمتی از هندوستان بود، به دنیا آمد. پدرش مردی سیار متمدن و علاقه‌مند به امور روحانی و عرفانی بود. اقبال نقل کرده است که روزی در حال قرآن خواندن بوده که پدرش به او توصیه‌ای می‌کند و می‌گوید: «فحماً قرآن را طوری بخوان که گویی آیات آن دارد بر خودت نازل می‌شود!»

محمد اقبال استعدادی شگرف در حد توانع داشت. در دانشگاه لاهور فلسفه و ادبیات عرب و انگلیسی خواند و به درجه‌ی استادی رسید. بعد از چند سال به انگلستان و سپس به آلمان رفت و از دانشگاه کمبریج و دانشگاه مونیخ در رشته‌های فلسفه و اقتصاد و حقوق درجه‌ی دکتری گرفت. آن‌گاه به کشور خود - هند - بازگشت و به شغل و کالبد دادگسری مشغول شد.

اسلام

اقبال بنون تردید یکی از متفکران طراز اول عصر جدید اسلامی، یعنی دوره‌ی بیداری مسلمانان است. در واقع او یکی از بیدارگران بزرگ جهان اسلام چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی در عصر انقلاب مشروطه و دکتر شریعتی در عصر انقلاب اسلامی است.

اقبال به قرآن فوق‌العاده علاقه داشت. به پیامبر اسلام عشق می‌ورزید، نسبت به سرنوشت مسلمانان حساس بود و از عقب‌ماندگی آن‌ها همواره تأسف می‌خورد، معتقد بود باید فکر دینی یا اندیشه‌ی دینی در مسلمانان احیا شود و مسلمانان از نو در اسلام بنگرند و آن را احیا نمایند، به مصداق شریفه‌ی قرآن کریم که می‌فرماید: یا ایها الذین آمنوا آمنوا، یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید ایمان بیاورید! این مرد بیدارگر در عین حال بر فساد حاکم بر شاهان و حاکمان کشورهای اسلامی واقف بود و می‌گفت: از این شیوخ و امیران بعید نیست که جبهه‌ی ابودر، یالتوی اویس قرنی، و جادر زهر(اس) و گرامی‌ترین مقدسات را بفروشدند و برای عیش و نوش خود مصرف کنند. او کسی بود که سال‌ها پیش از آن که هند از جنگ استعمار انگلستان رها شود و استقلال خود را به دست بیاورد، فکر تشکیل کشور پاکستان را پیشنهاد داد که این اندیشه بعد از مرگش تحقق یافت.

شاعر ایران دوست

اشاره کردیم که اقبال نه تنها به زبان فارسی شعر می‌سرود بلکه به ایران و ایرانیان نیز بسیار علاقه‌مند بود. مخصوصاً باید اشاره کنیم که او به مولوی بسیار علاقه‌مند بود و در بسیاری از اشعارش به این استوانه‌ی عرفان و تصوف یعنی مولوی، با نام «رومی» اشاره کرده است.

اقبال شعر معروفی دارد خطاب به جوانان ایرانی (عجم) که نشانگر احساسات عمیق او نسبت به روح ایران و باور او به زایایی و شکوفایی جامعه‌ی ایران است. این شعر را در ستون مقابل می‌خوانید، اما قبل آن توجه شما را به شعری که نگارنده در استقبال از همین شعر اقبال سروده است جلب می‌کنیم.

خیر ای اقبال ای جویای دین

شعر نغم خویشت را تعبیر بین

گفته بودی با جوانان عجم

عاقبت خورشید زاید ملک جم

گفته بودی می‌رسد «مردی» ز راه

می‌کند بنیاد دژخیمان تپاه

اری، اینک بین که آن مرد آمده است

در میان بهمن سرد آمده است

مقدمش تکبیر و تهلیل و سلام

بر لبش تنها و تنها یک کلام

«لا» به نمرود و به فرعون و به دیو

«لا» به تزویر و زر و خان و خدیو

شمه‌ای از روح حق همراه او

گام زن در وای و در راه او

اقبال در سن ۶۱ سالگی درگذشت و

در شهر خود لاهور به خاک سپرده شد. وی

چنان آماده‌ی لبیک به ندای حق بود که چند

روز قبل از مرگش سروده بود:

نشان مرد مؤمن با تو گویم

که چون مرگش رسد خندان بمیرد

اینک ابیاتی چند از اشعار او را می‌خوانیم و نخست شعری که بدان اشاره کردیم.

با جوانان عجم

چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما

ای جوانان عجم جان من و جان شما

غوطه‌ها زد در ضمیر زندگی اندیشه‌ام

تا به دست آورده‌ام افکار پنهان شما

مهر و مه دیدم نگاهم برتر از پروین گذشت

ریختم طرح حرم در کافرستان شما

تا لبانتش شعله‌ور گردد فرو پیچیدمش

شعله‌ای آشفته بود اندر بیابان شما

فکر رنگینم کند نثر تهی دستان شرق

پاره‌ی لعلی که دارم از بدخشان شما

می‌رسد «مردی» که زنجیر غلامان بشکند

دیدهام از روزن دیوار زندان شما

حلقه گرد من زیند ای بیکران آب و گل

آتشی در سینه دارم از نیاکان شما

میلاد آدم

نعره زد عشق که خونین جگری پیدا شد

حسن لرزید که صاحب‌نظری پیدا شد

فطرت آشفته که از خاک جهان مجبور

خودگری، خودشکنی، خودنگری پیدا شد

خبری رفت ز گردون به شبستان ازل

حذر ای پردگیان پرده‌ری پیدا شد

آرزو بی‌خبر از خویش به آغوش حیات

چشم وا کرد و جهان دگری پیدا شد

زندگی گفت که در خاک تپیدم هم عمر

تا ازین گنبد دبرینه دری پیدا شد

خود را نبینی؟!

بینی جهان را، خود را نبینی

تا چند نادان، غافل نشینی

بیرون قدم نه، از دور آفاق

تو بیش آرزینی، تو بیش آرزینی

جانی که بخشند دیگر نگیرند

آدم بمیرد از بی‌یقینی

صورت‌گری را از من بیاموز

شاید که خود را باز آفرینی

مولوی

ز اشعار جلال‌الدین رومی

به دیوار حریم دل بیاویز

سراپا درد و سوز و آشنایی

وصال او زبان دان جدایی

جمال عشق گیرد از نی او

نصیبی از جلال کبربایی

ز فیض او گرفتم اعتباری

که با من ماه و انجم ساز گردند

خودی تا گشت مهجور خدایی

به فقر آموخت آداب گدایی

ز چشم مست رومی وام کردم

سروری از مقام کبربایی

اگر بخواهید از نقطه نظر «علوم اجتماعی» پاسخی برای مقولات زیر بیابید، چه خواهید گفت؟! راز و رمز موفقیت یک معلم، بهترین شیوه‌های ارزش‌یابی در کلاس، راه‌های رفع مشکلات دانش‌آموزان به‌ویژه دانش‌آموزان بی‌انگیزه و مهم‌تر از همه، نحوه‌ی تقویت تکرش خلاق و نوآور.

با نیم‌نگاهی به گزارش زیر می‌توانید پاسخ‌های خود را با جواب‌های معلمان نمونه‌ی کشوری علوم اجتماعی سال ۸۸ مقایسه کنید. نتیجه هر چه باشد، حتماً در یک نقطه با یکدیگر اشتراک نظر خواهیم داشت و آن: «اهتمام همه‌ی معلمان است که با حداقل سرمایه، اما حداکثر همت و فداکاری و روشن‌اندیشی، قصد شکوفاتر کردن تفکرات خلاق و نوآور را دارند تا سنگ بنای ایرانی توسعه یافته را بنیان نهند. پس نوسه بر دبستان هادی معلمانی که نونهالان امروز را به نیروهای انسانی خلاق فردا بدل می‌کنند.

سید مظفر دانش

استان کهگیلویه و بویراحمد

آقای سید مظفر دانش، متولد سال ۱۳۲۷، مترجم کارشناسی علوم اجتماعی دارد و ۲۲ سال در آموزش و پرورش خدمت کرده است.

وی با ذکر این نکته که برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان، باید اول افکار آن‌ها را بسناسیم، در این باره می‌گوید: «با طرح سؤالاتی مانند: چه چیزهایی شما را خوش‌حال می‌کند، چه چیزهایی شما را غمگین می‌کند، چه چیزهایی در شما ترس به وجود می‌آورد... می‌توانیم تا حدی به افکار دانش‌آموزان پی ببریم و پی بردن به افکار دانش‌آموز، شروع ایجاد انگیزه است.

راه دیگر این است که دانش‌آموزان را به مثبت‌اندیشی عادت دهیم. اولین قدم برای ایجاد مثبت‌اندیشی، این است که به آن‌ها بیاموزیم تا در دفتر خود، کتاب، روی کیف و... این جمله را بنویسند که «خدا یا من است». با تکرار ریایی، این جمله به درون آن‌ها راه پیدا می‌کند و گاهی به سمت مثبت‌اندیشی برمی‌دارند.»

این معلم نمونه‌ی علوم اجتماعی، با اشاره به این که هر رفتار دانش‌آموز، نتیجه و تفسیر محیط خانواده، جامعه، مدرسه و شخص است، در خصوص رفع مشکلات رفتاری دانش‌آموزان بیان می‌کند: «مشکلات رفتاری دانش‌آموزان را باید به وسیله‌ی تعامل با سه حوزه‌ی مذکور رفع کرد به نظر من. اولین اقدام، ایجاد ارزش‌یابی مثبت از دانش‌آموز توسط خود اوست. وقتی دانش‌آموز تصور کند که مثلاً نمی‌تواند در درس ریاضی نمره‌ی خوبی بگیرد، من دانش‌آموز سبلی هستم، من برای کارهای بزرگ ساخته شده‌ام و خود به خود به سمت کارهای کوچک‌تر می‌روم یا تمرین و تکرار کارهای مثبت و دادن مسئولیت‌ها و رفتارهایی که به واکنش‌های قوی و مثبت بیان دارند، می‌تواند در آن‌ها تغییر رفتار را به سمت رفتار مثبت مشاهده کرد.»

او با بیان این موضوع که شیوه‌های ارزش‌یابی باید از متن و هسته‌ی اصلی شیوه‌های تدریس معلم نشت نکند، می‌افزاید: «با توجه به این که بنده از شیوه‌های تدریس مشارکتی و تعمقی استفاده می‌کنم، روش کارم در طول سال چنین است:

۱. از ابزارهایی نظیر ابزار پوشه‌ی کار برای هر دانش‌آموز استفاده می‌کنم.

۲. پروژه‌ها و تحقیق‌های فردی و گروهی تعیین می‌کنم. به این شکل که هر درس را به عنوان تحقیق انتخاب می‌کنم و در جلسه‌ی آینده، دانش‌آموزان باید در روابط به موضوعات مرتبط با موضوع و عنوان کتاب و نه از خود کتاب، تحقیق انجام دهند. بعد نمره‌ی خاصی را در پوشه‌ی آن‌ها ثبت می‌کنم.

۳. همدرس توسط گروه‌های درسی داخل کلاس ارزش‌یابی می‌شود (هر گروه از گروه دیگری) از برگه‌های ثبت مشاهدات استفاده می‌کنم.

خودارزیابی گروهی و فردی داریم. نه این بریبه که دانش‌آموزان تمام مراحل طراحی سوالات، یازمندی، اجرا و تصحیح از منون را با راهنمایی دیر و بنون دخالت مستقیم و انجام می‌دهند.

محمد رضا فتحی

استان مرکزی

آقای محمد رضا فتحی، متولد سال ۱۳۳۸، کارشناس ارشد علوم اجتماعی است و ۱۸ سال در آموزش و پرورش سابقه‌ی کار دارد.

این معلم نمونه‌ی علوم اجتماعی، در رابطه با عوامل موفقیت معلمان می‌گوید:

«معلم از روزی که وارد حرفه‌ی معلمی می‌شود، به دلیل ماهیت حساس شغلی اش، همواره زیر نظر دبیران جامعه قرار دارد.

فاطمه خرقانیان

گفت‌وگو با معلمان نمونه‌ی کشوری در رشته‌ی علوم اجتماعی

سرمایه‌های تربیتی



آقای دانش
برای ایجاد انگیزه در دانش آموزان باید افکار آن‌ها را بشناسیم



آقای فتحی
اصلی‌ترین عاملی که می‌تواند در مقابل موج گسترده‌ی آسیب‌های اجتماعی بایستد و جامعه را مصون بدارد، معلم است

مدارس پرداخته نشده است. مهاجرت از روستا و مناطق محروم به مناطق برخوردار در جریان است. بسیاری از مدارس روستایی که در سال‌های گذشته تأسیس شده‌اند، خالی مانده و رو به تخریب رفته‌اند و در شرایطی که کلاس‌های شهری بیش از ۴۰ نفر دانش‌آموز دارند، به دلیل کمی جمعیت در مناطق محروم، کلاس‌ها با پنج شش دانش‌آموز تشکیل می‌شوند. من خودم چند سالی در مناطق محروم تدریس و شرایط بسیار سختی را سیری کرده‌ام؛ گاهی به قدری هوا سرد و بارش برف شدید بود که جاده‌ها بسته بودند و من دو سه روز غذایی برای خوردن نداشتم. حتی یکی از همکاران ما متأسفانه در اثر سرمای شدید جان سپرد.

وی در پایان می‌گوید: «من همواره زیر پرده‌های امتحانی می‌نویسم که به دنبال هر سختی، آسانی هم هست. در واقع این پیام را به دانش‌آموزانم می‌رسانم که از تلاش کردن و سختی کشیدن نهراسند.»

نیره صباغ‌زاده استان آذربایجان غربی

نیره صباغ‌زاده، متولد سال ۱۳۴۱ است. لیسانس علوم اجتماعی دارد و ۲۶ سال سابقه‌ی خدمت در آموزش و پرورش، او معتقد است: «معلم مسئولیت هدایت و روشنگری دیگران را برعهده گرفته و وظیفه‌ی خطیری را پذیرفته است. هم‌چون شمع است که ظلمتکده‌ای را به نور تلاش خود منور می‌سازد و تداوم بخش راه انبیاست. بنابراین، هنگامی عملش مورد پسند خدای متعال قرار می‌گیرد که به عروج ارواح پاک انسانی به ملکوت اعلا منتهی شود و تملین انسانی را به والاترین معنای آن ارتقا دهد.» به اعتقاد خانم صباغ‌زاده، در دوره‌ی راهنمایی، معلم باید کامل‌کننده‌ی اهداف دوره‌ی ابتدایی و هدایتگر دوره‌ی دبیرستان باشد. بنابراین، از مسئولیت ویژه‌ای برخوردار است و باید بکوشد تا دانش‌آموزان توجوه‌ی جوان، در گذر از این برهه‌ی حساس، دچار ضعف و تزلزل نشوند و با اراده‌ای محکم و عزمی راسخ این دوره را که در واقع دوره‌ی هدایت و راهیابی شناخته می‌شود، پشت سر بگذارند.

وی به برخی از مشکلات معلمان اشاره می‌کند و می‌افزاید: «مهم‌ترین مشکل معلمان، محتوای کتاب‌های درسی است که مانند زنجیری، با کمک مقررات دست و پاگیر اداری، سد راه معلمان شده و اجازه‌ی بروز و ظهور خلاقیت، ابتکار و نوآوری آموزشی را از معلمان و دانش‌آموزان

لذا باید با کسب مهارت و تخصص در ابعاد گوناگون، حرکت هم‌اوری با فناوری روز جهان و اطلاع از مسائل علمی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی محیط پیرامونش، همواره با دست بر به کلاس برود و کاملاً به شرایطی که محصلان در آن زندگی می‌کنند، واقف باشد. معلم نمونه، باید به گرفتاری‌ها و بحران‌های روحی محصلانش مسلط باشد و تفاوت‌های فردی را درک کند. بنابراین، دستگاه متولی امر آموزش موظف است با اتخاذ راهکارهای مدرن، معلم را در مسیری هدایت کند که به علم‌اندوزی و کسب مهارت‌های حرفه‌ای و اطلاع از آنچه در محیط پیرامونش می‌گذرد، تشویق شود. معلم موفق، معلمی پژوهشگر است.»

آقای فتحی، علت بی‌انگیزگی برخی معلمان را دو عامل بیرونی و درونی می‌داند و در این باره می‌افزاید: «عامل درونی، از روحیه و انگیزه‌های فردی به‌وجود می‌آید، در این شرایط، فرد احتمالاً شغلی را انتخاب کرده است که با روحیات و منش و شخصیت سازگار نیست. زیرا معلم باید فشار روحی زیادی را در طول کار خود تحمل کند که به لحاظ سختی و مشقت، با بسیاری از مشاغل قابل قیاس نیست. عامل دوم، بیرونی است و می‌توان آن را به موقعیت و منزلت اجتماعی او مربوط دانست. اگر به دلایلی منزلت اجتماعی معلم خدشه‌دار شود، او دچار بی‌انگیزگی می‌شود.»

اصلی‌ترین عاملی که می‌تواند در مقابل موج گسترده‌ی آسیب‌های اجتماعی بایستد و جامعه را مصون بدارد، معلم است. در این راستا که معلمان در قالب آموزش و پرورش، نقش مهمی ایفا خواهند کرد. اگر امروز خانواده‌ها از گسترش اعتیاد، طلاق و الکلیسم در رنج هستند، یکی از عواملش را باید بی‌توجهی به نقش معلم بدانیم.»

او مشکلات مناطق محروم را ناشی از مشکلات بیرونی انسانی و سخت‌افزاری می‌داند و در این باره می‌افزاید: «در مناطق محروم، چنان که باید و شاید، به تجهیز سخت‌افزاری



خانم صباغزاده
متأسفانه کلاس‌های
ما شاد نیستند.
دانش‌آموزان در
کلاس احساس در
قفس بودن دارند



خانم مسروریان
یک جنبه‌ی مهم
خلاقیت، ترسیدن از
شکست است



رشد آموزش
زاهایی
تحصیلی

گرفته‌اند. دانش‌آموزان نیز با خواندن این کتاب‌ها، عملاً هیچ مهارتی برای زندگی اجتماعی کسب نمی‌کنند و سردرگم در وادی کتاب‌ها دست و پا می‌روند»

خانم صباغزاده با تأکید بر لزوم فراهم کردن فضای شاد در کلاس‌های درس می‌گوید: «متأسفانه کلاس‌های ما شاد نیستند. دانش‌آموزان در کلاس احساس در قفس بودن دارند. لذا پس از پایان ساعت درسی، با سرعت از کلاس و مدرسه فرار می‌کنند و معمولاً با اشتیاق به مدرسه نمی‌آیند. معلم برای ایجاد کلاسی صمیمانه و دل‌بستد دانش‌آموزان، بهتر است مثل بچه‌ها شود. خود را از دانش‌آموزان باند و فاصله‌اش را با آن‌ها کم کند.»

ایشان با بیان این که هرگز در زندگی تحقیق و پژوهش را رها نکرده‌ام، اظهار می‌دارد: «پژوهش‌کننده‌های تعلیم و تربیت برایم مفید بوده‌اند و شخصی که به تحقیق و پژوهش علاقه داشته باشد، می‌تواند از این مزاگر بهره بگیرد. البته در کل، اداره‌ی آموزش و پرورش از تحقیقات معلمان استقبال و به آن‌ها رسیدگی نمی‌کند؛ طوری که معلم برای پیشبرد کار و معرفی تحقیقاتش، باید مرتب پی‌گیری کند و این کار با سختی‌های فراوان همراه است.»

خانم صباغزاده امینوار است. مسئولان آموزش و پرورش از تحقیقات و پژوهش‌های معلمان بیشتر حمایت کنند. زیرا از نظر او، معلمی که خود تفکر خلاق و پژوهش‌دار دارد قادر خواهد بود دانش‌آموزانی پژوهشگر تربیت کند.

مژده مسروریان استان بوشهر

مژده مسروریان متولد ۱۳۵۲ است. مدرک کارشناسی مطالعات اجتماعی و ۱۷ سال سابقه‌ی کار در آموزش و پرورش دارد.

به اعتقاد خانم مسروریان، یک جنبه‌ی مهم خلاقیت ترسیدن از شکست است. او درباره‌ی چگونگی ایجاد خلاقیت در دانش‌آموزان می‌گوید: «برای ایجاد خلاقیت، ابتدا باید به سن، هوش، تخصص، محیط خانواده یا محیط عملی، تان، میزان رفاه اجتماعی، و از همه مهم‌تر، استقبال و واکنش اطرافیان نسبت به عمل خلاق و نگرش دانش‌آموز توجه شود. راهکارهای عملی من برای مسائل فوق عبارت‌اند از:

۱. دانش‌آموزان را تشویق کنیم که اندیشه‌های خود را به صورت نظام‌وار بیازمایند. هم‌چنین، کار با اجسام و اندیشه‌ها را تشویق کنیم؛
۲. یادگیری خودانگیزنده؛ تقویت کنیم؛
۳. به آن‌ها یاد دهیم که هرچه را می‌بینند، یادداشت

و سپس آن را ترکیب کنند؛

۴. شعر با داستانی را در اختیار آن‌ها قرار دهیم و بخواهیم یا با آن را جنس برسند؛
۵. به آن‌ها نشان دهیم که فکر و تفکر نشان دارای ارزش است؛
۶. غرض‌مندی مصاحبت با افراد خلاق را برایشان فراهم کنیم و...
۷. از اعمال مفرقات و انضباط فوق‌العاده شدید بپرهیزیم.

خانم مسروریان هم‌چنین درباره‌ی چگونگی نحوه‌ی عملکرد معلمان در مواجهه با دانش‌آموزان بی‌انگیزه می‌افزاید: «مانع اساسی بر سر راه خلاقیت و انگیزه در دانش‌آموزان، تغییر نحوه‌ی نگرش و تفکر آن‌ها از خودشان است (مانند: من ابتکار ندارم، من به جز کارهای عادی، کاری بلد نیستم و...) برای تغییر چنین نگرش‌هایی، باید با بالا بردن رشد خودبنداره، به آن‌ها کمک کنیم. این کار با ارائه‌ی مسئولیت و فراهم کردن اسباب و لوازم مورد نیاز آن میسر خواهد شد. موارد عملی که می‌توان در این باره ذکر کرد، عبارت‌اند از:

۱. در کلاس درس فضایی ایجاد کنیم که دانش‌آموز احساس کند مورد حمایت قرار دارد.
۲. احساس نیاز به درس را در دانش‌آموز شکل دهیم به او یادآوری که مطالعه تلاش و آموزش او، چگونه در حال و وضعیتش تأثیر مثبت دارد.
۳. کلاس را با نشاط و سرزنده نگه داریم تا از افت انگیزه‌ی دانش‌آموزان جلوگیری شود.
۴. اعتماد کلاس را به دست آوریم. برای این کار می‌توانیم از دقت در تهیه‌ی مطالب آموزشی، جلدی بودن در کار، استفاده از تکنیک‌های صحیح آموزشی و متصفانه عمل کردن بهره بگیریم.

وی با ذکر این نکته که در روش‌های ارزش‌یابی، گرفتن آزمون امری اجباری است، می‌افزاید: «یادگیری بدینده‌ای کاملاً فردی است و افراد نیز بدون شک توانمندی، هوش، ابتکار، خلاقیت، تلاش و... یکسانی ندارند. بی‌بردن به این تفاوت‌های فردی، برای دبیران از اهمیت زیادی برخوردار است و تنها ابزار موجود برای این کار، ارزش‌یابی است. برای آن که دبیران بتوانند به شکل مناسب این‌گونه‌های شاگردان و دبیران تحقق هدف‌های آموزش در کلاس درس را در یک ساعت، با یک ترم و با در عرض یک سال تحصیلی بسنجند، باید از ابزارهای سنجش تحصیلی و به خصوص آزمون بهره بگیرند. برای استفاده‌ی مناسب از آزمون‌ها (نست، جای خالی، جور کردنی و...) لازم است درباره‌ی انواع و نحوه‌ی تهیه و به کارگیری آن‌ها، اطلاعات و مهارت‌های لازم را کسب کرده باشند. البته امروزه ارزش‌یابی توصیفی (کیفی) جای‌گزین مناسبی برای ارزش‌یابی کمی شده است»

اسماعیل

هدیه‌ای برای انقلاب اسلامی

علی اصغر جعفریان

کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش

سه دهه از انقلاب اسلامی بزرگ کشورمان می‌گذرد. همه منتظر نوشته شدن رمان‌ها و داستان‌ها در خور شأن انقلاب اسلامی بودیم و این انتظار طولانی شد تا این که رمان «اسماعیل» نوشته‌ی امیرحسین فردی، از راه رسید: رمانی که سال‌ها منتظرش بودیم. اسماعیل رمانی است زیبا، ساده و روان، هنری و جذاب، درست مثل نویسنده‌ی آن. اسماعیل یکی از اولین سنگ بناهای داستان انقلاب اسلامی است.

همان‌طور که می‌دانیم، رمان‌ها معمولاً بر دو پایه‌ی اصلی بنا می‌شوند: حوادث و شخصیت‌ها. «اسماعیل» بی‌شک رمان شخصیت است. حوادثی که اسماعیل با آن‌ها روبه‌روست، نه آن‌قدر مهم‌اند که خواننده را فوق‌زده کنند و نه آن‌قدر عجیب‌اند که شگفت‌زده‌اش سازند.

این سیر زندگی خود اسماعیل است که لابد باید برای خواننده جذاب باشد و کشمکش خودش یا خودش. اسماعیل بچه‌ی تهران است؛ بچه‌ی جنوب شهر. کمی شر و شور و اندکی متفاوت با دیگر هم‌سالانش. پدرش را در کودکی از دست داده است و مادرش با داشتن خواستگاران متعدد، تن به ازدواج نمی‌دهد تا با تمام بضاعتش، در حق بچه‌اش هم مادری کند هم پدری.

اسماعیل در بوجوانی از درس بیزار می‌شود و به‌رور پایه‌ی ششم ابتدایی را تمام می‌کند. بعد به سبب گوشه‌گیری و سر به راهی، سر از قهوه‌خانه درمی‌آورد. چند سالی را به بیکاری و بطالت سپری می‌کند تا این که به مدد یک قاچاقچی، به استخدام بانک شاهی درمی‌آید. وضع خانواده را سامان می‌بخشد و به دختری از محله‌های مصفا‌ی جنوب شهر دل می‌بندد؛ عشقی که جنبه‌ی اثیری‌اش تا لحظات پایانی همراه مخاطب خواهد ماند.

بعد از چند سالی که اسماعیل به عنوان کارمندی جز در نظام اداری مالی رژیم شاه خدمت می‌کند و درست در جایی که خواننده فکر می‌کند زندگی شیرین می‌شود، همه چیز به هم می‌ریزد. او با کششی که در خود به سوی معنویات حس کرده است و اتفاقات ریز و درشتی که برایش می‌افتد، خود را هم از خدمت در بانک شاهنشاهی محروم می‌کند و هم از مهر دختری که عاشق‌اش شده است.

سبب سرخ زندگی اسماعیل صنوبری، در چرخ دوار خود به مسجد کشیده می‌شود و به کتاب‌خانه‌داری و بعد از آن به مدیری قرض‌الحسنه می‌رسد و در مسیر انقلاب اسلامی، برخلاف منش‌های غالب روزگار خود، به روحانیت متمایل می‌شود. داستان با رسیدن به سال‌های ۵۵ و ۵۶ به پایان نزدیک می‌شود، ولی به اتمام نمی‌رسد.

اسماعیل رمانی است که در آن مؤلف به شناخت زیبایی‌های زندگی پرداخته است. در واقع، رمان اسماعیل داستانی است که زندگی در آن موج می‌زند.

عنوان کتاب: اسماعیل
نویسنده: امیرحسین فردی
ناشر: نشر سوره‌ی مهر
نوبت چاپ: چاپ دوم
قیمت: ۲۷۰۰ تومان



به روز رسانی وبلاگ

کلید واژه‌ها: به روز رسانی، وبلاگ آموزشی، جهانی شدن

اشاره

در شماره‌ی قبل با روش ساخت وبلاگ آشنا شدیم. البته همان طور که قبلاً هم اشاره شد، ما یکی از سایت‌های سرویس دهنده‌ی وبلاگ را انتخاب کردیم و روش ساخت وبلاگ را در آن توضیح دادیم. اما سایت‌های دیگری هم وجود دارند که می‌توانند به شما سرویس دهند و روش ساخت وبلاگ در آن‌ها نیز بسیار شبیه به روشی است که در شماره‌ی قبل گفتیم.

سفرهای درون شهری و بیرون شهری زائد و از طریق اسباب کار خود را جلو ببرید. حتماً ملاحظه کرده‌اید که اطلاعات اخیر بسیاری از این سایت‌ها بسیار قدیمی و فاقد اعتبارند و شاید برای شما هم پیش آمده باشد که بر اساس محتوای سایت برای انجام کاری مشارک مورد نیاز را فراهم می‌کنید و حتی معنی را نسبت دریافت خدمات به حساب اعلامی آن اداره و ازین می‌کنند. اما وقتی به اداره مراجعه می‌کنید، از مسئول مربوطه می‌شنوید که این شماره حساب عوض شده و باید به فلان شماره حساب پول را و ازین می‌گردید. وقتی هم که اشاره می‌کنند، سایت اداره‌ی شما این گونه امداد است، پاسخ می‌شود که آن اطلاعات قدیمی است، شما باید به ما مراجعه می‌کردید!

خلاصه‌ی کلام آن که آماده‌سازی شرایط اولیه برای انجام یک کار، خصوصاً در زمینه‌ی فناوری اطلاعات، کار آسانی است، اما ندانم و استفاده‌ی درست و بهینه از این امکانات، بسیار مهم و آسانی است.

در حوزه‌ی وبلاگ‌نویسی، صداها هزار وبلاگ در اینترنت وجود دارد که صاحبان آن‌ها بر اساس کنجکاوی و یا شوق و ذوق داشتن وبلاگ، آن را ایجاد کرده‌اند و برای بازه‌ی کوتاه هم در آن مطلب نوشته‌اند. اما در نهایت آن را رها کرده‌اند، شما در مراجعه به آن وبلاگ بعضاً مشاهده می‌کنید که آخرین مطلب وارد شده، به سه چهار سال پیش مربوط است.

اما در مقابل وبلاگ‌هایی داریم که به صورت روزانه، هفتگی و یا ماهانه به روز می‌شوند و قدرت فلم و نگاه نویسنده‌ی آن باعث شده است که آن وبلاگ، حتی شهرت جهانی پیدا کند. وبلاگ‌هایی زیادی با این مختصات در اینترنت یافت می‌شوند.

شما اکنون صاحب یک کلاس و مدرسه‌ی محتری شده‌اید که می‌تواند با ارائه‌ی خوب مطالب در آن، صداها و شاید هزاران شاگرد را در مدرسه‌تان جمع کنید. اما باید به نکته‌ی بسیار مهمی دقت کنید. شما هم مانند بسیاری دیگر، گرفتار آن نشوید. وقت بصر بزرگی که کشور ما در حوزه‌ی فناوری اطلاعات ندان گرفتار است، این است که ما در توسعه‌ی سخت‌افزاری و آماده‌سازی زیرساخت‌های مورد نیاز، بسیار فعال و پیشرو هستیم، امروزه در هر اداره و سازمانی که پا بگذارید، در هر اتاقی راننده و پرستار و آشپز و... جزو ملزوماتی است که باید وجود داشته باشد. در بسیاری از ادارات، امکان دسترسی به اینترنت برای کارمندان فراهم شده است، اما غالباً این صاحب‌فراها با جنبه‌ی زیباییات و دکور دارند و با صرفاً برای انجام امور روزمره‌ی اداره مصرف می‌شود، زمانی اینترنت سر در ایران از این قاعده مستثنا نیست.

در حال حاضر، دانش یک وب‌سایت و هزینه‌ی کوشش برای ایجاد آن، برای همه‌ی ادارات و نهادهای دولتی و غیردولتی امری عادی است و گاهی دیده می‌شود که برای راه‌اندازی و نگهداری یک ساله‌ی هر وبسایت، چند ده میلیون تومان هزینه می‌شود. در حالی که مسأله‌ی اصلی و اساسی بسیاری از این وبسایت‌ها هیچ وجه قابل استفاده و اعتماد نیست. برای مثال فرض کنید شما برای گرفتن فلان مجوز از یک اداره، یا باید یک بار به صورت حضوری مراجعه کنید و از شرایط و نیازمندی‌ها مطلع شوید و پس از آماده‌سازی مشارک، دوباره به آن اداره مراجعه کنید و با این که به وبسایت آن اداره سربرید، اگر شما جزو دسته‌ی دوم باشید که می‌کشید بدون انجام



برای مثال بد نیست به وبلاگ یک همکار که کار وی شهرت جهانی پیدا کرد و وبلاکش جزو وبلاگ‌های برتر دنیا شناخته شد اشاره کنیم:

شاید نام کوچک‌ترین مدرسه‌ی دنیا را که در بوشهر واقع شده است، شنیده باشید. مدرسه‌ی جمال‌آباد کالو یا چهار دانش‌آموز و سرباز معلم آن یعنی عبدالمحمد شعرانی، اکنون شهرت جهانی پیدا کرده است. قصه از آن‌جا شروع می‌شود که عبدالمحمد شعرانی، سرباز معلم جوانی که به کار و حرفه‌ی معلمی علاقه‌مند است و با حوزه‌ی وبلاگ‌نویسی هم آشناست، به این روستا می‌رود و مدیریت و معلمی این مدرسه و چهار شاگردش را می‌پذیرد. عبدالمحمد از همان روزهای ابتدایی حضورش، خاطرات خود از مدرسه و بچه‌ها را در وبلاکش می‌آورد. کم‌کم این نوشته‌ها مورد توجه برخی از وبلاگ‌نویسان دیگر قرار می‌گیرد. این وبلاگ از کشورهای گوناگون خواننده دارد و هنر عبدالمحمد در نگارش مطالب آن باعث شد، وبلاگ او مقام دوم جهانی را کسب کند. از طرف دیگر، یادداشت‌های روزانه‌ی عبدالمحمد، امکانات برق، آب، تلفن، جاده و... را برای این روستا به ارمغان آورده است.

وبلاگ عبدالمحمد با آدرس

<http://www.dayyertashbad.blogfa.com>

همه روز مورد بازدید صدها نفر قرار می‌گیرد و عبدالمحمد به عنوان معلم، با وبلاکش توانسته است علاوه بر خدمت به شاگردانش در کلاس، خدمات بزرگی برای روستای کالو و استان بوشهر و حتی کشور انجام دهد.

انواع وبلاگ‌های آموزشی و پرورشی

حقیقت این است که هیچ تقسیم‌بندی علمی و پذیرفته‌شده‌ای در خصوص انواع وبلاگ‌ها وجود ندارد و هر کس وبلاگ‌ها را از منظر خود طبقه‌بندی می‌کند ما نیز در این‌جا برای آن که شما با کار کرده‌های وبلاگ بیشتر آشنا شوید، چند دسته از وبلاگ‌های موجود را که در زمینه‌ی آموزش و پرورش کشور فعال هستند، معرفی می‌کنیم:

۱. وبلاگ‌های خبری

وبلاگ‌هایی هستند که نویسنده‌ی آن، اخبار حوزه‌های گوناگون در زمینه‌ی آموزش و پرورش را پوشش می‌دهد. در حقیقت، در وبلاگ‌های خبری، چکیده‌ای از اخبار روز کشور

و یا جهان در زمینه‌ی آموزش و پرورش وجود دارد که در خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های خبری عمومی انتخاب و ارائه می‌شوند.

۲. روزنوشت‌ها

وبلاگ‌هایی هستند که نویسنده‌ی آن به صورت مرتب و معمولاً به شکل روزانه، خاطرات خود از فعالیت در حوزه‌ی آموزش و پرورش را می‌نویسد و در معرض دید و قضاوت خوانندگانش قرار می‌دهد.

۳. آموزش درس‌ها

معمولاً همکاران در دروسی که تخصص دارند و آن را تدریس می‌کنند، وبلاگ‌هایی با موضوع آموزش یک درس خاص راه‌اندازی می‌کنند. مثلاً آموزش درس حرفه‌وفن، علوم تجربی و...

۴. علمی و فرهنگی

برخی از همکاران، وبلاگ‌هایی را راه‌اندازی کرده‌اند که در آن موضوعات علمی و فرهنگی مورد استفاده‌ی مخاطبان خود را ارائه می‌کنند؛ وبلاگ‌هایی که درخصوص شیوه‌های نوین تدریس و یا درخصوص فعالیت‌های پرورشی و تربیتی و به مناسبت‌های گوناگون مطلب ارائه می‌کنند، مثال‌هایی از این دسته‌اند.

۵. مشاوره

برخی از همکاران، خصوصاً کسانی که در حوزه‌ی مشاوره تحصیل می‌کنند و مشغول به کار هستند، با راه‌اندازی وبلاگ‌های مشاوره، به سوالات دانش‌آموزان، اولیا و همکاران خود پاسخ می‌دهند و درخصوص مشکلات تحصیلی و رفتاری دانش‌آموزان، خصوصاً مشکلاتی که جمع زیادی از دانش‌آموزان با آن‌ها مواجه‌اند مشاوره ارائه می‌دهند.

در پایان باید اشاره کرد، دسته‌بندی‌هایی که بدان‌ها اشاره شد، مثال‌هایی هستند که در راه‌اندازی وبلاگ جدید به شما ایده می‌دهند اما شما می‌توانید با توجه به تحصیلات، موضوع و محل کار خود و براساس نیازسنجی از محیط پیرامونی، به راه‌اندازی وبلاگ جدید و با موضوع جدید اقدام کنید، اما نکته‌ی کلیدی را که بدان اشاره شد، هرگز فراموش نکنید: **به‌روز کردن محتوای وبلاگ، بسیار مهم‌تر از راه‌اندازی آن است**

● قدرت قلم و نگاه نویسنده باعث می‌شود که وبلاگ شهرت جهانی پیدا کند

● آماده‌سازی شرایط اولیه برای انجام یک کار، خصوصاً در زمینه‌ی فناوری اطلاعات، کار آسانی است، اما تداوم و استفاده‌ی درست و بهینه از این امکانات، بسیار مهم و اساسی است

بعد از ظهر باید برود سر خط و مسئول خط را مجبور کند که اجازه بدهد او هم مسافر سوار کند، دیگر حوصله‌ی آوارگی برای مسافر تو را می‌را نداشت.

روان‌شناسی که برای تدریس این دوره آمده بود، کنار تخته ایستاده بود و سعی می‌کرد تمرکزش را روی موضوع حفظ کند. فردا برای دفاع از خودش باید به دادگاه می‌رفت. یکی از مشتری‌ها قسم خورده بود که مطب او را تعطیل می‌کند. کاش همان روز پول ویزیت این دیوانه را پس داده بود و این قدر دردسر نمی‌کشید.

آقای سمسارزاده که عینکش را خانه جا گذاشته بود، چند باری چشم‌هایش را تنگ کرد تا شاید بتواند کلماتی را که روی تخته نوشته شده بودند، بخواند. اما باز هم موفق نشد معنی خطوط محو روی تخته را متوجه شود. پیش خودش فکر کرد که اگر به جای تخته‌ی وایت‌برد و ماژیک‌هایی که رنگ آب‌دهن مرده بودند، از همان تخته‌های قدیمی و گچ‌های رنگی استفاده کرده بودند، حالا می‌شد کلمات را از هم تشخیص داد. خط‌کش فلزی را از کیفش بیرون آورد، پشتش را صاف کرد و با دقت لبه‌ی تیز خط‌کش را به گردنش مماس کرد تا از فاصله‌ای که یقه‌ی کت با پشتش پیدا کرده بود، سر بخورد و برود پایین. چند ماه دیگر بازنشسته می‌شد و حالا تنها پنج ساعت تا رسیدن به صد هفتاد ساعت تعیین شده برای افزایش حقوقش

روی در کلاس یک کاغذ چسبانده بودند که با ماژیک آبی رویش نوشته شده بود:

«راهکارهای بهبود رفتارهای هنجار شکنانه‌ی نوجوانان»
 پایین این عبارت، داخل پرانتز آمده بود: «ضمن خدمت»
 تنها سیستم گرمایشی کلاس، یک بخاری قهوه‌ای رنگ بزرگ بود که لوله‌اش با شکستن گوشه‌ای از شیشه‌ی پنجره‌ی کلاس، بیرون رفته بود و از فاصله‌ی میان لوله و شیشه، سوز سردی به داخل کلاس می‌آمد. معلم‌های زن مثل همیشه تعدادشان بیشتر بود و ردیف‌های جلو را پر کرده بودند و مردها که چند نفری بیشتر نمی‌شدند، در ردیف آخر نشسته بودند.

سه تا از خانم‌ها از گوشه‌ی کلاس داشتند با صدای آهسته در مورد جراحی زیبایی با هم بحث می‌کردند. خانم وسطی نوست داشت بداند بهتر است اول عمل ساکشن را انجام دهد یا عمل دماغ را...

یکی از خانم‌ها که درست وسط کلاس نشسته بود، سرش را روی دسته‌ی صندلی گذاشته و خوابیده بود. آهنگ آملن اس‌ام‌اس از داخل یک کیف شنیده شد. در متن آن آمده بود:

«فورمه‌سیزی سوخت مامان، برگشتی کالباس بخر».
 یکی از مردها که دفترچه‌ی اقساطش را درآورده بود و داشت ورق می‌زد، با خودش حساب می‌کرد که امروز

احمد عربلو

عرض شود که:

«ضمن خدمت!»



رشد آموزش
 راهساز
 حمیدی

باقی مانده بود. خط کش چند باری به طبقه‌های چروکی که پشت گردنش تشکیل شده بود گیر کرد، اما بالاخره به نقطه‌ی مورد نظرش رسید و آن قدر با زاویه، خط کش را بالا و پایین برد تا بالاخره خارش بین دو کنش متوقف شد. حال خجسته‌ای بر او مستولی شده بود و سرانجام لبخند رضایت روی لبش نقش بست.

- جناب عالی که انتهای کلاس نشستید، سؤالتون چیه؟... نه شما نه... منظورم با ایشونه...

آقای سمسارزاده ناگهان متوجه شد، تعدادی از خانم‌هایی که در ردیف‌های جلو نشسته بودند، به سمت انتهای کلاس برگشته‌اند و آقای روان‌شناس هم تدریس را رها کرده و صاف دارد به سمت او نگاه می‌کند. خیلی سریع سرش را به دو طرفش چرخاند...

- بله، خود شما که الان سرتون رو چرخوندید رو عرض می‌کنم... همین الان دستتون رو هی بالا و پایین می‌بردید... بله، لطفاً سؤالتون رو بفرمایید!

آقای سمسارزاده که توقع نداشت این‌طور ناگهانی مورد خطاب قرار بگیرد، دستپاچه شد و انتهای خط کش از دستانتش رها شد و پایین رفت. البته بخت با او یار بود که پیراهنش را در شلوارش گذاشته بود و خط کش از پشتش بیرون نیفتاد. در کسری از ثانیه، اولین سؤالی را که به ذهنش رسید، پرسید: چرا نباید بچه‌ها رو بزنیم؟

- خب این سؤال هیچ ربطی به بحثی که داشتیم می‌کردیم نداره، اما چون شما پرسیدید بنده جوابتون رو خواهم داد...

آقای سمسارزاده که توانسته بود به مدد هوش هیجانی بالای خود، از این مهلکه جان سالم به در ببرد، با خیال آسوده تنش را روی پشتی نیمکت رها کرد، اما با فرو رفتن تیزی خط کش در گوشت تنش، متوجه مشکل جدیدش شد. آقای نعمتی که احساس درد شدیدی را در چهره‌ی آقای سمسارزاده تشخیص داده بود، دستش را پشت آقای سمسارزاده کشید و گفت: «چیزی شده، ای بابا، دیسکت از کمربت زده بیرون که... بد قلنج شدی. بزار، الان برمی‌گردونمش سر جاش...» بعد از گفتن این جمله بود که با یک فشار ناگهانی به نوک خط کش، آقای سمسارزاده آن نعره‌ی جگرسوز معروفش را زد.

این فریاد که بلافاصله با خنده‌ی تمامی حاضران همراه شد، یکی از معروف‌ترین حوادث آن سال در منطقه لقب گرفت و تا مدت‌ها نعره و داستان‌سرایی‌هایی که پیرامون علت آن صورت گرفت، موضوع گفت‌وگوهای معلمان بود.

آقای سمسارزاده نیز پس از این اتفاق، دیگر هرگز برای طی آن پنج ساعت باقی مانده از دوره‌اش، در کلاس‌های ضمن خدمت دیده نشد!



آموزش در سرزمین متنوع

ترجمه‌ی طیبه الدوسی

کشور مالزی در قلب جنوب شرقی قاره‌ی آسیا قرار دارد و از دو بخش مالزی شرقی و مالزی غربی تشکیل شده است. ناحیه‌ی غربی شامل ۱۱ استان است و پایتخت «کوالالامپور» نیز در این ناحیه قرار دارد. ناحیه‌ی شرقی شامل دو استان و به صورت جزیره است. بخش غربی، از شمال تا تایلند و از جنوب تا سنگاپور مرز مشترک دارد و چهار پنجم ساکنان کشور را در خود جای داده است. مساحت کشور مالزی ۳۲۸۵۵۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن بالغ بر ۲۴ میلیون نفر است. کشور مالزی سرزمینی با تنوعات گوناگون نژادی، فرهنگی، زبانی و مذهبی است. گروه‌های نژادی عمده در این کشور، مالایی‌ها، چینی‌ها و هندی‌ها هستند و با وجود تنوعات قومی، ادیان متفاوتی چون اسلام، بودا، هندو و مسیحیت در آن ساکن‌اند. طبق قانون اساسی فدرال، دین اسلام مذهب رسمی این کشور شناخته شده است، اما مذاهب گوناگون دیگر در کمال آرامش و صلح، در تمامی نقاط کشور رایج هستند. زبان رسمی این کشور مالایی است، اما از زبان انگلیسی هم به صورت گسترده در محاورات استفاده می‌شود. سایر زبان‌ها مانند مانداریان، تامیل و پنجابی نیز رایج‌اند.

آموزش و پرورش در مالزی

آموزش در مالزی با دوره‌ی پیش‌دستانی برای کودکان چهار تا شش ساله شروع می‌شود و به عنوان مهد کودک در سراسر کشور، توسط دولت و مؤسسات غیردولتی و بخش خصوصی، اداره می‌شود. تمامی مهد کودک‌ها بر نظر آموزش و پرورش قرار دارند تاکید اصلی در این دوره، فراهم آوردن محیطی امن و شوق‌آور برای کودکان است تا آن‌ها را برای ورود به دبستان آماده سازد.

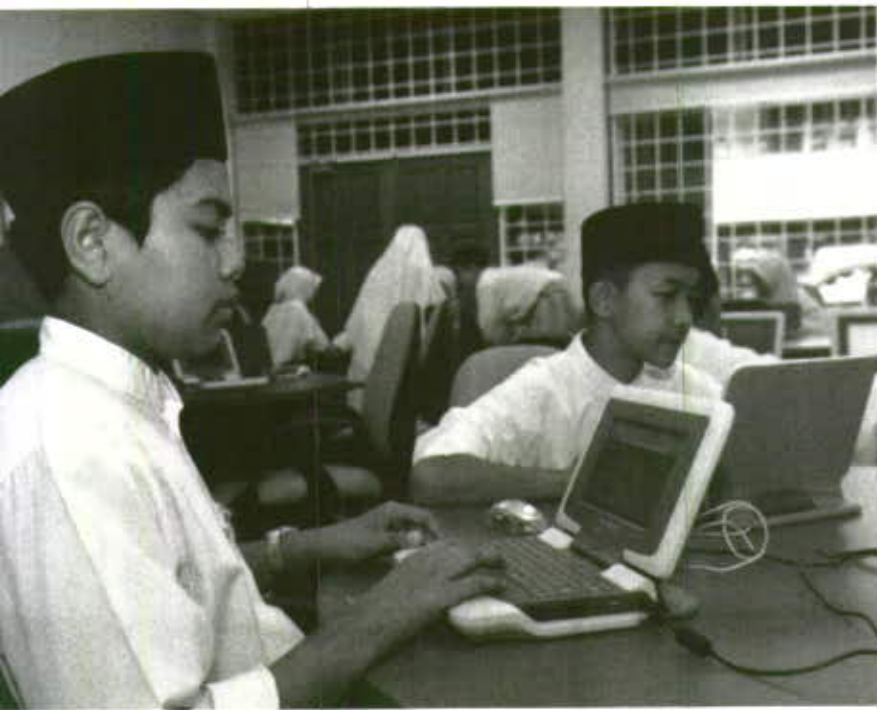
آموزش در مدارس ابتدایی، برای کودکان هفت‌ساله شروع می‌شود. طول دوره‌ی ابتدایی شش سال است و از دو مرحله، پایه‌های اول تا سوم و پایه‌های چهارم تا ششم تشکیل شده است. در مرحله‌ی اول، هدف آماده‌سازی دانش‌آموزان برای خواندن، نوشتن و حساب است و به رشد شخصیت، رفتارها و ارزش‌ها تاکید شده است. در مرحله‌ی دوم آموزش ابتدایی، دانش‌آموزان به تمرین برای کسب دانش و مهارت‌های بنی حرفه‌ای مشغول می‌شوند و در پایان این دوره‌ی شش‌ساله، از طریق امتحان عمومی و متمرکز که آزمون ارزش‌یابی دوره‌ی ابتدایی نامیده می‌شود، ارزیابی می‌شوند.

آموزش متوسطه شامل دو دوره‌ی متوسطه‌ی مقدماتی (دوره‌ی ۳ ساله‌ی راهنمایی، مختص سنین ۱۳ تا ۱۵ سال) و دوره‌ی متوسطه‌ی تکمیلی (دوره‌ی دو ساله‌ی دبیرستان مختص سنین ۱۶ تا ۱۷ سال) است. آموزش متوسطه، در ادامه‌ی آموزش ابتدایی قرار دارد. در این دوره، آموزش هم عمومی است. دانش‌آموزانی که دوره‌ی ابتدایی را در مدارس

متنی می‌گذرانند، بلافاصله وارد دوره‌ی سه‌ساله‌ی مقدماتی متوسطه (راهنمایی) می‌شوند، ولی دانش‌آموزانی که دوره‌ی ابتدایی را در مدارس چینی و نامیلی گذرانده‌اند، باید یک دوره‌ی مبنایی یک ساله را بگذرانند. هدف از این دوره‌ی مبنایی، توانمندسازی دانش‌آموزان در کسب مهارت کافی در زبان «بهااسامالایو» است که زبان اصلی آموزش در دوره‌ی متوسطه‌ی مقدماتی به‌شمار می‌رود. با وجود این، دانش‌آموزان چینی و نامیلی که آزمون ارزش‌یابی پایانی دوره‌ی ابتدایی را در سطح مطلوب بگذرانند، می‌توانند مستقیماً به دوره‌ی سه‌ساله‌ی متوسطه‌ی مقدماتی راه یابند. در پایان این دوره نیز دانش‌آموزان در آزمون ارزش‌یابی پایانی شرکت می‌کنند.

هدف اصلی دوره‌ی آموزش متوسطه، توسعه‌ی هرچه بیشتر استعداد و توان فردی دانش‌آموزان در رفتارهای کل‌نگرانه، تعادلی و مسجحه است. همچنین، از نظر جسمانی، احساسی، روحی و فکری، درصدد تربیت افرادی هماهنگ و متعادل یا استانداردهای والایی معنوی است. برای دستیابی به این هدف، آموزش و پرورش در دوره‌ی متوسطه، باید دانش‌آموزان را در موارد زیر توانمند سازد:

- افزایش مهارت زبانی به منظور برقراری ارتباطات موثر آنان؛
- تقویت قنیت و استعداد در کاربرد زبان بهااسامالایو به عنوان زبان مبنی و رسمی در کسب دانش و تیل به وحدت ملی؛
- تقویت و ارتقای توانایی فکری مناسب با تفکر خلاق، انشادی و عقلی؛



- کسب دانش و پرورش مهارت‌های اصلی و کاربرد آن در زندگی روزانه؛
 - توانایی در توسعه‌ی مهارت‌های همسو با حوزه‌های جدید دانش و توسعه‌ی فناوری؛
 - رشد و توسعه‌ی توانایی‌ها و قابلیت‌ها در جهت توسعه‌ی فردی و جامعه؛
 - رشد عمیق احساس مسئولیت و آمادگی در راه خدمت به میهن و مذهب؛
 - تقویت اعتماد به‌نفس و انعطاف‌پذیری در مقابله با چالش‌ها در زندگی، پرورش رفتارهای خوب و عمل به ارزش‌های اخلاقی؛ تقویت عقاید بنیادی (ایمان به خداوند)؛
 - برخورداری از دانش و آگاهی در خصوص فرهنگ و تاریخ مالزی؛
 - آگاهی از اهمیت سلامت و توجه به حفظ آن؛
 - حب دانش و تلاش در رسیدن به مدارج بالای علمی.
- از جمله مهم‌ترین برنامه‌های آموزشی سطح مقدماتی طی سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۹۷ می‌توان به دروس پایه اعم از زبان باهاسامالایو، زبان انگلیسی، ریاضیات، دروس اسلامی، علوم، مهارت‌های زندگی، جغرافیا، تاریخ، آموزش اخلاقی، آموزش تربیت‌بدنی و آموزش هنر اشاره کرد. در آموزش متوسطه‌ی مقدماتی (دوره‌ی راهنمایی)، دانش‌آموزان، آموزش عمومی را کسب می‌کنند و مهارت‌های اصلی مورد نیاز را برای زندگی و برای این که شهروندانی مفید باشند، افزایش می‌دهند. همچنین، مهارت‌های یادگیری و آموزش پیش‌حرفه‌ای را که در دوره‌ی دبستان کسب کرده‌اند، تقویت می‌کنند. دانش‌آموزان همچنین برای توسعه‌ی علاقه‌ها و استعدادها، فعالیت‌های فردی خود مشارکت می‌کنند. البته تأکید بر توسعه‌ی فردی، نگرش و ارزش‌ها، در سال‌های بعد نیز ادامه دارد. بعد از اتمام سال سوم، دانش‌آموزان در امتحان ارزش‌یابی ملی (نهایی) شرکت می‌کنند. عملکرد دانش‌آموزان در امتحان عمومی سال سوم یا امتحان ارزش‌یابی دوره‌ی مقدماتی متوسطه، گروه تحصیلی آن‌ها را برای دوره‌ی تکمیلی متوسطه مشخص می‌کند که علوم (تجربی یا ریاضی)، علوم انسانی، فنی یا حرفه‌ای است. وزارت آموزش و پرورش این آزمون را برگزار می‌کند.

توسعه‌ی آموزشی در کشور مالزی

از زمان استقلال، کشور مالزی از پیشرفت‌های چشم‌گیری در حوزه‌ی آموزشی برخوردار شده است. برخورداری از ۹۳ درصد باسواد، خود نمودی از پیشرفت کشور در حوزه‌ی آموزشی به‌شمار می‌آید. نرخ ثبت‌نام دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی، بالای ۹۰ درصد است که حدود ۹۲ درصد از آن‌ها به دوره‌ی متوسطه راه می‌یابند. اعمال تغییرات اساسی و پیشرفت‌های گسترده در ساختار حوزه‌ی آموزش، موجب برخورداری کشور مالزی از سیستم یکپارچه‌ی آموزشی با وجود تنوعات نژادی شده است. هم‌چنین، افزایش قابل توجهی در نرخ ثبت‌نامی در کلیه‌ی سطوح آموزشی مشهود است. با وجود پیشرفت‌های به‌دست آمده‌ی مذکور، برای توسعه‌ی آموزشی کشور، قوانین آموزشی مصوب سال ۱۹۶۱ بازنگری شد. قانون بازنگری شده از چشم‌انداز وسیع‌تری برخوردار شده و مؤسسات آموزشی خصوصی، کلیه‌ی سطوح را نیز دربر گرفته است. مطابق این بازنگری‌ها، بخش خصوصی در فراهم‌سازی موقعیت‌های آموزشی ایقایی نقش کرده و عمدتاً به تکمیل تلاش‌های دولت در روند توسعه و پیشرفت آموزشی کشور مبادرت کرده است. به‌طور کلی می‌توان گفت، پیشرفت برنامه‌های آموزشی همگانی در مالزی، مرهون توجه دولت به آموزش و اختصاص بودجه‌های کلان به این بخش است، چرا که بودجه‌های اختصاص یافته به بخش آموزش، در قیاس با بودجه‌های عمومی دیگر، بیشتر است.

هدف، تربیت افرادی هماهنگ و متعادل با استانداردهای والای معنوی است.

مهم‌ترین ویژگی نظام آموزشی مالزی، انعطاف‌پذیری، قابلیت انعطاف و پیش‌تاز بودن و شیوه‌ی بیش‌مداری در عمل است

تربیت و ارتقای شغلی معلمان

سال‌هاست که در کشور مالزی، به سرمایه‌گذاری روی آموزش و ارتقای معلمان، توجه جدی‌گیری شده است. وزارت آموزش و پرورش در آغاز توسعه‌ی نظام آموزشی، بکلیت بخش تربیت معلم ایجاد کرد که مسئول تربیت معلمان در کشور شد. این بخش، چند مدرسه‌ی عالی تربیت معلم را به وجود آورد تا به ارائه‌ی آموزش پایه به معلمان، آموزش ضمن خدمت، دوره‌های کوتاه‌مدت و تشکیل کارگاه‌هایی برای گروه‌های تخصصی بپردازد.

آموزش‌های قبل از خدمت در مدارس تربیت‌معلم همیشه رایگان و برای کسانی ارائه می‌شود که قصد خدمت در مدارس عمومی یا خصوصی را دارند. در این مدارس، ابتدا دوره‌ها در سطح پایه ارائه می‌شد و از سال ۱۹۹۶، برنامه‌های تخصصی را دربر گرفت و بعد هم به ارائه‌ی برنامه‌هایی برای ارتقای مدرک معلمان اقدام کرد. در حال حاضر، برنامه‌های آموزش معلمان، قبل از خدمت در دو سطح ارائه می‌شوند: گواهی مدرس و گواهی تکمیلی برای آموزش. گواهی اول، برای مدرس در مدارس ابتدایی لازم است و گواهی نوع دوم، برای آموزش در دوره‌ی متوسطه، به‌علاوه از آن‌جا که نیاز به افزایش تعداد معلمان فارغ‌التحصیل در دوره‌ی متوسطه افزایش یافته، دوره‌ی ویژه‌ای به‌شمار مشترک با دانشگاه‌های محلی برای معلمان فاقد مدرک در مدارس دولتی، برنامه‌ریزی شده است. کارآموزان یک سال را در مدارس عالی تربیت معلم می‌گذرانند و دو سال دیگر را در دانشگاهی که به آن‌ها مدرک می‌دهد به‌علاوه، مدارس عالی دوره‌ی یکساله‌ی آموزش تخصصی در حوزه‌های گوناگون آموزش و پرورش را برای تربیت معلمانی که حداقل سه سال تجربه‌ی آموزش دارند، شروع کرده‌اند. این مدارس همچنین، دوره‌های آموزشی چهارده هفته‌ای برای معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه گذاشته‌اند تا دانش، مهارت و تدابیری را که برای اجرای اصلاحات برنامه‌ی درسی و نوآوری‌هایی که لحظه به لحظه معرفی می‌شوند، تقویت کنند. البته این دوره‌های اخیر که در برنامه‌ی درسی آموزش معلمان در مدارس عالی گنجانده شده‌اند، کمتر سو در برنامه‌ی هستند.

خط مشی‌ها، اصلاحات و چالش‌های معاصر

طرح توسعه‌ی آموزش و پرورش در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ با اهداف و ارمان‌های خدمتی می‌برای ساختن جامعه‌ای یکپارچه، انعطاف‌پذیر و شایسته همسو شده است تا نوعی اقتصاد دانش‌محور را توسعه دهد. منابع انسانی را تقویت و محیطی نابرابر را حذف کند. هدف غایی این طرح‌های میان مدت و بلندمدت این است که مالزی دولتی کاملاً پیشرفته و مناسی بر الگوی خوب باشد.

در حوز سناپس است که فلسفه‌ی آموزش و پرورش مالزی در حالی که همواره حساس بوده و متناسب با تغییرات و گرایش‌های

جهانی به ویژه در زمینه‌های اقتصاد، آموزش و پرورش و فناوری، گام برداشته است. برای ارتقای میان و سانسکی برده مالزی، یوبایی خود را حفظ کرده است. در فلسفه‌ی جدید، این تصور بیان شده است که نظام آموزشی و پرورش سنی، خلاقیت و نوآوری را در میان دانش‌آموزان پرورش می‌دهد. فرهنگ یادگیری را ارتقا می‌بخشد. فرهنگ علم و فناوری را توسعه می‌دهد. یادگیری مادام‌العمر را ترغیب می‌کند. نوعی آموزش کفیی در سطح جهانی، از بخش و کارآمد فراهم می‌کند و مالزی را به درجه‌ی مرکز آموزشی برتر ارتقا می‌دهد. برای کمک به پیشرفت این طرح‌ها، بر افزایش دست‌یابی و فرصت آموزشی، افزایش عدالت در آموزش، افزایش کیفیت در آموزش از طریق بازنگری برنامه‌ی درسی موجود و به‌روز کردن فناوری آموزشی، و بهبود کارآمدی و اثربخشی آموزشی بسیر تأکید می‌شود. همچنین، نوعی تلاش دسته‌جمعی برای تقویت سنجش‌ها در جهت حمایت از این طرح‌ها با برنامه‌های توسعه‌ای، سرمایه‌گذاری، مدیریت و یکپارچه کردن فناوری اطلاعات و ارتباطات وجود خواهد داشت.

تاکید اساسی در طرح توسعه‌ی آموزشی، بهبود کیفیت آموزشی در مدارس ابتدایی و متوسطه از طریق اجرای سنجش مسد در راستای فراساختاری آموزش و نامین منابع است. یکی از اهداف طرح، ارتقای حداقل ۵۰ درصد از معلمان مدارس ابتدایی به‌عنوان معلمان دانش‌مؤخته تا پایان سال ۲۰۱۰ است. دیگر یکی که برنامه‌ی درسی و کتاب‌های درسی که کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات را با یاددهی و یادگیری تلفیق می‌کنند، بازنگری شوند تمام معلمان مدارس متوسطه تا پایان سال ۲۰۱۰ دانش‌مؤخته خواهند بود و افزایش قابل توجهی در تعداد معلمان موضوعات درسی مهم مانند انگلیسی، علوم، ریاضات و فناوری به‌وجود خواهد آمد.

باید خاطر نشان کرد، از آغاز سال ۲۰۰۳ زبان انگلیسی به‌عنوان زبان آموزش برای بعضی موضوعات درسی مانند علوم و ریاضات، در پاسخ به نیازهای صنعتی و جهانی شدن، دوداره به‌کار گرفته شد.

آموزش در مالزی در طی سح دهه‌ی اخیر دوره‌ی رشد خود را داشته است. هر چند که مناسی به‌منظر می‌رسید به‌انزوا گسسته شده بود، ولی از دهه‌ی ۱۹۸۰ در برابر توسعه‌های جهانی در رشته‌های اقتصاد و آموزش و پرورش، حساس بر و مسئولیت‌پذیر تر شده است. مهم‌ترین این که، این کشور از یادگیری دانش و تجربه‌ای که در جاهای دیگر مفید بوده است و همچنین در پذیرش ایده‌ها برای متناسب سازی محیط، با آموزش باز استقبال کرده است. امروزه، کشور مالزی قادر است به‌طور مؤثری از عهددهی همچوه جهانی شدن، مدرنیزه شدن و فناوری برآید و در واقع از آن بهره‌مند شده است. مهم‌ترین ویژگی نظام آموزشی مالزی، انعطاف‌پذیری، قابلیت تطبیق و پیش‌تاز بودن و شیوه‌ی سبس مالزی در عمل است.

منابع
1. Globalization, Modernization and Education in Muslim Countries, Roshwan Zia-solter, New York, Nova Science Publishers, Inc., 2006
2. <http://www.themalaysia.com/education/pasertic/malay-education-may-growth>
3. <http://www.mamprog.doc.gov/curriculum/2011/HTML>

رشد آموزش
دانشگاهی
حاصلی

گردش علمی

نسرین اربابی

«تعارض جزء لاینفک زندگی روزمره است و اگر اسان به طریقی مثبت و سازنده با آن برخورد کند عاملی برای یادگیری و رشد شخصی می‌شود» (باررگان، ۱۳۷۹).

مدرسه‌ی ما در سال چند بار بچه‌ها را به گردش علمی، سینما و جاهای دیدنی می‌برد و معمولاً بچه‌ها هم علاقه‌مند هستند. بار آخر بچه‌های سوم راهنمایی ناراضی بودند و عقیده داشتند خیلی بد گذشت. من که معلم تاریخ و جغرافی مدرسه هستم، صحبت بچه‌ها را به گوش مسئولان رساندم. دیدم آن‌ها هم از گردش آخر، دل‌خوشی از بچه‌ها نداشتند.

دنیا را محل می‌گشتم. از بچه‌ها خواستم انتظاراتشان را درباره‌ی زمانی که به گردش علمی می‌روند بگویند. همه شروع کردند به با هم صحبت کردن. گفتم: «بچه‌ها یکی یکی دستتان را بلند کنید. من هم نظراتتان را روی تخته می‌نویسم.»
پیشنهادات تکراری و شبیه به هم را پاک کردم و از یک نفرشان خواستم آن‌ها را روی کاغذ تمیز و مرتبی بنویسد تا به اولیای مدرسه بدهم. خواسته‌های بچه‌ها معقول و منطقی به نظر می‌رسید و دست‌یابی به آن‌ها برای مسئولان سخت نبود. مثلاً: اتوبوس نمبر باشد، کولر داشته باشد و وقتی ما را به جای دیدنی می‌برند، یک نفر باشد که برایمان توضیح بدهد. مسئولان مدرسه هم به همین ترتیب انتظاراتشان را از بچه‌ها نوشتند. به این ترتیب، هر دو گروه معترض دانش‌آموزان و اولیای مدرسه، با هم به تفاهم رسیدند. بدون این که کسی بازنده و دل‌خور شود.

در چنین رابطه‌هایی، بچه‌ها با ابراز نیازها و انتقادهای سازنده از مدرسه، اعتماد به نفس لازم را برای یادگیری و سازگاری بهتر با محیط مدرسه به دست می‌آورند.

«در این روش که دو طرف به انتظارات یکدیگر توجه می‌کنند، به‌ویژه برای کودکان و نوجوانانی که دنبال تصویر قهرمانی‌ها هستند و مایل‌اند با روزآزمایی یا قدرت‌نمایی، توجه دیگران را جلب کنند، بسیار مفید است» (یشین).

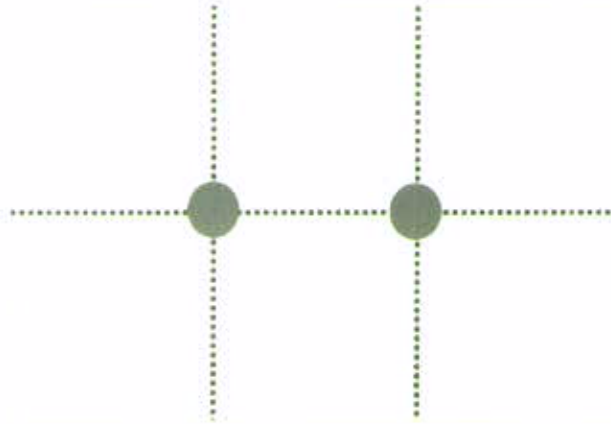
منبع

۱. باررگان، زهرا. مباحث‌گری در مدرسه: روش‌های بهبود رفتار دانش‌آموزان، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۹.

کادربندی

طیبه رحیمی

۱



۲



۳



۴

یکی از نکات کلیدی در آموزش هرهای تجسمی، آموزش کادربندی است که بحث گسترده و بسیار مهمی محسوب می‌شود. در شماره‌های قبلی، به چگونگی کادربندی صحیح اشاراتی کردیم. در این شماره، توجه شما را به چند تکنیک ساده معطوف می‌کنیم.

● به‌طور کلی، اگر در کادر یک موضوع اصلی داشته باشیم، برای جلب تمرکز مخاطب و نشان دادن اهمیت موضوع، بهتر است آن موضوع در مرکز قاب تصویر قرار گیرد. اگر اجزای دیگر کادر به نحوی چیده شده باشد که موضوع ما در مرکز جوهی چندان مناسبی نداشته باشد، از نقاط طلایی کادر برای جای دادن موضوع اصلی استفاده می‌کنیم. اصطلاح «نقطه‌ی طلایی» در کادربندی، سه نقطه‌ای گفته می‌شود که روی نلافی خط یک‌سوم طولی و یک‌دوم عرضی مستطیل کادر تصویر قرار می‌گیرد. در مستطیل روبه‌رو، نقاط طلایی قاب تصویر یا دایره مشخص شده است (تصویرهای ۱ و ۲).

● اگر در تصویر ما بیشتر از یک موضوع وجود داشته باشد، بهتر است که موضوعات، سهمی مساوی از کادر ما را اشغال کنند. (تصویر ۳) مگر این‌که یکی از آن‌ها اهمیت بیشتری داشته باشد. در این صورت، موضوع مهم‌تر را در مرکز و دیگر موضوعات را کنار موضوع اصلی در کادر جای دهید. (تصویر ۴).

با تشکر از همکاری که به سوالات مطرح شده در شماره‌های قبلی مجله‌ی رشد آموزش راهنمایی تحصیلی پاسخ داده‌اند، به اطلاع می‌رساند که پاسخ‌های دوستان، در اختیار کارشناسان مربوطه قرار گرفته است. پس از بررسی، کسانی که جامع‌ترین پاسخ را ارائه داده‌اند، در مجله چاپ می‌شود و دفتر آموزش و پرورش راهنمایی تحصیلی، از آنان تقدیر می‌کند. پرسش شماره‌ی ۵ خدمت شما بخیران ارائه می‌شود.

۱. برای توسعه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس راهنمایی تحصیلی چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید.
۲. انتظارات شما از گروه‌های آموزشی به عنوان یک مجموعه پشتیبانی کننده‌ی معلمان و مدیران چیست؟

پرسش مسؤلان، پاسخ شما



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های عمومی دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- **رشد کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)
- **رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)
- **رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)
- **رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- **رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های عمومی بزرگسال

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد آموزش ابتدایی + رشد آموزش راهنمایی تحصیلی + رشد تکنولوژی آموزشی + رشد مدرسه فردا + رشد مدیریت مدرسه + رشد معلم

مجله‌های اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) + رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی) + رشد آموزش قرآن + رشد آموزش معارف اسلامی + رشد آموزش زبان و ادب فارسی + رشد آموزش هنر + رشد مشاور مدرسه + رشد آموزش تربیت بدنی + رشد آموزش علوم اجتماعی + رشد آموزش تاریخ + رشد آموزش جغرافیا + رشد آموزش زبان + رشد آموزش ریاضی + رشد آموزش فیزیک + رشد آموزش نسبی + رشد آموزش زیست‌شناسی + رشد آموزش زمین‌شناسی + رشد آموزش فنی و حرفه‌ای + رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران، مربیان و مشاوران مدارس، دانش‌جویان، مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

• نمابر: ۰۲۱-۸۸۲۰۱۴۷۸

• تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۴۹۰۹۹

• E-mail: info@roshdmag.ir + www.roshdmag.ir



نگاهی به مجله‌ی رشد نوجوان بهمن ماه ۸۸

رشد نوجوان در این شماره دیر همانند شماره‌های قبل، خواندنی‌های جذاب و متنوعی را برای دانش‌آموزان نوبه‌ی راهنمایی تدارک دیده است و سعی دارد در کنار کتاب‌های درسی، مجموعه‌ای از داستانی‌های مفید را در اختیار مخاطبان خود قرار دهد. برخی از عناوین شماره‌ی بهمن ماه به شرح زیر است:

✓ از دفترچه خاطرات شاه

مطلب طنز به مناسبت ایام دهه‌ی فجر انقلاب اسلامی
✓ همزاد (داستان)

یک داستان خیال‌انگیز همراه با نکاتسی درباره‌ی فوت‌وفن داستان‌نویسی

✓ انتخاب (از مجموعه پنجره‌های به زندگی)

یک مقاله با تصاویر کارتون درباره‌ی اهمیت «انتخاب» در زندگی

✓ علم ژنتیک و شبیه‌سازی

مروری بر تاریخچه‌ی شبیه‌سازی و بیان ساده‌ی فرایندها

✓ راز نقاب‌های طلایی

نگاهی به کشفیات جدید درباره‌ی فراغته‌ی مصر
✓ آینه‌های روبه‌رو

مقایسه‌ی دو شعر از اقلین اعلا و شکوه فاسمینا که هر دو از شاعران خوب کشورمان هستند. در هر دو شعر به توصیف امام خمینی (ره) پرداخته شده و می‌توان از آن‌ها در ایام مبارک دهه‌ی فجر به‌ویژه در مراسم صبحگاهی مدرسه بهره برد.

✓ انقلاب‌ترا هیولا نیست

دانستی‌هایی درباره‌ی پیشگیری از شیوع آنفلوآنزا
✓ خواندنی‌هایی از المپیک زمستانی

مروری بر تاریخچه‌ی المپیک زمستانی و رویدادهای آن
✓ ایران ما

نگاهی به تاریخچه و دیدنی‌های شهر دامغان
✓ گل‌دان

نمونه‌ی آثار ارسالی دانش‌آموزان از سراسر کشور

✓ تاریخچه‌ی پیامک

✓ جدول و سرگرمی و بسیاری از مطالب خواندنی دیگر



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

برگ اشتراک مجله‌های رشد

شرایط:

- ۱- پرداخت مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله‌ی درخواستی. به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرخه‌حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
- ۲- ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک بابت سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید).

• نام مجله‌های درخواستی:

.....

.....

.....

• نام و نام خانوادگی:

.....

• تاریخ تولد:

.....

• میزان تحصیلات:

.....

• تلفن:

.....

• نشانی کامل پستی:

.....

استان: شهرستان:

.....

خیابان:

.....

پلاک:

.....

کد پستی:

* در موردی که قلاً مشترک مجله بوده اند، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید.

امضا:



• شماره امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۶۶۵۵

• صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

• پیام گیر مجله‌های رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

یادآوری:

- هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، بر عهده‌ی مشترک است.
- عبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک است.



تفسیر من ازمین

شما در رویارویی با این مسئله چه می‌کنید؟ چرا؟

من: به خدا اگر فقط یک بار، اگر فقط یک بار دیگر تو کلاس من تکه‌برانی کنی، کاری می‌کنم که مرغان آسمان به حالت گریه کنند!

من: «تمک‌پاش»! این قدر نمک نریز، قیمت نمک بالا می‌ره!

من: جوک‌ها و تکه‌های تو، هم بامزه‌اند و هم مؤذیانہ. بد نیست در یک دفتر آن‌ها را جمع‌آوری کنی. یک نسخه هم بده به من.

من: حال کلاس را می‌گیری.



نقطه‌ی شروع «مدیریت زمان» این است که درباره‌ی
هدف‌هایتان به شفافیت کامل دست یابید؛ هم‌چون یک
عکاس باید پیوسته لنز زمان و فعالیت‌هایتان را در روی
تصویر کاری که باید انجام دهید، متمرکز کنید.

